

رهبر آيو:

هدف اصلی توپنه گران،

ايجاد دوگانه‌اي دقيقا

همانند اسرائيل . فلسطين بود

صدای رسای زنان، رعشه

به جان دولت‌مردان انداخته

گرتووخانه سه‌نگه‌ری

به‌رخودان و تیکۆشانه

رێبه‌ر نابۆ له‌لایه‌ن

کلادیوی ناټۆوه ده‌رفیندریت

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

سال سیزدهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی بیست و ششم

بهمن ۱۴۰۲

JANUARY 2024



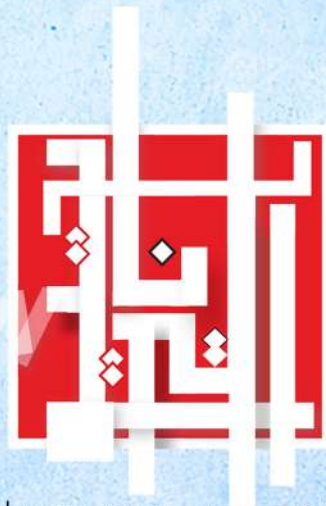
ÖCALAN

#FreeOcalan4PoliticalSolution

الترناتيو

الترناتيو مجلهى سياسى، ايدئولوژىك و اجتماعى
ارگان رسمى حزب حىيات آزاد كوردستان/پژاڭ





ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

الترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال سیزدهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی بیست و ششم

بهمن ۱۴۰۲

۲۶

JANUARY 2024



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید.

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram: jinjiyanazady
mail: ciyaviyan24@gmail.com

فهرست

بخش فارسی

ادبیات و هنر

بهشتی کوردی

	سخن آغازین	۵
رهبر آپو	درك نمودن ذهنیت فلسفی و سیاسی موجود توطئه...	۶
مظلوم هفتن	مسئله‌ی کرد و چاره‌یابی دموکراتیک در ایران	۱۲
مانی زردشت	توطئه علیه آزادی	۱۵
رزین کمانگر	صدای رسای زنان، رعشه به جان دولتمردان انداخته	۲۲
آرگش آلاسور	باید علیه همه‌ی بمب‌ها ایستاد	۲۵
روکن نقده	بزرگترین سنگر مقاومت در برابر هر دیکتاتور و اقتدار...	۳۲
رامین گارا	جنبش انقلابی ایران: یک انقلاب اقتصادی ساختاری هم هست	۳۴
بیستون مختاری	زمان، زمان آزادبست	۳۸
سربست چیا	مقاومت زندگیست	۴۲
سرپرست ادبی‌الترناتیو	نقد و بررسی شعر "مرا گوشه‌ی لبخندت جای بده"	۴۷
دیار کیمیری	شعری برای شهید آرین آری	۴۹
دریا احمد	شعر پنجره‌ی گریلا	۵۰
نارام که‌ریم	پیلانگپری نیونه‌ته‌وه‌یی پررۆژی کۆنفیدرا‌لیزمی...	۵۱
دهنیز دهریا	گرتوو‌خانه سهن‌گه‌ری به‌رخۆدان و تیکۆ‌شانه	۵۶
نامهد شاهۆ	هه‌لمه‌تیک: کوانووی دیمۆکراسی بلی‌سه‌دارتر کرد	۵۹
په‌ری ئاواز	چاند کۆمه‌ل‌گه‌یه و هونه‌ریش رۆحی کۆمه‌ل‌گه	۶۴
نارام جه‌نگاومر	کۆماری کوردستان؛ له نیوان ئەزموون و دەسکەوت‌دا	۶۸
میترا کورد	پرسی ژن سه‌رچاو‌هی بنه‌رته‌تی هه‌موو کیشه کۆمه‌ل‌ایه‌تیه‌کانه	۷۵
هیوا ئەحمهد	شه‌هید گولستان؛ پارێزەریکی راسته‌قینه‌ی نرخه‌کان	۷۸

سخن آغازین



این مبارزات هستند و در کنار آنان مادران صلح به ویژه در باکور (شمال) کوردستان به صورت روزانه برای رسیدن به دموکراسی و صلح فعالیت می‌کنند، و فرزندان‌شان نیز در زندان‌ها، اعتصاب غذاهای گروهی را ادامه می‌دهند.

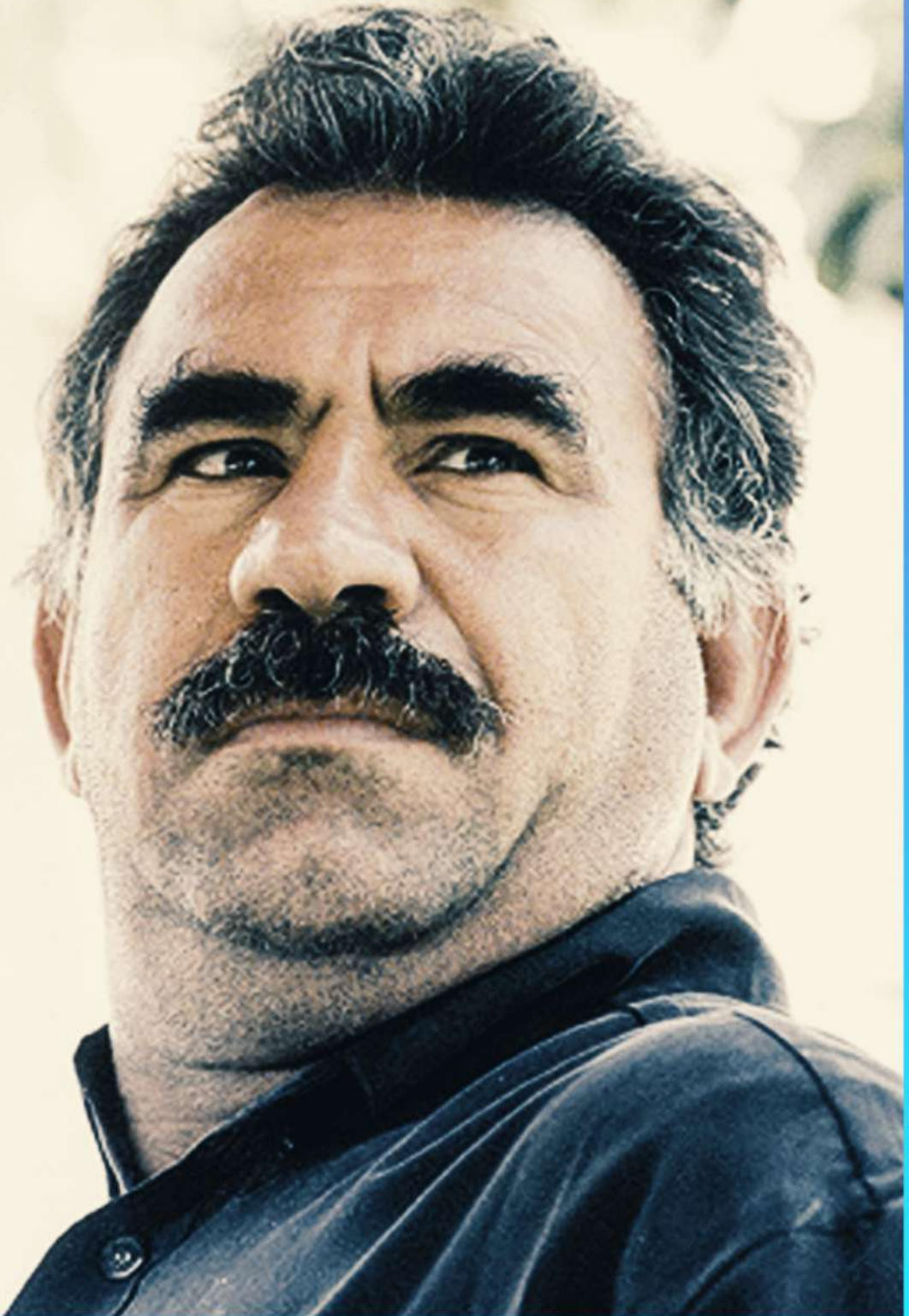
در این روزهای اخیر اوضاع خلق کورد و خلق‌های خاورمیانه دشوارتر گشته است و بحران‌ها عمیق‌تر شده‌اند. خلق کورد و خلق فلسطین کماکان با نسلکشی روبه‌رو هستند، رژیم‌های اشغالگر ترکیه، ایران و اسرائیل به همراه ابرقدرت‌های سیستم جهانی سرمایه‌داری، آسمان خاورمیانه را جولانگاه موشک‌های خودکرده‌اند و در این میانه علی‌رغم دروغ‌پردازی‌هایی از جمله مبارزه با "تروریسم" روزانه زنان و کودکان را هدف قرار می‌دهند، این در حالی است که "تروریسم" واقعی از خود دولت-ملت‌های اشغالگر منطقه و سیستم جهانی سرمایه‌داری برمی‌خیزد. به ویژه در این روزها شاهد کشتار روزانه‌ی خلق کورد، عرب و بلوچ هستیم. از این روی بر همه‌ی آزادیخواهان خاورمیانه است که در مقابل همه‌ی اشغالگران و سیستم جهانی سرمایه‌داری بایستند و این امر تنها با اشاعه‌ی دموکراسی و آزادی‌خواهی زنان در کنار فرهنگ مقاومت میسر خواهد شد.

در روژه‌لات (شرق) کوردستان و ایران جنبش انقلابی "زن زندگی آزادی" کماکان در اشکال گوناگون ادامه دارد و سرکوب‌های داخلی رژیم اشغالگر ایران نمی‌تواند از آزادی‌خواهی خلق‌های روژه‌لات کوردستان و ایران جلوگیری نماید، اقشار مختلف جوامع ما روزانه در حال اعتراضات مدنی هستند و زنان و جوانان فعالیت‌های مبارزاتی خویش را در سطوح فرهنگی-اجتماعی به پیش می‌برند، ادامه‌ی جنبش انقلابی "زن زندگی آزادی" خود بخشی از کارزار آزادی خواهد بود اما بر همه‌ی اقشار روژه‌لات کوردستان و ایران است که مشارکتی فعال‌تر در کارزار "آزادی فیزیکی رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد" داشته باشند، که در واقع پیروزی این کارزار به خاورمیانه‌ی دموکراتیک و جهانی آزاد و عاری از خشونت و جنگ منجر خواهد شد.

به ماه فوریه نزدیک می‌شویم، ماهی که برای خلق کورد و آزادیخواهان یادآور فوریه‌ی تلخ و سیاه سال ۱۹۹۹ می‌باشد، در ۱۵ فوریه‌ی آن سال توطئه‌گران بین‌المللی رهبر آپو را ربودند و ایشان از آن هنگام تا به امروز در زندان و سیستم شکنجه‌ی امرالی به سر می‌برد. به ویژه بعد از سال ۲۰۱۵ انزوا بر رهبر آپو در زندان شدیدتر اعمال گردید و دیدارهای ایشان با وکلا و خانواده‌شان هر سال رو به کاهش رفت، و سرانجام اکنون ۳ سال است که هیچ خبری از ایشان به بیرون از زندان درز نکرده است و از هرگونه دیدار و ارتباط ایشان با وکلا و خانواده‌اش جلوگیری می‌شود. در این باره نقش رژیم فاشیستی ترکیه تنها زندانبانی است، در اصل این سیستم جهانی مدرنینه سرمایه‌داری است که رهبر آپو را در این زندان و سیستم شکنجه به اسارت در آورده است و سخت‌ترین انزوای تاریخ را بر ایشان روا داشته است، اما رهبر آپو کماکان با ایستار انقلابی و دموکراتیک خویش در مقابل این سیستم شکنجه و بیداد مقاومت می‌کند و افکار ایشان دیوارهای بتنی زندان و جزیره‌ی احاطه شده‌ی امرالی را درنوردیده است و همانطور که خودشان می‌گویند: "هر آنجا که کتاب‌های من باشد، من در آن جا حضور دارم". از همین روی از ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳ دوستان خلق کورد اعم از روشنفکران و آزادیخواهان جهان در ۷۴ نقطه‌ی جهان کارزاری را تحت نام "آزادی فیزیکی برای رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد" آغاز کردند، جنبش آزادی و خلق کورد نیز در هر ۴ بخش کوردستان و خارج از کشور به این کارزار پیوسته‌اند و این کارزار تا رسیدن به اهدافش ادامه خواهد داشت. گریلا در برف و بوران و در سخت‌ترین شرایط آب و هوایی توانست ضرباتی کاری بر پیکر ارتش اشغالگر ترکیه وارد آورد و دشمن را غافلگیر کند و تنها در عملیات انقلابی "شهید هلمت دیرلوک" ۶۱ نظامی اشغالگر ترکیه به سزای اعمال جنایت کارانه‌ی خود رسیدند. خلق کورد نیز در هر ۴ بخش کوردستان روزانه فعالیت‌های مبارزاتی دموکراتیک خود را ادامه می‌دهد که در این میان زنان و جوانان پیشاهنگ

رهبر آيو:

درك نمودن ذهنيت فلسفي و سياسي
موجود توطنه حائز اهميت است



سعی کردند تا مهم‌ترین بخش توطئه‌ی بزرگ گلاادیو را در امرالی اجرا نمایند. حتی مأموریت کاری ژنرال «انگین آلان» رئیس واحدی که مرا به جزیره آورد، به تنهایی جهت روشن‌سازی این واقعیت کافی می‌باشد. انگین آلان، فرماندهی نیروهای ویژه‌ی آن دوران یعنی رئیس رسمی گلاادیو ترک بود. برخورد یکی از مقامات شورای اتحادیه‌ی اروپا که در جزیره به استقبال آمد، چنان بود که بعد اروپایی توطئه را به‌گونه‌ای شفاف‌کننده‌تر نشان می‌داد. اینگونه بود که پیمان بین ایالات متحده‌ی آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و مقامات ترک آشکار گردید. اثباتی بهتر از این سه نشانه (گفته‌ها و توضیحات ژنرال گالتیری مشاور ویژه‌ی کلینتون رئیس‌جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا؛ برخوردهای زنی که از مقامات کمیساریای سیاسی اتحادیه‌ی اروپا بود؛ و نقش انگین آلان فرماندهی نیروهای ویژه‌ی ترک) وجود ندارد که نشان دهد عملیات مزبور از اول تا آخر تحت مسئولیت سیاسی ایالات متحده‌ی آمریکا و اروپا و توسط گلاادیو ناتو اجرا گردید. قبل از این واقعیات - که بعدها نمایان شدند - نیز شك نداشتیم نیرویی که مرا از دور خارج نمود، نیروهای امنیتی دولت ترکیه نبودند اما مکانیسم عملیات را به‌طور کامل درک نکرده بودم. واقعیت آن مقطع بسیار متفاوت‌تر از آن چیزی بود که بازتاب داده می‌شد. به اصرار، چنان جوّی ایجاد می‌گردید که انگار دولت ترکیه فشار می‌آورد و نتیجه کسب می‌نماید. حتی گفته‌ی نخست‌وزیر وقت بولنت اجویت دال بر اینکه درک نکرده که چرا مرا دستگیر کرده‌اند و به ترکیه تحویل داده‌اند، اثباتی مهم بر صحت این ادعای من است. هرچه رویدادها تحلیل گشته و روشن شوند، صحت ادعایم بیشتر تصدیق خواهد یافت.

اولین کسی که در جزیره به استقبال آمد، سرهنگی بود که یونیفرم نظامی به تن داشت. خود را به‌عنوان نماینده‌ی ستاد کل ارتش معرفی نمود. سخنان مهمی بر زبان راند و بر فایده‌ی دونفره و پنهانی‌ماندن آن‌ها تأکید ورزید. بعدها هنگامی که بازجویی به‌صورت رسمی آغاز گشت نیز، همان درجه‌دار سخنان جداگانه و مهمی بر زبان راند. بازجویی چندجانبه‌ی هیأتی که از چهار واحد امنیتی تشکیل می‌شد (ستاد کل ارتش، ژاندارمری، امنیت یا پلیس، تشکیلات اطلاعات ملی)، ده روز به طول انجامید. در این میان از طریق یک

نوار کاست، خطاب به فرماندهی نیروها سخنانی را ایراد نمودم. بعدها نیز اظهارنظرهای متقابلی به‌شکل صحبت صورت گرفتند که ماه‌ها به‌طول انجامید. برخی اشخاص دیگر نیز گهگاهی پیدایشان می‌شد، گاه و بیگاه از اروپا نیز هیأت‌هایی می‌آمدند.

به نوعی نگرش دفاعی اولویت دادم که در آن کیفیت توطئه‌ی بین‌المللی پروسه‌ی امرالی را مدنظر قرار می‌دادم. آن‌هایی که به‌نام ترک‌بودن عمل می‌کردند، به سبب برداشت نامنعطف‌شان از هویت ترکی، رابطه‌شان با واقعیت دچار گسست شده بود. دستیابی آن‌ها به درکی صحیح از فلسفه‌ی نهفته در پس توطئه، مغایر با سرشت‌شان بود. زیرا آن‌ها نیز محصول ساختارهایی بودند که توسط فلسفه‌ی حداقل صد ساله‌ی همین توطئه برساخته شده بودند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که این ساختارهای برساخته‌شده را نفی نمایند و رویکردی انتقادی داشته باشند. انتظار بروز هر نوع اراده‌ی تغییرخواهانه‌ای از آن‌ها، چه طی محاکمه‌ی کم‌مدتی‌مانند و چه در مرحله‌ی محکومیت، بی‌معنا می‌بود. در شرایط موجود، ساده‌دلی بود که باور کنم مطابق سخنانی رفتار خواهند کرد که نماینده‌ی ریاست ستاد کل ارتش به‌صورت پیچ‌پچه‌وار بر زبان رانده بود. به هر حال، از چنان نیروی تصمیم‌گیری‌ای که بتوانند تعهدات خویش را اجرا نمایند، محروم بودند. سیستمی برای من ایجاد شده بود که ایالات متحده‌ی آمریکا از آن پشتیبانی می‌کرد و اتحادیه‌ی اروپا بر آن نظارت داشت. طرح سیستم مذکور، از آن انگلستان بود و اجرایش نیز بر عهده‌ی ترکیه.

درک نمودن ذهنیت فلسفی و سیاسی موجود در پس توطئه، حائز اهمیت فراوانی است. پیوسته از وجود بنیان صد ساله‌ی توطئه بحث می‌کنم و هر از گاهی آن را توضیح می‌دهم. از توطئه‌هایی بحث نمودم که در هر دوران عبارت از یک مقطع حساس بودند. می‌توان به برخی از این‌ها که تنها علیه کردها بودند، اشاره نمود: توطئه‌ی افواج حمیدیه، توطئه‌ی ملا سلیم در بدلیس طی سال ۱۹۱۴، توطئه علیه شیخ سعید در سال ۱۹۲۵، توطئه‌های ۱۹۳۰ در آگری و ۱۹۳۷ در درسیم، دعاوی ۴۹ نفر در سال ۱۹۵۹ و ۴۰۰ نفر در سال ۱۹۶۰، گشتن فائق بوجاک، قتل سعید قرمزی توپراک به‌دست حزب دموکرات گُردستان (PDK)، همچنین صدها توطئه‌ای که توسط صاحبان ذهنیت

چپ‌رو و ملی‌ترک و گُرد که از اعماق دل از هدف قرارگرفتنی من خوشحال شده بودند، چنان زیاد بود که در حساب نمی‌گنجید. جهان رسمی انگار از طریق تنگ‌کردن حلقه‌ی محاصره بر من، حلقه‌ی محاصره را بر خطرناک‌ترین رقیب تنگ کرده بود. حتی در درون PKK نیز شمار آنانی را که اعتقاد داشتند روزهای اقبال به آن‌ها رو کرده و فرصت زندگی‌ای مطابق میل‌شان به‌وجود آمده است، نمی‌توان کوچک شمرد. بدون شك اولین و کلی‌ترین مشاهده نشان می‌داد که تمامی این نیروها از اقبال سرآمدی تشکیل می‌شدند که در پی منافع لیبرال مدرنیته‌ی کاپیتالیستی می‌دویدند. من ذهنیت و منافع لیبرال-فاشیستی بسیاری از آنان را مورد تهدید قرار می‌دادم. مثلاً، انگلستان باتجربه‌ترین نیرو از میان این نیروها بود. جهت اینکه در اروپا امکان فعالیت سیاسی نداشته باشم، نیرویی بود که اولین گلوله‌ی اشاره را شلیک نمود. هنوز تازه گام به اروپا گذاشته بودم که مرا «شخص نامطلوب» (persona non grata) اعلام کرده بود. این اقدامی ساده نبود، از اقداماتی بود که نتیجه را از قبل تعیین می‌نمود. بسیار خُب، چرا این موضعی که حتی برای خمینی و لنین اتخاذ نگردید را فی‌الفور برای من اتخاذ نمودند؟ در بسیاری از بخش‌های دفاعیاتم سعی نمودم سرخ‌های مربوط به این را توضیح دهم. به همین دلیل نیازی به تکرار اضافی وجود ندارد. خلاصه اینکه، در برابر نقشه‌های هژمونیک دویست ساله‌ی معطوف به خاورمیانه‌اش، به‌ویژه برای سیاست‌های مربوط به گُردستان (به‌طور چکیده‌وار به سبب سیاست «کرکوک-موصل را بده و گُردهای ساکن در قلمرو مرزهای خودت را نابود کن»)، همچون مانعی جدی سر برآورده بودم. در برابر تمامی برنامه‌ها و مجریانش آغاز به خطرناک‌شدن نموده بودم.

دغدغه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا چیز دیگری بود. می‌خواست «پروژه‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ» را اجرا نماید. به همین جهت، رخدادهای گُردستان دارای اهمیتی کلیدی بودند. حداقل به اقتضای اوضاع آن مقطع، باید به‌صورت حتمی فاقد تأثیر گردانده می‌شدم. پاکسازی و نابودی من، در آن روزها با سیاست‌های گلوبال‌ش همخوان بود. روسیه که دچار یکی از بحران‌های بسیار جدی اقتصادی تاریخ خود گشته بود، در آن دوران نیازی بسیار عاجل به وام داشت. اگر شرکت در

آن‌هایی که به‌نام ترک‌بودن عمل می‌کردند، به سبب برداشت نامنعطف‌شان از هویت ترکی، رابطه‌شان با واقعیت دچار گسست شده بود. دستیابی آن‌ها به درکی صحیح از فلسفه‌ی نهفته در پس توطئه، مغایر با سرشت‌شان بود. زیرا آن‌ها نیز محصول ساختارهایی بودند که توسط فلسفه‌ی حداقل صد ساله‌ی همین توطئه برساخته شده بودند

مذکور علیه PKK ترتیب داده شده‌اند. تنظیم‌کنندگان توطئه‌ها، توطئه را نوعی هنر قدرت محسوب می‌نمایند که استادانه تنظیم شده است. یعنی توطئه مهم‌ترین ابزار و روح هنر قدرت است. هنر مزبور، برای گُردها به‌طور حتم باید بر اساس توطئه اجرا می‌گردد. اجرای توطئه از طریق روشی آشکار، سبب می‌شد تا همانند آن داستان مشهور، همگی «برهنه‌بودن شاه» را جار بزنند! نیروی قدرتمداری که اقداماتش تا حد نسل‌کشی هدفمند بود، ابزاری جز توطئه و ذهنیتی که بدان جهت‌دهی می‌نماید، در دست نداشت. در اینجا، مورد مهم عبارت است از شناخت صحیح نیروهای مشارکت‌کننده در توطئه و ارائه‌ی تعریفی صحیح از آن‌ها.

باید بگویم که در مرحله‌ی امرالی در این موضوع دچار سختی گردیدم. زیرا نیروهای متفاوتی در توطئه حضور داشتند که دارای چالش‌های بسیاری با همدیگر بودند. دولت‌های بسیاری از ایالات متحده‌ی آمریکا گرفته تا فدراسیون روسیه، از اتحادیه‌ی اروپا گرفته تا اتحادیه‌ی عرب، از ترکیه گرفته تا یونان، از کنیا گرفته تا تاجیکستان در توطئه جای گرفته بودند. چه چیز بود که دشمنان صدها ساله یعنی ترک‌ها و یونانی‌ها را با هم یکی می‌گرداند؟ چرا وحدت منافع یا هم‌پیمانی‌هایی تا بدین حد غیراصولی، با اتکا بر شخص من ایجاد می‌گردیدند؟ همچنین شمار مزدوران

توطئه‌ای که علیه من صورت گرفت، نه تنها علیه کردها بود بلکه علیه ترک‌ها نیز انجام گرفته بود. شیوه‌ی تحویل‌دادم و نیت بازیگران این مسئله، نه پایان دادن به «تروریسم» و حل مسئله بلکه ژرفابخشیدن به بنیان ناسازگاری‌ها و اختلافاتی بود که صد سال دیگر نیز باید ادامه می‌یافتند

در راستای تعمیق درگیری ترک- کُرد هدفمند هستند. ارمنی‌ها، یونانی‌ها، گروه‌های اتنیکی بالکان، اعراب، سُرّیانی‌ها، ترک‌ها و کُردها که به آلت دست این سیاست‌ها تبدیل شده بودند، موارد بسیاری را باخته بودند. برخی از این‌ها میهن و فرهنگ هزاران ساله‌ی خویش را از دست دادند، حتی از حالت جامعه‌ی ملی خارج گردانده شدند. همچنین به سبب اینکه کُردها با ترک‌ها در همزیستی به سر می‌بردند، نیروهای بسیاری نسبت به کُردها احساس خشم و ناراحتی می‌کردند. اتحادی که از زمان جنگ ملازگرد تاکنون همیشه اهمیت استراتژیک خویش را حفظ نموده است، به‌ویژه از طریق سیاست نفی و نابودی‌ای که از سال ۱۹۲۵ بدین سو اجرا می‌گردد، بر باد داده شد. اگر پروسه‌ی معطوف به نفی و پاکسازی این عنصر اصلی جمهوری عمیقاً مورد تحلیل واقع می‌گرفت و از طریق فلسفه‌ی تاریخ تفسیرپردازی می‌شد، آشکار می‌گشت که ماهیتا اتحاد استراتژیک مذکور مورد هدف قرار گرفته است. مهم‌ترین گام توطئه، فشار وارد آوردن بر مصطفی کمال از طرف انگلیسی‌ها و دنباله‌های داخلی آن بود. در پدیده‌ی سنتی زمامداری و مدیریتِ ترک و در فلسفه‌ی آن، خصومت با کُردها و آسیمیله کردن آن‌ها وجود نداشت. این دشمنی و خصومت با اهدافی ویژه ایجاد گشت. وقایعی که در مرحله‌ی شورش و عصیان و بعد از آن روی دادند، بر

توطئه‌ای که علیه من ترتیب داده شد به نوشداروی روسیه تبدیل می‌گشت، دلیلی باقی نمی‌ماند تا در آن جای نگیرد و ایفای نقش ننماید! دیگران هم که برادر کوچولوهای سربه‌راه «برادر بزرگ» بودند؛ برادر بزرگ هرچه می‌گفت، روی چشم‌شان جای داشت! برای جریان چپ‌گرای ترک (به‌جز استثناها)، مزدوران کُرد و اشخاص ناخُرسند درون PKK، فرصت خلاصی‌یافتن از یک رقیب جدی مطرح بود. فلسفه‌ی موجود در اعماق این رفتار و موضع‌گیری تمامی آن‌ها، در تحلیل آخر عبارت است از: فلسفه‌ی اگوئیسم، پراگماتیسم و منفعت‌طلبی روزانه‌ی لیبرالیسم.

به نظرم با گفتن این سخنان، واقعیت را اندکی دیگر تشریح می‌نمایم. در آن روزها طرفداری از آزادی کُردستان و هویت‌یابی کُردها مستلزم گذار از همه نوع خودخواهی، پراگماتیسم و منافع روزمره‌ی لیبرال بود؛ امر به دست برداشتن از حیات مدرنیته‌ی کاپیتالیستی - اعم از راست‌گرا و چپ‌گرا - یا ایستادن در برابر آن نوع حیات می‌نمود، مجبور به چنین چیزی می‌کرد. برعکس، جهان آن روزها، جهان روزهایی بود که لیبرالیسم گلوبال در جنگ فتح جهان خروشان گشته بود. سال‌هایی جریان داشتند که فاشیسم لیبرال در سطح جهان، سلطه و حاکمیتش را اعلان کرده بود. از منظر سیاسی نیز خاورمیانه در حکم مرکز مبارزه‌ی هژمونیک بود. مبارزه بر سر کُردستان از نظر نقشه‌ها و محاسبات هژمونیک، نقشی کلیدی داشت. موقعیت ایدئولوژیک و سیاسی PKK، چالش آشکاری با محاسبات و نقشه‌های هژمونیک داشت. بنابراین پاکسازی و نابودی من، به معنای گشودن مسیر پیش روی نقشه‌های مذکور بود.

در چرخه‌ی امرالی، تمامی این محاسبات تاریخی، حول شخص من دوباره احیا شدند. برای اینکه بتوانم پروسه‌ی امرالی را تحلیل نمایم باید صاحب چنان آگاهی‌ای می‌گشتم تا بر منازعات منفعت‌خواهانه‌ی روزانه‌ای که دارای بنیان‌های طولانی تاریخی بودند، واقف گردم. یکی از نکاتی که باید در محاسبات و نقشه‌های توطئه‌آمیز نظام هژمونیک بسیار بدان توجه می‌شد عبارت بود از: تبدیل‌نشدن به آلت دست سیاست‌های «تفرقه بینداز و حکومت کن» مربوط به منطقه که استادانه طرح شده و در دویست سال اخیر به اجرا گذاشته شده است؛ به‌ویژه به‌کارگیری‌نشدن به نفع این نیروهایی که

است در خاورمیانه به هژمونی غرب خدمت نموده، دوگانه‌ی گُرد- ترک نیز که ابعاد بسیار بزرگ‌تری داشت حداقل صد سال دیگر می‌توانست به خدمت محاسبات و نقشه‌های هژمونیک آن‌ها درآید. به هر حال، همان هدف طی قرن نوزدهم در حین ایجاد بسیاری از مسائل اتنیکی و مذهبی در منطقه و لاینحل باقی‌گذاشتن آن‌ها پیروی و پیگیری شده بود. واقعیت امرالی معلومات خام من در این مورد را به خوبی تکامل بخشید. اما مهم‌ترین مسئله‌ی پیش روی من، فهماندن این به قشر نُخبه‌ی زمامدار ترک بود.

(ب) بنابراین فهماندن این نکته که توطئه بیشتر از من و گُردها، در اصل علیه ترک‌ها انجام گرفته، به‌صورت مهم‌ترین مسئله‌ی من درآمد بود. خطاب به بازجویان بارها بر این امر تأکید می‌نمودم، اما آن‌ها خود را به دست باد شهوت پیروزی سپرده بودند. این رویکردشان تا سال ۲۰۰۵ که درک کردند جنبش هویت‌طلبی و آزادی‌خواهی گُردها استوارتر و سرزنده‌تر از گذشته است، ادامه یافت. هنگامی که به‌صورت عمیق‌تر درباره‌ی موضوع مذکور به تفکر پرداختم، عناصر توطئه‌ی صورت‌گرفته در دوران مشروطه و جمهوری را از نزدیک‌تر مشاهده نمودم. متوجه شدم رویداد یا پدیده‌ای که «استقلال ترک» نامیده می‌شود، بدترین نوع وابستگی است. وابستگی ترک‌ها، ایدئولوژیک و سیاسی بود. به‌تدریج بهتر می‌توانستم متوجه شوم که ملی‌گرایی و ملت‌گرایی که امری برساخته شده بود، دارای خاستگاهی خارجی است و پیوند بسیار اندکی با پدیده و تاریخ اجتماعی تُرک دارد. نیروهای هژمونیک از میزان ضعف قشر نُخبه‌ی زمامدار ترک در زمینه‌ی قدرت آگاه بودند و از این ضعف استفاده می‌نمودند. حاکمیت و سلطه‌ی بی‌حدومرزی که بر گُردها برقرار نموده بودند، در عین حال از ضعف نشأت می‌گرفت. حاکمیت و سلطه‌ی مزبور، در عین حال به معنای محکومیت آنان بود. سلطه و حاکمیت‌شان همیشه هدایت‌شده بود، فاقد ایدئولوژی ذاتی خویش بودند؛ به عبارت صحیح‌تر قاعده‌ی «حاکمیت و سلطه همه‌چیز است و ایدئولوژی هیچ چیز» به‌کار برده می‌شد.

(ج) روشی که نیروهای هژمونیک در زمینه‌ی ژرف‌سازی دوگانه‌ی گُرد- ترک از آن استفاده می‌نمودند، روش «خرگوش بدو، تازی بگیر» بود. به‌طوری‌که، هم تازی و هم خرگوش در این تعقیب و گریز

روشی که نیروهای هژمونیک در زمینه‌ی ژرف‌سازی دوگانه‌ی گُرد - ترک از آن استفاده می‌نمودند، روش «خرگوش بدو، تازی بگیر» بود. به‌طوری‌که، هم تازی و هم خرگوش در این تعقیب و گریز خسته می‌شدند و در نتیجه هر دو نیز به خدمت صاحبان‌شان درآمده و مورد استفاده قرار می‌گرفتند

این واقعیت انگشت صحت می‌گذاشت. این وضعیت که در امرالی بسیار توجه مرا به خویش جلب کرد و هرچه بیشتر درباره‌ی آن به تفکر پرداختم، راهگشای تحولی ریشه‌ای در فلسفه‌ی سیاسی من شد.

می‌توان سیر این اندیشه‌ی سیاسی را در دفاعیاتم که به‌صورت سه حلقه تدوین کردم، مشاهده نمود. نتایجی که به آن رسیدم با خطوط کلی این‌ها هستند:

(آ) توطئه‌ای که علیه من صورت گرفت، نه‌تنها علیه گُردها بود بلکه علیه ترک‌ها نیز انجام گرفته بود. شیوه‌ی تحویل‌دادنم و نیت بازیگران این مسئله، نه پایان‌دادن به «تروریسم» و حل مسئله بلکه ژرفابخشیدن به بنیان ناسازگاری‌ها و اختلافاتی بود که صد سال دیگر نیز باید ادامه می‌یافتند. اجرای توطئه علیه من، فرصت ایده‌آلی جهت تحقق این نیات‌شان فراهم آورده بود. می‌خواستند تا حد ممکن این فرصت را به‌کار ببرند. ممکن نبود عکس آن را اندیشید؛ زیرا اگر می‌خواستند، می‌توانستند در این جهت مشارکت بسیاری در رویدادهای بسیار مطلوب برعهده بگیرند. حال آنکه کارها را همیشه به سمت بن‌بست سوق می‌دادند؛ به‌جای حل مسئله، آن را به یک گره‌کور تمام‌عیار مبدل می‌نمودند. می‌خواستند دوگانه‌ای دقیقاً همانند اسرائیل- فلسطین ایجاد نمایند. همانگونه که دوگانه‌ی اسرائیل- فلسطین صد سال

خسته می‌شدند و در نتیجه هر دو نیز به خدمت صاحبان‌شان درآمده و مورد استفاده قرار می‌گرفتند. مواردی که علیه خود من اجرا کردند، به معنای تصدیق این روش بودند. هم برخوردهای شورای اتحادیه‌ی اروپا و هم احکام «دادگاه حقوق بشر اروپا» دقیقاً در خدمت اجرای این سیاست قرار می‌گرفتند. منطق‌شان وابسته‌نمودن بی‌پایان هر دو طرف به خویش بود. هدف، عدالت و حل مسئله نبود. دفاعیاتم را بیشتر با هدف رسواسازی این منطق به رشته‌ی تحریر درآوردم. نشان دادن سازمان گلا دیو بر رأس دولت آن‌هم به شکلی که در هیچ یک از کشورهای ناتو دیده نمی‌شود، با مواردی نظیر حسن نیت و تأمین امنیت قابل توجیه نیست. دنباله‌ی ترکیه‌ای گلا دیو فرصت بی‌نظیری جهت اداره‌ی دلخواهانه‌ی کشور به نیروهای هژمونیک می‌داد، به همین دلیل نیروهای هژمونیک که مهار را در دست خود داشتند، چشم بر عملکردهای دنباله‌ی ترکیه‌ای گلا دیو فرو بسته بودند. وقتی گلا دیو به‌طور کامل از نزدیک موشکافی گردد و فلسفه‌اش آشکار شود، دیده خواهد شد که هدفش اشغال کشور از کوتاه‌ترین راه ممکن، از هم‌گسیختن و تجزیه‌ی خلق و به تفرقه و درگیری واداشتن آن است. به‌ویژه این واقعیت در دنباله‌های خاورمیانه‌ای آن، از طریق عملکردهایی که پیوسته جریان داشت، خود را نمایان می‌ساخت. مؤثرترین ابزار برای مدیریت نمودن یک خلق بود. هم خلق کشور را در مقابل دولت قرار می‌دادند و هم هر دو را به دست همدیگر سرکوب می‌نمودند. با این روش، آن‌هایی را که خطرناک می‌دیدند پاکسازی و نابود می‌کردند. این پدیده در شصت سال آخر زمامداری و مدیریت ترکیه، بسیار جالب توجه بود. کشور انگار به حالت آزمایشگاه درگیری‌های گلا دیو درآورده شده بود. صرفاً درگیری‌های نشأت‌گرفته از گلا دیو که در تمامی مراحل مهم تاریخ PKK روی دادند، جهت پایان دادن به دوستی‌های صدها ساله‌ی دولت و خلق‌ها کفایت نمود.

د) از پروسه‌ی امرالی به‌عنوان پلاتفرمی ایده‌آل در جهت برهم‌زدن این بازی استفاده نمودم. بدین منظور، بنیان تئوریک خود را که لازم بود تقویت نمودم. تمامی براین و استدلال‌های فلسفی - پراکتیکی شرایط صلح و چاره‌یابی سیاسی را ایجاد نمودم. بر روی خودویژگی

[یا جنبه‌ی خاص] چاره‌یابی سیاسی دموکراتیک به تفکر پرداختم. این فعالیت‌های دشوار و نیازمند صبوری، می‌توانست دورهای باطل توطئه را بشکند و راه‌حل‌های آلترناتیو را ایجاد نماید. در این موضوع، چاره‌ای جز اعتماد به خویش نداشتم. به‌واقع نیت آن‌هایی که در روند توطئه جای گرفتند و ایفای نقش نمودند، متفاوت بود. می‌خواستند با نابودی من، PKK و جنبش آزادی‌خواهی را از پای درآورند. اقداماتی که در زندان صورت گرفتند، تمامی برخوردهای اتحادیه‌ی اروپا و دادگاه حقوق بشر اروپا در ارتباط با همین هدف اصلی بود. در راستای یک جنبش گُردی که از وجود من عاری شده باشد، هدفمند بودند. می‌خواستند یک نسخه‌ی مدرن از مزدوری‌گری سنتی را ایجاد نمایند که عقیم گشته و در خدمت اربابانش باشد. به‌ویژه فعالیت‌های طولانی‌مدت ایالات متحده‌ی آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا در همین راستا بودند. بر این مبنا جهت هم‌پیمانی‌هایی با قشر نُخبه‌ی زمامدار و مدیریت‌کننده‌ی ترک آماده بودند. خلاصه اینکه، این مُدل عقیم‌سازی که به‌ویژه جریان هژمونی‌گرایی انگلیسی ابتدا در جنبش طبقه‌ی کارگر و بعدها در جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و جنبش‌های انقلابی-دموکراتیک با موفقیت اجرا نموده بود، با توسل به روش «آزادی‌ها و حقوق بشر» لیبرال به موفقیت انجامیده بود. سازمان‌ها و رهبران انقلابی را پاکسازی نموده بودند. روشی مشابه روش‌های تصفیه و نابودسازی که صدها سال است اجرایشان می‌کنند، علیه PKK و جنبش انقلابی هدفمند در راستای آزادی و برابری کلکتیو، اجرا می‌گردید. این اساسی‌ترین نتیجه‌ای بود که از پروسه‌ی امرالی انتظار داشتند؛ برنامه‌ای بود که بسیار بر روی آن کار کرده و در پی اجرای استادانه‌ی آن بودند. استراتژی و تاکتیک‌ها در چارچوب همین برنامه ایجاد می‌شدند. دفاعیاتی که در مقابل این‌ها نوشتم، نه بر موضع دکماتیک ارتدوکس سنتی استوار بود و نه به‌منظور رهایی خود یا بهبود شرایط بود. چیزی که به دفاعیاتم جهت داد، مسیر صلح و چاره‌یابی دموکراتیک اصولی و شرافتمندانه‌ای بود که با واقعیت تاریخی و اجتماعی خلق‌ها همخوان بود.

مسئله‌ی کرد و چارمیایی دموکراتیک در ایران

مظلوم هفتن

بوده اند و در منطقه‌یی که جستجوی حقیقت و شکل‌گیری اندیشه، تحول و انقلاب ذهنیتی و به تبع آن معنایابی و تغییر کیفی زندگی، ویژگی بارزی است. (کردها) نقش فعال و ارزشمندی داشته‌اند. کردها با این پیشینه‌ی ارزشمند تاریخی و اجتماعی متأسفانه امروزه در منطقه‌ای که سرزمین مادریشان است با سیاست‌های نابودگرانه‌ی الحاق و همگون‌سازی رژیم‌های حاکم دست و پنجه نرم کرده و با نابودی فیزیکی و فرهنگی روبرو هستند. در تلاش‌اند که موجودیت و هویتشان را حفظ نموده و به کمال انسانی و آزادی اجتماعی دست یابند. امروزه مسئله‌ی کرد در کنار مسئله‌ی فلسطین-اسرائیل به اصلی‌ترین مسئله‌ی منطقه با تأثیرگذاری فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. بنابراین چاره‌یابی دموکراتیک این مسائل جهت چاره‌یابی مسائل متعدد دیگر؛ دارای اهمیتی تاریخی بوده و نیازمند اقدامات فوری است. ریشه‌ی اصلی مشکل و مسئله‌ی کردها ذهنیت، رویکرد و عملکرد سیستم اقتدارگرا، قدرت طلب و دولت محور است. کردها با خلق‌های دیگر و خلق‌های دیگر نیز با کردها مشکلی نداشته و ندارند،

هرچند کردها و سرزمینشان کردستان در کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه قرار دارد اما به علت موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک کردستان و نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ی کردها در تحولات منطقه‌ای، مسئله‌ی کردها اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری داشته و مسائل دیگر را تحت شعاع خود قرار داده است. از اینرو چاره‌یابی درست، بجای، هموقع و یا عدم چاره‌یابی این مسئله می‌تواند تأثیرات مثبت و یا منفی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشته باشد.

کردها به عنوان یکی از قدیمی‌ترین خلق‌های منطقه همواره با خلق‌های دیگر منطقه همچون فارس‌ها، اعراب، یهودیان، ارمنه و غیره و هم‌مینطور با خلق‌هایی که بعدها و به دلایل مختلف در منطقه ساکن شده‌اند همچون ترک‌ها رفتاری درخور و زندگی‌ای مسالمت‌آمیزی داشته‌اند.

مطالعات تاریخی، تحقیقات و اکتشافات باستان‌شناسی این حقایق را آشکار نموده‌اند که کردها در راستای شکل‌گیری جامعه انسانی، تمدن دموکراتیک و سیرپیشرفت و اشاعه آن نقش مؤثری داشته و در مقاطعی نیز پیش‌آهنگ این شکل‌گیری و تحولات

چاره‌یابی اساسی مسائل خلق‌های ایران و در رأس آنها مسئله‌ی کرد، دموکراتیزاسیون است. یعنی فراهم کردن زمینه‌ی شکل‌گیری دموکراسی همه‌جانبه و ایجاد سیستمی دموکراتیک است. این تحول دموکراتیک با ایجاد زمینه‌ی مناسب جهت شکل‌گیری و عینیت یافتن نهادها و سیستم‌های دموکراتیک و به تبع نهادینگی دموکراسی فراگیر در جامعه تحقق می‌یابد

همواره باهم برادرانه زیسته و شریک غم و شادای‌های یکدیگر بوده‌هستند. سرچشمه‌ی تمامی مسائل و مشکلات، رژیم‌ها و حاکمیت‌های غیرمردمی‌اند (غیردموکراتیک) و باشکل‌گیری دولت-ملت که برای رسیدن به خواسته‌هایش هیچ حدودمرزی نمی‌شناسد، این مشکلات صدچندان شده‌اند.

در ایران نیز که کردها بیشتر از هر جای دیگری با مردمانش قرابت زبانی، فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی دارند بطور مستمر و به اشکال مختلف تحت فشارسیاست‌های سرکوبگر و حذف‌کننده‌ی رژیم‌های حاکم بوده‌هست. ریشه این سیاست‌ها به ابتدای شکل‌گیری سیستم دولت و اقتدار ایرانی برمی‌گردد. از زمان شکل‌گیری حکومت هخامنشیان تا به امروز حاکمان وقت به اشکال مختلف این سیاست‌ها را برعلیه مردم بکاربرده‌اند. هرچند با گذر ایام حاکمان، حکومت‌ها و نام و عناوین آنها دچار تغییر شده‌اند اما بعلت عدم تغییر محتوایی سیستم و به تعبیری دیگر عدم تغییر دموکراتیک حاکمیت، همان سیاست‌ها بر مردم اعمال شده‌اند. در حال حاضر نیز رژیم ولایت فقیه هرچند نام و عنوانش جداست اما با همان ذهنیت، دیدگاه و رویکرد با کردها برخورد نموده و حتی در مواردی نسبت به حکومت‌های قبلی سرکوبگرتر است.

بطور کلی نوع نگاه و برخورد رژیم با کردها امنیتی است، یعنی کردها در نظر حاکمیت، بالقوه مشکل‌ساز و خطرآفرین هستند. این نوع نگاه و

برخورد از ذهنیتی سرچشمه می‌گیرد که با دیدی امنیتی به تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کردها نگاه و برخورد کرده و اینگونه موجودیت و هویت آنها را مورد تهدید قرار می‌دهد.

بی‌تردید این سیاستی که بشکل ویژه برعلیه کردها اعمال می‌گردد به اشکال دیگری برعلیه خلق‌های دیگر نیز اعمال می‌گردد چرا که رژیم براساس سیاست‌های یکدست‌سازی، مرکزگرایی و ایجاد حاکمیت مطلق با همه مردم برخورد می‌کند. این سیاست‌ها در مناطقی همچون کردستان و بلوچستان با شدت و حدت بیشتر و در صدر اولویت‌ها انجام می‌گیرد و در مناطق دیگر نیز بنا به دلایلی که عمدتاً قید زمانی داشته و مسئله‌ای اولویتی است نه ماهیتی، با شدت کمتری برخورد می‌کند. بنابراین مسئله‌ی کردها با مسائل خلق‌های دیگر ایران ارتباط ماهوی داشته و چاره‌یابی این مسئله و نحوه‌ی چاره‌یابی آن قطعاً در چاره‌یابی مسائل خلق‌های دیگر نیز تأثیر بسزایی خواهد داشت.

تا اینجا بطور مختصر بیان نمودیم که سرچشمه‌ی اصلی مسائل و مشکلات جوامع و خلق‌ها ذهنیت و رویکرد سیستم قدرت طلب و دولت‌گراست. این سیستم با هر نام و عنوانی که باشد ماهیتاً مرکزگرا، یکدست‌ساز، تمامیت‌خواه و سلطه‌گراست و اینگونه نیز برخورد می‌کند. لذا پرنرنگی و تنوع خلق‌ها و جوامع را که مشخصه‌ی طبیعی آنهاست تحمل نکرده و به صور مختلف تلاش می‌کند آنها را تک‌تیپ و یکدست‌سازد. این نوع برخورد که دستکاری و مهندسی جامعه است با سرشت جامعه ناسازگار است و اینگونه امنیت و آسایش را از جامعه سلب نموده و آنرا دچار بحران می‌کند. جامعه‌ی ایرانی که موزاییکی پر رنگ از تنوعات فرهنگی، ملی، دینی، مذهبی و غیره است با این ذهنیت و رویکرد مشکل‌جدا دارد.

متأسفانه در طول سالیان دراز حاکمان و حکومت‌های غیردموکراتیک اینگونه با مردم برخورد نموده و به مصادف جامعه رفته‌اند. این موضوع جنبه کلی دارد و در واقع جنگ مداوم اقتدار و دولت با همه‌ی جامعه است و تنها مختص ملت، قومی، دینی و مذهبی خاص نیست. البته ممکن است در مواقعی بصورت ویژه این سیاست‌ها باشدت بیشتری برعلیه

(ملت ملت‌ها، کلیتی متشکل از ملت‌های متنوع، همزیستی مسالمت آمیزهویت‌های گوناگون براساس اراده‌ی آزاد و احترام متقابل، پذیرش چندشناسنامه‌ی بودن براساس ویژگی‌های بومی، ملی، منطقه‌ای و غیره)، میهن مشترک دموکراتیک (سرزمین و جغرافیای محل سکونت) که بر مبنای ارزشمندی موازین اجتماعی دموکراتیک و احترام به تفاوت‌ها و تمایزات شکل گرفته است نه براساس مؤلفه‌های غیردموکراتیک نژادپرستی، ملی‌گرایی صرف، دین و مذهب‌گرایی و غیره، در میهن مشترک دموکراتیک، ایران متعلق به همه ایرانیان است و تنها ملک قومی خاص و مذهبی خاص نیست. کردستان نیز هم‌میتوراست یعنی کردستان تنها متعلق به کردها نبوده و متعلق به همه کسان و جوامعی است که بشکلی دموکراتیک و آزاد در آنجا زندگی می‌کنند)، سیاست و مدیریت دموکراتیک (هم در سطح سیاست و مدیریت کلان کشور که براساس موازین دموکراتیک صورت می‌گیرد و همچنین مدیریت‌های بومی خودگردان دموکراتیک، عدم مرکزگرایی سیاسی، اداری، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و غیره)، قانون اساسی دموکراتیک (بازنگری قانون اساسی بر مبنای اصول و پرنسپهای دموکراتیک، احترام به تفاوت‌ها، تمایزات و تنوعات موجودیتی و هویتی افراد و جوامع و عدم مهندسی اجتماعی، تأکید بر اخلاق مداری و اخلاق اجتماعی درمقایسه با حقوق صرف و براین اساس تدوین قانون اساسی دموکراتیک. بدون تردید ایجاد زمینه مناسب شکل‌گیری و فعالیت نهادهای دموکراتیک و رشد و نمو دموکراسی راستین در جامعه نیازمند ضمانت اجرایی و پشتیبانی قانونی است از اینرو تغییر بنیادین قانون اساسی و تدوین قانون اساسی دموکراتیک امری ضروری و اجتناب ناپذیر است)، نهادینگی دموکراتیک و در کل توسعه دموکراتیک بصورت بومی، ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. البته موارد متعدد دیگری باید به این مفاهیم و موضوعات افزود همچون مسئله‌ی دفاع ذاتی، مسئله‌ی آزادی زن، مسئله‌ی زیست‌بوم و اکولوژی و بسیاری مسائل دیگر که نیازمند بحث و تحلیلی فراوانتراند.

بخش خاصی از جامعه اعمال گردد بطور نمونه سیاست‌های سرکوبگر نظام علیه کردها. اما این مسئله اصل موضوع را مخدوش نمی‌سازد چرا که هدف انقیاد کل جامعه است. رژیم‌های غیردموکراتیک ماهیتاً بر مبنای سلطه‌ی مطلق و حاکمیت بی‌چون و چرا با جامعه و تک‌تک افراد برخورد می‌کنند.

رژیم ایران به تفاوت‌مندی‌ها و تمایزات اجتماعی که مشخصه‌ی طبیعی و در واقع غنای جامعه انسانی است با دیدی تبعیض‌آمیز می‌نگرد و شهروندان را به خودی و غیرخودی تقسیم بندی می‌کند. قانون اساسی را برخلاف واقعیت اجتماعی جامعه و براساس قبضه‌ی قدرت و رسیدن به آمال و اهداف خویش آماده کرده و جامعه را براساس تک‌دین، تک‌مذهب، تک‌زبان، تک‌ملت و تک‌های دیگر تقسیم‌بندی و مهندسی می‌کند. بجای اینکه قانون حامی و مدافع مردم در مقابل دولت باشد برعکس حامی بی‌چون و چرای دولت در مقابل مردم است. دولت و حاکمیت با عناوین مختلف اولوهیت یافته و مصون از هرگونه مؤاخذه و حسابخواهی‌اند و مردم مدام حساب دهنده و قص علی‌هذا.

چاره‌یابی اساسی مسائل خلق‌های ایران و در رأس آنها مسئله‌ی کرد، دموکراتیزاسیون است. یعنی فراهم کردن زمینه‌ی شکل‌گیری دموکراسی همه‌جانبه و ایجاد سیستمی دموکراتیک است. این تحول دموکراتیک با ایجاد زمینه‌ی مناسب جهت شکل‌گیری و عینیت یافتن نهادها و سیستم‌های دموکراتیک و بالطبع نهادینگی دموکراسی فراگیر در جامعه تحقق می‌یابد. با دموکراسی راستین می‌توان به مصاف مسائل و مشکلات رفت. برای این منظور اصلی‌ترین موضوع؛ تغییر و تحول ذهنیتی است، تغییر دموکراتیک فلسفه‌ی فکری حاکمیت. چرا که بدون تغییر و تحول دموکراتیک در ذهنیت و چارچوبه‌ی فکری حاکمیت هیچگونه تغییرماندگاری در نوع نگاه، رویکرد و برخورد رژیم ایجاد نخواهد شد. و اگر بنا به دلایلی و در مقاطعی تغییری روی دهد تاکتیکی، موقت و گذرا خواهد بود. برای چاره‌یابی دموکراتیک مسئله کردها و به تبع آن مسائل خلق‌های دیگر در ایران براساس سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک می‌توان از مفاهیمی دموکراتیک صحبت کرده و جهت اجرایی شدن آنها اقدام نمود همچون: ملت دموکراتیک



توطئه علیه آزادی

کتاب مانی زردشت

فراتر از فصل سرد

انسانی آگاه شده بود، بار دگر در این فصل سرد، آتش زندگی روشن گردید. کوهستان‌هایی که زردشت آتش زندگی را آنجا برافروخت و هم‌ره مغ‌ها، تاریکی اهریمنی جهان را درنوردید و روشنایی را به قلب زندگی بازگرداند. اینبار نیز زردشتی نوین هم‌ره مغ‌های نوین در همان مناطق کوهستانی ظهور کرد.

سرزمین کهن

از دیرباز مناطق کوهستانی مدیا، جایی که امروز با نام کوردستان می‌شناسیم، تسلیم هیچ قدرتی نگشته بود. تاریخ نویسان کهن نیز این منطقه را تسخیرناپذیر توصیف می‌کردند، حتی بسیاری از جباران تاریخ در این منطقه شکست‌های هلاکت باری را تجربه کردند. منظم‌ترین ارتش‌های جهان در مضاف با نهبانان کوهستان شکست می‌خوردند. ابرقدرت‌های کهن از سومر و آشور گرفته تا به امروز در خیال تسخیر این کوهستان‌ها بوده‌اند و بارها بدان جا یورش برده‌اند، مردمانش را به بند کشیده‌اند، کشته‌اند، غارت کرده‌اند، اما باز هم کوهستان به کلی تسخیر نگشت و در طول تاریخ در مقابل ابرقدرت‌ها مقاومت کرد و فرهنگ و زندگی این منطقه با کنش مقاومت توأم گشت. ابرقدرت‌های کهن برای تحقیر مردمان کوهستان آنان را فرزند "جن‌ها"

اواخر قرن بیست مائمی سرزمین‌ها را فراگرفته بود، سوسیالیسم دولتی فرو ریخته بود، انقلابات آمریکای لاتین و آفریقا، آسیا و خاورمیانه نتایج معکوسی گرفتند. چین دوباره رهرو سرمایه‌داری شد و اتحاد جماهیر شوروی از میان رفت، جنبش جوانان بعد از مه ۶۸ فروکش کرده بود، جنگ‌های ملی-مذهبی خاتمان سوز در میان صربها و مسلمانان، اعراب و اسرائیل، ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها برپا بود، صعود اسلام سیاسی در خاورمیانه، سرکوب انقلاب‌های ایران، همگی فضای ناامیدکننده‌ای را به وجود آورده بود. ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری پایان تاریخ را در این فضای ناامیدکننده اعلام داشتند و به مردم جهان اعلام کردند که دنیای آرمانخواهی تمام شده است و هم‌زمان پایان ایدئولوژی‌ها را نیز در بوق و کرنا می‌دمیدند تا پیروزی سرمایه‌داری را برای نوع بشر همچون سرنوشتی گریزناپذیر القا کنند.

اما درست زمانی که سردمداران جهان همه چیز را حساب شده، قدرت خود را شکست‌ناپذیر و خود را بی‌رقیب می‌دیدند، روشنایی گرمابخشی در نقطه‌ای فراموش شده از جهان شروع به تالو کرد. در جایی که انسان برای اولین بار به هستی خود همچون اجتماع

طی قرارداد ننگین لوزان به سال ۱۹۲۳ کوردستان بار دیگر به بخش های دیگری تجزیه شد و سرآخر بخشهایی از کوردستان میان دولت-ملتهای ترکیه، سوریه و عراق تقسیم گشت و قسمت شرقی آن نیز تحت سیطره‌ی دولت-ملت پهلوی قرار گرفت

جهانی اول متفقین شکست خوردند و حکومت عثمانی که بخشی از متفقین بود در نتیجه‌ی شکست در جنگ از هم فروپاشید، سپس برخوابه‌های عثمانی، چندین دولت-ملت تاسیس شد. طی قرارداد ننگین لوزان به سال ۱۹۲۳ کوردستان بار دیگر به بخش های دیگری تجزیه شد و سرآخر بخشهایی از کوردستان میان دولت-ملت های ترکیه، سوریه و عراق تقسیم گشت و قسمت شرقی آن نیز تحت سیطره‌ی دولت-ملت پهلوی قرار گرفت. البته تجزیه‌ی کوردستان از سوی کوردها با مقاومت‌ها و قیام‌هایی همراه گشت و همه‌ی این قیام‌ها و مبارزات به شیوه‌ی بسیار تراژیکی سرکوب گشتند. قیام شیخ سعید پیران به سال ۱۹۲۵، قیام سید رضا درسیمی به سال ۱۹۳۷ و اعلام جمهوری کوردستان سال ۱۹۴۶ در مهاباد به پیشوایی قاضی محمد و چندین قیام دیگر همه‌گی سرکوب گشتند و رفته رفته کوردها سرنوشت شکست‌های خود را پذیرفته بودند. سرزمینی تکه تکه شده که همه‌ی پیشاهنگانش را به دار آویخته بودند. دشمنان کوردستان بسیار درنده‌خوی بودند، شیخ سعید پیران و یارانش را به دار آویختند، سید رضا درسیمی به آتاتورک گفته بود که تنها یک تقاضا دارم که پسر مرا مقابل چشمانم اعدام نکنید، اما دشمنان فاشیست درست مقابل چشمان پدر، پسر را به دار آویختند، و علی رغم همه‌ی دروغ‌ها و فریب‌های حکومت پهلوی، قاضی محمد و دو تن از یارانش صیف قاضی و صدر قاضی را نیز به دار آویخته شدند.

نامیدند، تاریخ نویسان مردمان کوهستان مدیا را به "جن‌ها" تشبیه کرده بودند و نوشته بودند: "بدون اینکه دیده شوند بر دشمن ضربت وارد می‌کنند". آنان که حرف "ژ" را "ج" تلفظ می‌کردند، در واقع حرف اشتباهی هم نمی‌زدند. چرا که ژن یا جن در زبان مردمان کوهستان به معنای "زن و زندگی" است و به درستی مردمان کوهستان فرزند زنان و زندگی آزاد بودند و با فرهنگ مادر-اله‌ها پرورش یافته بودند.

طبق افسانه‌ها گیلگامیش پادشاه اوروک اولین امپراتوری است که می‌خواست کوهستان‌ها را تسخیر کند، او به جنگل‌های کوهستانی سدر یورش می‌برد اما هر بار شکست می‌خورد، تا اینکه به این نتیجه می‌رسد که باید در میان مردمان کوهستان متحدی برای خود پیدا کند. این اولین خواست یک ابرقدرت برای تفرقه میان مردم است، و شکستگی خیانت نیز ریشه در همین داستان دارد. انکیدوی خائن کسی بود که توسط گیلگامیش و راهبه‌ی فریبکار معبد اوروک مقهور و فریفته شد تا به مردمش خیانت کند. از آن پس انکیدو مشاور گیلگامیش شد، انکیدو کوهستان و مردمانش را از نزدیک می‌شناخت پس همچون پیش قراول سپاهیان امپراتوری گیلگامیش برای تسخیر جنگل‌های کوهستانی سدر به کار گرفته شد. این اولین خیانت سیاسی در تاریخ بود. هر چند که کوهستان و مردمانش ضربات مرگباری در طول تاریخ از گیلگامیش‌ها و خیانت‌های انکیدویی متمحل گشتند، اما چیزی که در تاریخ از میان می‌رفت حکومت‌ها و گیلگامیش‌ها بودند، روسیاهی برای انکیدوها ماند و کوهستان و مردمانش علی‌رغم همه‌ی سختی‌ها به زندگی‌هایشان تداوم بخشیدند و ماندگاران تاریخند.

طبق اسناد تاریخی مناطق کوهستانی مدیا، در طول تاریخ نام‌های گوناگونی داشته‌است؛ مزوپوتامیا، مناطق مردم هوری، گوتی، میتانی و ده‌ها نام دیگر، اما نامی که به صورت مکتوب از دوره‌ی سلجوقیان تا به امروز به کار می‌رود، کوردستان می‌باشد. کوردستان هزاران سال با نام‌های گوناگون اما سرزمینی یکپارچه بود، در جنگ چالدران که مابین حکومت‌های صفوی و عثمانی رویداد، سرانجام در سال ۱۶۳۹ برای اولین بار کوردستان تجزیه شد و شرق کوردستان امروزی و بقیه‌ی کوردستان از همدیگر جدای گشت. با این وجود تا قبل از قرن بیستم کوردها خود بر اداره‌ی سرزمین خود استقلال نسبی داشتند، اما از ابتدای این قرن شرایط برای کوردستان و مردم کورد بگرنج تر گشت. در جنگ

درخت خشکیده دگر بار سبز خواهد شد

در اواسط قرن بیستم، کودکی کنجکاو در روستایی نزدیک به زادگاه ابراهیم پیامبر، از پیرمردان روستا در مورد "کورد و کورد بودن" سوال کرد، پیر فرزانه‌ای در پاسخ به او گفت: فرزندم، چیزی که در مورد آن سخن می‌گوئی همانند درختی است که سال‌هاست خشکیده و مرده است. اما کودک کنجکاو در قلب پاکش به چنین پاسخی بسنده نکرد و علی‌رغم اینکه همه چیز از خشک شدن این درخت خبر می‌داد، با خود عهد بست تا این درخت کهن را بار دیگر سبز گرداند.

عبدالله اوجالان معروف به رهبر آپو در چهارم آوریل (مصادف با ۱۵ فروردین) سال ۱۹۴۹ در روستای آمارا از توابع اورفا به دنیا آمد، در اواخر دهه‌ی شصت و آغاز دهه‌ی هفتاد میلادی در آنکارا به تحصیل در رشته‌ی علوم سیاسی پرداخت و در همان زمان تحت تاثیر فضای جهانی انقلابی جوانان بعد از ماه مه شصت و هشت قرار گرفت و به ویژه از شخصیت‌های چپ ترکیه همانند ماهیر چایان و دنیز گزمیش متاثر گردید، بعدها با نقد جریان‌های چپ ترکیه متوجه شد که باید به تشکیل یک گروه بپردازد. گروه را در نوروز ۱۹۷۳ حول تز "کوردستان مستعمره است" و "خلق‌های ترکیه آزاد نخواهند گشت تا هنگامی که کوردستان آزاد نگردد" تشکیل داد. گروهی ایدئولوژیک حول رهبر آپو شکل گرفت. ایشان شهادت حقی قرار در سال ۱۹۷۷ (نزدیک ترین رفیق رهبری در گروه)، را با تاسیس په‌که‌که به سال ۱۹۷۸ پاسخ گفت. رهبر آپو این مرحله از زندگی انقلابی خویش را میلاد دوم خویش نامید. در اواخر سال ۱۹۷۹ با تحلیل شرایط سیاسی، متوجه شد که به زودی در ترکیه کودتایی شکل خواهد گرفت که از طریق آن حکومت فاشیست ترکیه می‌خواهد پ‌ک‌ک و همه‌ی جنبش‌های مترقی را از میان بردارد، به همین خاطر رهبر آپو از طریق مرز میان شمال و غرب کوردستان، وارد غرب کوردستان گشت. رهبر آپو از ابتدای تاسیس گروه ایدئولوژیک شروع به آموزش کادرهای سازمانی کرد و نتیجه‌ی این آموزش‌ها آن بود که زندان آمد به سال ۱۹۸۲ با مقاومت تاریخی رفقای شهیدمان مظلوم دوغان، کمال پیر، خیری دورموش، سارا و بقیه‌ی رفقا به مرکز مقاومت و جنبش آپویی تبدیل شود و شعار "مقاومت زندگیست" کلید واژه‌ی اصلی مبارزات شد. در سال ۱۹۸۴ نیروی آزادی بخش گریلا به فرماندهی معصوم کورکماز (شهید عگید) رسماً وارد فعالیت شد و با شلیک اولین گلوله مقابل حکومت فاشیستی و

استعمارگر ترکیه خلق کورد مطابق "تز فانون" دوباره از نو سربرآورد، بعد از شهادت شهید عگید رهبر آپو به یاد او در دره‌ی بقا آکادمی معصوم کورکماز را بنیاد نهاد و سالانه هزاران کادر را به صورت مستقیم آموزش می‌داد و از آنجا روانه‌ی فعالیت‌های انقلابی می‌کرد. از سال ۱۹۸۲ به بعد رهبر آپو متوجه شد که سوسیالیسم رئال دیر یا زود فرو می‌پاشد. سپس از سال ۱۹۸۶ و با کنگره‌ی سوم پ‌ک‌ک، رهبر آپو بیشترین تحلیلات خود را مبنی بر آزادی زن و ساختن شخصیت آزاد و دارای اراده متمرکز ساخت و سوژه‌ی انقلاب را این بار نه پرولتاریا که جوامع با پیشاهنگی زنان و جوانان معرفی کرد. بر طبق این تحلیلات مبارزات زنان از همان سال در کوردستان سیری صعودی به خود گرفت و تعداد زنان در صفوف گریلا افزایش یافت. در اروپا YJWK (اتحادیه‌ی زنان میهن‌دوست کوردستان) نمود اولین سازمان خودویژه‌ی زنان بعد از کنگره‌ی سوم تشکیل شد. حماسه‌ی رفیق بریتان در مقابل خط خیانت خاندان بارزانی باعث گردید تا رهبر آپو همراه رفقای زن ارتش مستقل زنان گریلا را سازماندهی نماید.

از همان سال‌ها رهبر آپو به خوانش نونینی از سوسیالیسم پرداخت و به همین جهت به سوی بنیاد نهادن سوسیالیسم دموکراتیک گام برداشت. آن هم درست زمانی که در ۱۹۸۹ دیوار برلین فرو ریخت، دولت چین اعتراضات مردمی به پیشاهنگی دانشجویان را سرکوب کرد و بلاخره در ۱۹۹۱ اتحاد جماهیر شوروی فرو ریخت. ایدئولوژی‌های نئولیبرال مشعوف و مدهوش از فرو ریختن سوسیالیسم رئال بودند و رهبر آپو برایشان روشن ساخت که چیزی که فرو ریخت نه سوسیالیسم بلکه سرمایه‌داری در لباس چپ بود و کتاب "اصرار بر سوسیالیسم، اصرار بر انسانیت" را به نگارش درآورد. در حالی که همه جا از پایان مبارزات و سرانجام تراژیک آرمانخواهی سخن درمیان بود، پرچم مبارزات آزادیخواهی در کوردستان از همیشه برآفرشته‌تر گشت.

در سال ۱۹۹۵ YAJK (اتحادیه آزادی زنان کوردستان) همچون یک جنبش مستقل مبارزات آزادی زنان شکل گرفت که فرماندهی ارتش زنان گریلا را بر عهده داشت. در تاریخ شش ماه ۱۹۹۶م دولت فاشیست ترکیه در نزدیکی اقامتگاه رهبر آپو یک مینی بوس؛ حامل ۵۰۰ کیلوگرم مواد منفجره را منفجر ساخت که خوشبختانه به رهبر آپو و رفقا هیچ آسیبی نرسید، در مقابل این رفتار وحشیانه‌ی فاشیست‌ها، رفیق زیلان عملیات فدائی سی ام ژوئن ۱۹۹۶ را در شهر درسیم به انجام رساند،

در نوروز ۱۹۷۳ حول تز "کوردستان مستعمره است" و "خلق‌های ترکیه آزاد نخواهند گشت تا هنگامی که کوردستان آزاد نگردد"، گروهی ایدئولوژیک حول رهبر آپو شکل گرفت. ایشان شهادت حقی قرار در سال ۱۹۷۷ (نزدیک ترین رفیق رهبری در گروه)، را با تاسیس پکک به سال ۱۹۷۸ پاسخ گفت



چون جنبش آپویی و در رأس آن رهبر آپو رویاروشد. پس آنگاه در صدد برآمدند تا این مانع وسد جدی را از میان بردارد. در این راستا سیستم مدرنیته‌ی جهانی سرمایه‌داری برای رویارویی با رهبر آپو و جنبش آزادی بخش آپویی تمامی نیروها و مزدوران و ایادی جهانی و منطقه ایش را بسیج کردو توطئه ای بین المللی علیه رهبر آپو طرح ریزی کردو در هفدهم سپتامبر سال ۱۹۹۸ از طریق دو نیروی کورد وابسته به خویش دست به کار شدند. مادالین البرایت وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا توافق نامه‌ای میان بارزانی و طالبانی را به امضا رساند و از طریق این توافق نامه پکک را سازمانی تروریستی اعلام کرد و به گونه ای وانمود کردند که این نیروهای داخل کوردستان هستند که از آمریکا طلب می کنند تا در مقابل پکک دست به اقدام بزند. از سوی دیگر نیز دولت اشغالگر ترکیه آغاز به لشکرکشی به مرز غربی کوردستان (سوریه) کرد، مسئولان سوریه از رهبر آپو خواستند تا خاک سوریه را ترک کند. درنهم اکتبر سال ۱۹۹۸ رهبر آپو خاک سوریه را به مقصد یونان ترک گفت. و به رغم آنکه از سوی دولت یونان دعوت نامه ای برای رهبر آپو صادر شده بود، اما از همان بدو ورود با کارشکنی و بدعهدی مدیران ارشد نهادهای امنیتی این کشور روبرو شدند و برای بازگشت به سوریه تحت فشار قرار گرفتند. که در صورت بازگشت، به احتمال قوی از سوی نیروهای توطئه گر در مدیترانه مورد هدف قرار می گرفت. و بدین ترتیب نقشه ترور مخفیانه رهبر آپو عملی می شد. اما رهبر آپو به سوریه بازنگشت و به مسکو پایتخت روسیه رفت و نقشه‌ی ردیابانه‌ی آنها نقش برآب شد و پروسه‌ی توطئه وارد فاز دیگری شد.

موفقیت این عملیات و انهدام بخش بزرگی از یگان نظامی ارتش فاشیست دولت اشغالگر ترکیه توسط یک گریلای زن تاثیر فوق العاده‌ای بر روحیه‌ی جنبش و خلق کورد و آزادخواهان برجای گذاشت. رهبر آپو در تحلیلات خود با اشاره به شخصیت آزاد رفیق زیلان گفت: "زیلان فرماندهی من است". در همین اثنا رهبر آپو ایدئولوژی رهایی زن را نیز پایه‌ریزی نمود. بعدها حزب زنان آزاد کوردستان (پاژک) و یگان‌های زنان آزاد ایشتار (یژاستار) و شعار "زن زندگی آزادی" در نتیجه‌ی این مبارزات متولد شد. جنبش آپویی با درایت رهبر آپو روز به روز صاحب دستاوردهای بیشتری می شد و علاوه بر زنان و جوانان کورد، بسیاری از زنان و جوانان خاورمیانه، اروپا و دیگر نقاط جهان رامجذوب خود کردچنانکه بسیاری از آنان به صفوف گریلهای راه آزادی پیوستند.

زمستان سخت

هنوز چندی از شلنگ تخته اندازی های نئولیبرالیست‌های بی‌مایه نگذشته بود، که باردیگر بحران های سیستم جهانی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری همچون دملی چرکین باز شد. مدرنیته‌ی سرمایه‌داری برای فرار از بحران، اینبار در باتلاق مداخله و جنگ خاورمیانه گرفتار آمد، با پیشرفت روزافزون جنبش آپوئی، سیستم جهانی سرمایه‌داری که برای بقای خود، همیشه دست به دامان بحران آفرینی ها ی جهانی شده است. برای مداخله در خاورمیانه همانند قرارداد ننگین لوزان به بازآرایی خاورمیانه جدید مطابق با نقشه‌هایش نیاز داشت. اما با سد محکم و بزرگی

توطئه‌ی بین‌المللی که از سوی ایالات متحده، بریتانیا و اسرائیل برنامه‌ریزی و توسط دولت آمریکا اجرایی شد. در جریان این توطئه رئیس‌جمهور مصر "حسنی مبارک" و دولتهای یونان و روسیه و کنیا نیز نقش فعالی داشتند.

در یازده نوامبر سال ۱۹۹۸ رهبر آپو روسیه را ترک کرد و به رم، پایتخت ایتالیا رفت. در حقیقت، پارلمان روسیه (دوما) به ایشان حق پناهندگی داده بود اما در مقابل واگذاری پروژه‌ی موسوم به "ماوی آکم" یا همان "جریان آبی" از سوی ترکیه به شرکتهای روسی و اعطای وام هنگفت از سوی آمریکا، دولت روسیه خواهان خروج رهبر آپو از آن کشور شد. در ادامه رهبر آپو نیز بخاطر استقبال گرم دولت ایتالیا در آن دوره به طور نیمه رسمی به رم رفت.

در شانزده ژانویه سال ۱۹۹۹ رهبر آپو بخاطر موضعگیری‌های تند دولت‌های فرانسه و آلمان علیه

دولت ایتالیا، خروج از رم را مصلحت دانست و بار دیگر به مسکو رفت. در واقع به نوعی داستان خیانت داخلی نیز در این امر موثر بود چرا که به رهبر آپو گفته بودند روسیه تقاضای وی را پذیرفته است. بر همین اساس با ورود به مسکو تا حدود زیادی تحت نظارت CIA قرار گرفت و مدتی نیز در مسکو و تاجیکستان بازداشت شدند.

یک ماه بعد، یکم و دوم فوریه سال ۱۹۹۹ در پی اعلام پذیرش دولت یونان، رهبر آپو به این کشور منتقل شد. پیشتر دو بار سعی کرده بودند در بلاروس و جزیره‌ی کورفو ایشان را ترور کنند اما پس از شکست این تلاش‌ها، از سوی دولت یونان وعده داده شد که ایشان را به آفریقای جنوبی منتقل کنند و بر همین اساس در دوم فوریه به سفارت یونان در نایروبی پایتخت کنیا برده شد. در واقع، رهبر آپو میخواست به هلند رفته و در دادگاه لاهه طرح شکایت کند.

نظام سلطه جهانی فکر می‌کرد با حصر رهبر آپو می‌تواند ایشان، گریلا و خلق کورد را تخت کنترل خویش درآورد، اما رهبر آپو در زندان همه‌ی انرژی خود را بر روی پروژه‌ی ناقامش متمرکز ساخت و آغاز به نوشتن کرد و اثر عظیم مانیفست تمدن دموکراتیک را در پنج مجلد به نگارش درآورد، متن دفاعیاتش هرکدام یک اثر سترگ فلسفی-سیاسی به حساب می‌آیند. رهبر آپو این مرحله از زندگی انقلابی خویش را همچون میلاد سومین خویش نام نهاد

F
FREEDOM
FOR OCALAN



و نژاد پرست و جنگ طلب بشارت دهنده صلح و برادری میان تمام جوامع انسانی است. در واقع مانیفست تمدن دموکراتیک پارادایم نوینی است که خوانشی دیگرگون و تازه از زندگی، مبارزه و آزادی ارائه می‌دهد. جامعه‌ی دموکراتیک جایگزین هرگونه خوانش دولت‌گرایانه و اقتدارگرایانه از سیاست است، جامعه‌ی اکولوژیک در برابر سیستم لگام گسیخته و غارت گر سرمایه‌داری و صنعت گرایی می‌ایستد و آزادی زن در مقابل جهان مردسالار و پدرسالار که نفس کشیدن را نه تنها بر زنان بر کل جوامع تنگ کرده است قرار می‌گیرد. در برابر این طرح و برنامه عظیم انسانی رهبر آپو، سیاست جهانی انزوای مطلق ایشان در زندان جزیره امرالی، پوگروم و دیاسپورای ملت کورد و هجومی ناجوانمردانه از زمین و هوا از سوی ارتش متجاوز و فاشیست ترکیه علیه گریلاهای راه آزادی به راه برده می‌شود. بیست و پنج سال ایستار انقلابی و مقاومتگرانه‌ی رهبر آپو، سرچشمه و الهام بخش روح فدایی و انقلابی گریلا و مقاومت خلق کورد بوده‌است چنانکه روزه روز به آزادی نزدیکتر می‌شویم.

حقیقت ابتدا تنهاست

رهبر آپو آتش زندگی و دانش را از خدایان بی نقاب معاصر گرفت و به مردمان داد و خدایان بی نقاب رهبر آپو را به مانند پرومتئوس بر صخره‌های امرالی به زنجیر کشیدند و هر روز شکجه‌اش می‌دهند، سیستم شکجه گاه امرالی همان سیستم نسل کشی ای است که علیه کوردها و دیگر مردمان خاورمیانه، زنان و جوانان در جریان است. اهریمنان زمانه هنگامی که دانستند هر حرکت و سخنی از سوی رهبر آپو، اقتدارهای پوشالی شان را بر باد می‌دهد، چنین سیستم ظالمانه و غیر بشری ای را علیه ایشان روا داشتند. حتی قوانین و سیستم حقوقی نیم بند خودشان را نیز، زیر پا گذاشتند و هرگونه ارتباط رهبر آپورا با جهان خارج قطع کردند. اما این کوته فکران تاریک اندیش که کوچکترین درکی از تاریخ اجتماعی انسان و دیالکتیک حقیقت ندارند. بایستی بدانند که حقیقت همانا در ابتدا همیشه تنهاست و در انزوا، اگرچه در این مرحله؛ شهریار حقیقت و رهبر آزادی خواهان جهان، حواریون، پیروان و تشنگان حقیقت سختی جانکاه و مصیبت‌باری را تحمل می‌کنند و اهریمن وارونه‌کار دروغ، هرگونه ابزاری را برای پوشاندن حقیقت به کار می‌گیرد، اما خورشید حقیقت بسیار پرنورتر از آن است که پنهان

در روز پانزدهم فوریه رهبر آپو در پی توافق سازمانهای استخباراتی آمریکا-اسرائیل با سازمان استخباراتی ترکیه (میت) و موافقت دولت ترکیه در فرودگاه نایروبی دستگیر و به کنترال‌های ترکیه در فرودگاه نایروبی تحویل داده شد. این رویداد ساعت ۹ صبح روز ۱۶ فوریه طی کنفرانسی مطبوعاتی از سوی بولنت اجویت، نخست وزیر وقت ترکیه اعلام گردید.

خورشیدمان را می‌توانید تاریک کنید

از همان روزهای آغازین توطئه‌ی بین‌المللی، زنان و جوانان بسیاری با فدا کردن جانشان و آتش زدن خویش همچون حصاری از آتش از رهبر آپو صیانت به عمل آوردند تا اهریمنان نتوانند گزند بر ایشان وارد سازند. از این روی کمپین "خورشید مان را می‌توانید تاریک کنید" با نثار جان هشتاد نفر شهید یکی از ابعاد اساسی توطئه، یعنی از میان برداشتن رهبر آپو را خنثی کرد. آنها با ایستار انقلابی خود، موضع صحیح در مقابل توطئه را دریافتند و به دشمنان این پیام رسا را رساندند که: " با همه‌ی اقتدار و سازوبرگ‌های نظامی-اطلاعاتی تان، نمی‌توانید سرنوشت ما را رقم بزنید". علاوه بر آن صیانت از رهبر آپو هر چهار بخش کوردستان را درنوردید و یک روح یکپارچه‌ی دموکراتیک ملی از میان توطئه‌ی بین‌المللی اهریمنان، سربرآورد. روحی که از ایلام تا عفرین، از کرکوک تا ارزروم و از خراسان تا خیابانهای تهران و استانبول و همه‌ی شهرهای اروپایی را درنوردید، درخت خشکیده، سبز گشته بود.

تولد دیگر

نظام سلطه جهانی فکر می‌کرد با حصر رهبر آپو می‌تواند ایشان، گریلا و خلق کورد را تخت کنترل خویش درآورد، اما رهبر آپو در زندان همه‌ی انرژی خود را بر روی پروژه‌ی ناتمامش متمرکز ساخت و آغاز به نوشتن کرد و اثر عظیم مانیفست تمدن دموکراتیک را در پنج مجلد به نگارش درآورد، متن دفاعیاتش هر کدام یک اثر ستارگ فلسفی-سیاسی به حساب می‌آیند. رهبر آپو این مرحله از زندگی انقلابی خویش را همچون میلاد سومین خویش نام نهاد. مانیفست تمدن دموکراتیک در اصل مانیفست سوسیالیسم دموکراتیک قرن بیست و یکم است که نه تنها چاره‌وراه حل مسئله خلق کورد است، بلکه پارادایم ایشان مبتنی بر سه اصل جامعه دموکراتیک اکولوژیک براساس آزادی زنان به مثابه آلترناتیوی نوین، در برابر لویاتان دولت - ملت‌های فاشیست

و مهجور بماند و با کنار رفتن ابرهای سترون دروغین، نورخیره کننده اش جهان تاریک را روشن خواهد کرد.

اینک زمان آزادی فرا رسیده است

بیست و پنج سال سخت و پر از درد و رنج بر کوردستان می‌گذرد، بیست و پنج سال است که رهبر آپو در زندان است، گریلا در جنگی نابرابر با ارتشی تا بن دندان مسلح در نبرد است و در این نبرد دشمن از همه نوع جنگ افزار شیمیایی و اتمی علیه گریلا استفاده کرده است و از طرف دیگر خلق کورد هر روز در معرض نسل کشی فیزیکی و فرهنگی قرار دارند. بیست و پنج سال است که سیستم شکنجه‌ی امرالی نه تنها بر رهبر آپو، که بر گریلا، خلق کورد، زنان و دیگر جوامع نیز روا داشته می‌شود. بیست و پنج سال است که مقاومت و مبارزه از سوی رهبر آپو، گریلا، خلق کورد، تمامی زنان و جوانان و جوامع بدون وقفه در جریان است. رهبر آپو قرن بیست و یکم را سده‌ی زنان نام گذاری کرده اند و در این بیست و پنج سال، زنان در همه‌ی بخش‌های کوردستان خود را سازماندهی کرده و علیه مردسالاری، فاشیسم، سرمایه‌داری و همه نوع تاریکی مبارزه کرده‌اند، انقلاب "زن زندگی آزادی" در یکسال اخیر نمود بارزی از نبرد و انقلاب زنان است. اکنون زنان و جوانان در کوردستان، در ایران و در خاورمیانه آگاه گشته‌اند و به سوی برساخت دمکراسی خیز برادشته‌اند و در مقابل همه‌ی توطئه‌گران و اهریمنان موضعی صحیح اتخاذ کرده‌اند. در جنوب کوردستان زنان و جوانان نقش پلید حزب خیانت کاربازانی را دریافته‌اند و روزانه در مقابل آن مبارزه می‌کنند.

در شمال کوردستان زنان و جوانان نبردی تشکل یافته علیه فاشیسم سازمان یافته‌ی دولت اردوغان را به پیش می‌برند. در غرب کوردستان زنان و جوانان، تاریک پرستان داعش را درهم شکستند و با توسعه‌ی انقلاب خلقی‌ها در شمال و شرق سوریه، سیستم خودمدیریتی دموکراتیک را بر پایه‌ی افکار رهبر آپو بنیاد نهادند؛ انقلابی در خاورمیانه‌ی غرق در جنگ و خون که به‌خانه‌ی امید بشریت بدل شده است. در شرق کوردستان زنان و جوانان با سازماندهی خویش از طریق جنبش آپوئی توانستند این بیست و پنج سال را به مبارزاتی نوین مبدل سازند و شکست انقلاب خلقی‌های ایران به سال ۱۳۵۷ را با انقلاب "زن زندگی آزادی" پاسخی درخور دهند. اکنون نه تنها در کوردستان، ایران و خاورمیانه که در جهان زنان و جوانان خواهان یک زندگی آزاد و دموکراتیک هستند تا از قید هرگونه اقتدار و سلطه‌ی رهایی‌یابند، این آزادی نیز به صورت مستقیم به شرایط رهبر آپو وابسته است و تا آزادی فیزیکی رهبر آپو از زندان امرالی محقق نشود، سیستم سرمایه‌داری جهانی به سلطه و اقتدار خویش تداوم می‌دهد، پس زمانه‌ی زمانه‌ی آزادی است و همگیمان لازم است در راه آزادی فیزیکی رهبر آپو، که در واقع آزادی جوامع، زنان و جوانان می‌باشد گام برداریم و مبارزاتمان را گسترش

رهبر آپو قرن بیست و یکم را سده‌ی زنان نام گذاری کرده اند و در این بیست و پنج سال، زنان در همه‌ی بخش‌های کوردستان خود را سازماندهی کرده و علیه مردسالاری، فاشیسم، سرمایه‌داری و همه نوع تاریکی مبارزه کرده‌اند، انقلاب "زن زندگی آزادی" در یکسال اخیر نمود بارزی از نبرد و انقلاب زنان است. اکنون زنان و جوانان در کوردستان، در ایران و در خاورمیانه آگاه گشته‌اند و به سوی برساخت دمکراسی خیز برادشته‌اند و در مقابل همه‌ی توطئه‌گران و اهریمنان موضعی صحیح اتخاذ کرده‌اند



صدای رسای زنان، رعشه به جان دولتمردان انداخته

✍️ رزین کمانگر

شبان
آه
عازاد



که اسلحه‌ی جنسیت‌گرایی همواره زنان و جوانان را مورد هدف قرار دهد و در نهایت، چه چیز موجب شد که این رژیم دیکتاتور، از نیروی زنان در هراس باشد؟ در این مقاله، به جوانب مختلف حملات رژیم زن‌کش ایران و در عین حال، راه برون رفت از آن می‌پردازیم.

افزایش حصارهای جمهوری اسلامی

در طول یک سال گذشته، با توجه به آمار منتشر شده، بیش از ۳۵۰ زن بازداشت شده‌اند و با آغاز سال نو میلادی، پروسه‌ی بازداشت، شکنجه و بی‌خبری از زندانیان سیاسی همچون قبل ادامه دارد. علاوه بر دستگیری باید گفت که ۲۱ زن نیز در سال ۱۴۰۳ اعدام گشته‌اند.

اما باید به این سوال پاسخ داده شود که این تعداد از زنان به چه منظور بازداشت شده‌اند؟ در طول سال گذشته، زینب جلیان، زندانی سیاسی کورد محکوم به حبس ابد، از تمامی حقوق خویش محروم است. در همین ماه آخر سال جاری بود که خبر بازجویی از او، آن هم با دستبند و پابند منتشر گردید، که موجب نگرانی بسیاری از فعالین حقوق بشر و حقوق زنان گردید.

هر سال که می‌گذرد (حال چه سال میلادی یا شمسی)، آمار و ارقام جانباختگان حملات دولت و نهادهای وابسته به آن، خشونت‌های اعمال شده از سوی رژیم از جمله خودکشی، خودسوزی، فقر و اعتیاد زنان، کودک همسری، فشارهای واردشده به زندانیان سیاسی و در عین حال مقاومت و مبارزه‌ی زنان در رسانه‌های گوناگون منتشر شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد. ما در سده ۲۱ زندگی می‌کنیم، سده‌ای که به سده‌ی ارتباطات و اطلاعات معروف است، خبرها به سرعت نور منتشر می‌گردند. اما در همین سده‌ی به اصطلاح تکنولوژی و پیشرفت، در ایران شاهد سرکوب و سانسور اخبار آن، خشونت و راهکارهای ترویج آن و در نهایت پایمال کردن حقوق و عادی‌سازی روند آن هستیم. سالی که برای زنان در جغرافیای سیاسی ایران، سالی پر از مبارزه و مقاومت بود، اما سوال این جاست، چرا هر ساله، آمار و گزارشات اعمال خشونت علیه زنان، افزایش می‌یابد؟ یا در سال گذشته میلادی، حاکمیت زن ستیز و زن هراس ایران، از چه حربه‌ای برای به سکوت واداشتن زنان بیش از همه استفاده نمود؟ سیاست‌های رژیم، آیا سکوت را همراه داشته، یا بالعکس، فریاد؟ چه چیز موجب گشته

قابل ذکر است که در طول این شانزده سال، علی رغم تمام حملات، شکنجه‌ها و جنگ‌های روانی رژیم، زینب جلالیان مصمم‌تر از همیشه مبارزه نمود. او هم اکنون در زندان یزد در تبعید است و در طول این مدت، در نتیجه شکنجه‌های بسیار و عدم رسیدگی به وضعیتش، دچار بیماری‌هایی هم چون ناخنک چشم، ضعف و خلل در بینایی، آسم، ناراحتی کلیه‌ها و دستگاه گوارشی و برفک دهان گشته است و در رنج به سر می‌برد. این‌ها تنها بخشی از حملات رژیم است، اما در کنار همگی این حملات، بارها و بارها بازجویان وزارت اطلاعات، او را تهدید کرده‌اند که ابراز پشیمانی نماید، اما در پاسخ چه میتوان دید؟ تنها و تنها مقاومت و پیشاهنگی زینب جلالیان. و این دقیقا آن چیزی است که موجب دلگرمی مبارزین دیگر گشته است، زیرا که زینب جلالیان، تنها یک راه را انتخاب نمود و آن نیز راه رسیدن به پیروزی. البته که رفیق مان وریشه مرادی، و زنان دیگری همچون گلرخ ایرابی، پخشان عزیز و زنان بسیار دیگر در سایر نقاط ایران، نیز بعنوان مانعی بر سر راه رژیم تلقی می‌شوند. از همین روست که با استفاده از راه‌هایی همچون بی‌خبری، بازجویی پیاپی و تحت فشار قرار دادن خانواده و سانسور و ... سعی در تحت فشار قرار دادن جامعه دارند. بار اول نیست که زنان در زندان مقاومت میکنند، اما در طول یکسال گذشته، هر مکانی به سنگر قاطع و رادیکال مبارزه در راه آزادی مبدل گردید، از همین رو رژیم برای سرکوب، از هیچ راهی سرباز نزد.

از طرف دیگر، نقش دانشگاه و مدارس در سال گذشته، بسیار بسیار پررنگ و بارز بود. در طول این مدت، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها در ایران، زیر شدیدترین فشارها و تهدیدهای امنیتی بوده‌اند. تا کنون بیش از ۷۰۰ دانشجو توسط نیروهای امنیتی و نهادهای وابسته به رژیم بازداشت و ۶۰ تن از اساتید ایران، اخراج، تعلیق و یا حقوقشان قطع گشته. بسیاری از دانشجویان نیز از محل تحصیل خود تبعید و یا ممنوع‌الورود گشته‌اند. با این اوضاع و شرایط، سوال اینجاست، در جایی همچون ایران، بزه‌گترین زندان جهان، چگونه می‌توان از آزادی و دموکراسی دم زد؟

قتل زنان همچنان ادامه دارد ...

متأسفانه در طول روزهای اخیر، اخبار ناخوشایندی از خودکشی، خودسوزی و قتل زنان تحت عناوین گوناگون به گوشمان می‌رسید. البته که آمار دقیقی از قتل و کشتن زنان در ایران وجود ندارد، زیرا که بسیاری از این

جنایت‌ها متأسفانه به دلایل گوناگون و به نام شرف، ناموس، اخلاق، فرهنگ و ... پنهان می‌شود. البته که در ابتدای خیزش «ژن ژیان آزادی»، آمار خودکشی‌ها بسیار کاهش یافته بود، اما متأسفانه از اواخر سال ۲۰۲۳ تا اکنون آمارها بار دیگر افزایش یافتند. با توجه به آمار منتشرشده، ۲۷۰ زن، یا به قتل رسیده‌اند و یا مجبور به خودکشی گشته‌اند. طبق این آمار، ۶۹ زن به بهانه‌ی ناموس، توسط همسر، برادر به قتل رسیده و بیش از ۷۰ زن نیز توسط یکی از اعضای خانواده به بهانه‌ی مشکلات خانوادگی، به قتل رسیده‌اند و بیش از ۶۰ زن، نیز مجبور به خودکشی گردیده‌اند. در برخی از مناطق مشاهده می‌شود که چگونه تحت عنوان ناموس، مردی زنی را به قتل می‌رساند. در واقع مرد به شیوه‌ی خود را تیره می‌نماید و برای فرار از شکست و شخصیت سرکوب شده و لکه‌دار شده‌اش دست به قتل به اصطلاح ناموسی می‌زند. نکته اینجاست که در تمام موارد، قربانیان این جنایات زنان هستند، نه مردانی که دست به حمله و یا تجاوز زده‌اند. چرا که کشته شدن و جانباختن زنان در این گونه قتل‌ها مورد پیگرد و بررسی قرار نمی‌گیرند، در چنین مواردی به راحتی گفته می‌شود که آن زن حتما کاری کرده و مشکلی دارد و حقش بوده است. در این نوع قتل، قاتل نه تنها متواری نشده بلکه براحتهی بدون واهمه جنایت خویش را بر زبان رانده و از آن نیز دفاع می‌کند. حال شاید در شهرهای مختلف، دلایلی از جمله عدم درک زن، فرار او از خانه، امتناع از ازدواج اجباری و کودک همسری، شایعات و سوءظن به انگیزه‌ی قتل مبدل شده است، اما ریشه‌ی این جنایت، به خاطر ضدفرهنگی است که ذهنیت مردسالار به جامعه تزریق نموده است. خود واژه‌ی ناموس ریشه در این ذهنیت دارد. ذهنیتی که در قالب فرهنگ، مناسبات و سنت و قوانین مردسالارانه گنجانده شده و بر زندگی زنان سایه می‌اندازد. این در حالیست که زنان با فعالیت‌ها و مبارزات‌شان برای آزادی میهن و جامعه‌شان، نشان داده‌اند که واژه‌ی ناموس سالهاست که برای آنان کم‌رنگ شده است، آنان ناموس کسی نبوده و نمی‌خواهند مانند که یک ابزار به آنان نگریسته شود. در اصل سال‌ها مبارزه‌ی زنان در این راستا بوده که نشان دهند ابژه نبوده، بلکه خود تصمیم‌گیرنده‌اند. البته در کنار قتل‌های ناموسی اخیر، خودکشی زنان و جوانان به یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های فعالین زن مبدل گشته است. بارها در مورد علل خودکشی صحبت گشته است باید این سوال در ذهن همه‌ی ما مطرح شود که چرا باید

بارها از این سخن به میان آمده که انقلابِ ژن ژیان آزادی، زمینه را برای اتحاد جامعه بیش از پیش آماده نمود. علاوه بر این مبارزه برای آزادی به درد مشترک همه مبدل گردید و کل اقشار جامعه، همه باهم و یکصدا از مبارزه سخن می گفتند

فردی به حیات خویش پایان بخشد؟ و در پاسخ باید از وضعیت بغرنج جامعه گفت، از یک سو فقر، از سوی دیگر ضدفرهنگ های مردسالار سایه افکنده بر جامعه و خانواده موجب می شود که زنان به بن بست برسند. اگر از یک زن پرسیده شود، چه دغدغه هایی دارد؟ از دردهای دوران کودکی تا نوجوانی و دوران دانشگاه و حتی پس از ازدواج می گوید. از درد فقر، اعتیاد، خشونت خانگی، کودک همسری و طلاق و محدودیت و ممنوعیت حرف می زند. با همه ی این ها چگونه می توان از با معنا بودن حیات سخن گفت، چگونه می توان گفت که زنان در چنین فضایی می توانند از حق و حقوق خودشان بگویند؟ خودسوزی و خودکشی زنان، سخت ترین راه برای نه گفتن به سیاست های زن ستیزی است، که البته راه چاره نیست. در نهایت، این روش نیز به فریادی خاموش مبدل میشود. فریادی که رعشه به جان مسبب نمی اندازد. پس باید راه چاره ای اندیشید. فریادی که خاموش نباشد، فریادی که سرکوب نگردد. فریادی جمعی که این جنایات را ریشه کن کند.

صدای رسای زنان، رعشه به جان دولتمردان

انداخته...

در طول یک سال گذشته، زنان در عرصه های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و ورزشی برجسته تر از همیشه گام برداشتند. مهمترین عکس العمل زنان هنرمند و ورزشکار، به جان خریدن محرومیت از عرصه های مختلف هنری و ورزشی به دلیل حمایت از انقلاب «ژن ژیان آزادی» بود. بارها از این سخن به میان آمده که انقلابِ ژن ژیان آزادی، زمینه را برای اتحاد جامعه بیش از پیش آماده نمود. علاوه بر این مبارزه برای آزادی به درد مشترک همه مبدل گردید و کل اقشار جامعه، همه باهم و یکصدا از مبارزه سخن می گفتند. از سوی دیگر این

انقلاب، دست بسیاری از هنرمندان و ورزشکاران حکومتی را رو کرد و چهره ی واقعی آنان را برملا ساخت. در واقع روشن شد که چه کسی هنرمند است، چه کسی هنرمند نما! چه کسی پول را به شرف ترجیح می دهد، چه کسی دست به گریبان رژیم ایستاده و ضد هنر دولتی تولید می کند. این توان تفکیک نیز از مبارزات خلق ها نشأت میگرفت. بعنوان نمونه زنان ورزشکاری که در طول این چهل سال حاکمیت ولایت مطلقه ی فقیه، از تمام حقوق خود محروم مانده اند، حتی حضور در برخی رشته های ورزشی برای شان ممنوع بوده است، همواره تلاش کرده اند که صدای مردم ایران باشند و آن را به گوش جهانیان برسانند. حتی در طول یکسال گذشته، برخی مجبور به استعفا، برخی دیگر مجبور به مهاجرت گشتند. اما با تمام این مشکلات نیز از هویت، موجودیت و حقوق خویش سخن به میان آوردند.

با تمام اینها می توان گفت سال ۲۰۲۳ علی رغم همه ی سختیها و مشکلات سال مقاومت و مبارزه ی زنان بود، هر اندازه که رژیم دیکتاتور ایران حمله می نمود، زنان بیشتر و بیشتر به سمت جلو گام می نهادند. عبارتی می توان گفت، در سال گذشته، سطح مطالبات زنان و اتحاد آنان متفاوت تر از دوران گذشته بود. به وضعیت جامعه ی کنونی ایران بنگریم، هیچ گاه نمیتوان آن را با سال های ماقبلش مقایسه کرد. هر چقدر رژیم درصدد سرکوب بود، هر اندازه برخی نیروهای راست گرای جنسیت گرا، سعی در به انحراف بردن انقلاب داشتند، اما انقلاب راه خود را پیدا کرد و دستاوردهایش روز به روز در تزیاید بود. از همین رو می توان گفت، سال گذشته، سال مقاومت و مبارزه بود. ما بعنوان جامعه ی زنان آزاد شرق کوردستان «کژار» نیز با تکیه بر مبارزات چندین ساله، توانستیم با زنان بسیاری از سراسر ایران ارتباط بگیریم. زنانی که به معنا و مفهوم ژن ژیان آزادی پی برده بودند، زنانی که در پی شناخت مبارزات چندین و چندساله ی زنان کورد بودند. ما نیز در تلاش بودیم که تجارب خود را با آنان در میان بگذاریم و با تجارب زیسته ی آنان و تاریخ مبارزات شان نیز آشنا شویم. زیرا به این موضوع معتقدیم که باید صدایی مشترک باشیم، چون نقاط مشترک مان بسیار است. خرسندیم از این اعتماد و مسئولیت در برابر این همه مطالبه، موظفیم که بیشتر از قبل مبارزه کنیم و به سمت جلو گام برداریم، مطمئنیم که افق آزادی بیش از هر زمان دیگر، روشن تر است.

باید علیه همه‌ی بمب‌ها ایستاد

کج آرگش آلاسور

همه‌جانبه‌ی سازمان جاسوسی و ضد بشری میت ترکیه است. در این مورد ضمن اینکه موشک‌پراکنی رژیم اشغالگر ایران را تجاوز به خاک کوردستان می‌دانیم، مباران‌های روزمره‌ی رژیم اشغالگر ترکیه را نیز در همین راستا می‌دانیم، اما مسئله‌ی مهم در این بین این است که در واقع بمب‌های رژیم اشغالگر ترکیه در راستای منافع حقیرانه‌ی خاندان خائن بارزانی است و بمب‌های رژیم اشغالگر ایران منافع حقیرانه‌ی بارزانی‌ها را به خطر می‌اندازد، پس در این میان خاندان خائن بارزانی نگرانی از بابت منافع خلق کورد در جنوب کوردستان و دیگر بخش‌های کوردستان ندارند. اما در مقابل موضع ملی-دموکراتیک جنبش آزادی کوردستان علیه همه‌ی مداخلات نظامی-سیاسی اشغالگران کوردستان است.

جنگ ایران-اسرائیل در خاک کوردستان!

حمله‌ی ۷ اکتبر حماس به اسرائیل موجب شعله‌ورتر شدن جنگ جهانی سوم شد. حماس که از جانب رژیم‌های اشغالگر ترکیه و ایران پشتیبانی می‌شود،

بعد از موشک‌پرانی ۱۶ ژانویه رژیم اشغالگر ایران به خاک جنوب کوردستان و شهر هولیر، خاندان بارزانی و مقامات عراقی بیانه‌هایی منتشر کردند که همه‌ی آن‌ها موشک‌پرانی و موردهدف قرار دادن ویلای شخصی به نام "پیشرو دزیی" را محکوم کردند. مشخص است که باید در مقابل هرگونه موشک‌پرانی و سلاح‌های کشتار جمعی ایستاد، اما تجاوز به خاک جنوب کوردستان، تنها از سوی رژیم اشغالگر ایران صورت نمی‌گیرد، بلکه رژیم اشغالگر ترکیه روزانه در حال تجاوز به خاک جنوب کوردستان، و هدف قرار دادن خلق کورد و مبارزین راه آزادی کوردستان است و در این میان، خاندان خائن بارزانی نه تنها به این حملات اشاره‌ای نمی‌کند، بلکه به پیشقراول ارتش اشغالگر ترکیه تبدیل شده‌است. مقرهای نظامی ارتش اشغالگر ترکیه توسط حزب دموکرات کوردستان و با نظارت مستقیم خاندان خائن بارزانی روز به روز در حال افزایش هستند، و در سطح استخباراتی نیز، اداره‌ی پاراستن (سازمان استخباراتی حزب دموکرات کوردستان-بارزانی) در واقع در خدمت



میت و اطلاعات و امثالهم مبدل ساخته‌اند، اما باز هم کوردستان، سرزمین کوردهاست و یک خاندان خائن در تاریخ پر شکوه کوردستان جایی نخواهند داشت، پس هرگونه تجاوز به خاک جنوب کوردستان، تجاوز به کوردستان است و رژیم اشغالگر ایران از روی سیاست کوردستیزانه‌اش خاک کوردستان را انتخاب کرده است. اما رژیم اشغالگر ایران از بی‌عرضگی خاندان خائن بارزانی سواستفاده می‌کند، وگرنه حتی بنابر منطق خود رژیم اشغالگر ایران اگر می‌خواست انتقام انفجار کرمان را بگیرد، جاهای دیگری را باید هدف قرار می‌داد. از سوی دیگر خلق دیگری که در این میان متضرر گشت، خلق تحت ستم بلوچ می‌باشد، در این میان رژیم اشغالگر ایران چند نقطه را در کوه سبز پاکستان مورد حمله‌ی موشکی قرار داد و سپس بعد از آن، حکومت پاکستان نیز مناطقی از بلوچستان واقع در جغرافیای ایران را هدف قرار داد، خیلی‌ها، خواستند در رسانه‌ها از این آب گل آلود ماهی بگیرند، اما در هر دو حمله این خلق بلوچ، زنان و کودکان بلوچ بودند که مورد هدف هر دو حکومت ستمگر واقع شدند. دو حکومت برای اینکه قدرت‌نمایی خود را به یکدیگر نمایش دهند، خلق بلوچ را قربانی پلیدی خویش کردند. چرا که خلق بلوچ در هر دو سوی مرز تحت ستم هستند، و هر دو حکومت به جای به رسمیت شناختن حقوق خلق بلوچ به آنان حمله کردند. در این مسئله نیز اگر حکومت‌های تهران و اسلام‌آباد با همدیگر مشکلی دارند حق ندارند که خلق بلوچ را قربانی سیاست‌بازی‌های خویش نمایند. هر دو با کشتن زنان و کودکان بلوچ دست به نسلکشی زدند و خلق کورد همچنان که در مقابل سیاست‌های نسلکشی رژیم‌های اشغالگر مبارزه می‌کند، نسلکشی خلق‌های دیگر و به ویژه خلق بلوچ را تحمل نمی‌کند.

داعش و حماس در خدمت چه کسانی هستند؟

نکته‌ی جالب در مورد انفجار کرمان این است که رژیم اشغالگر ترکیه به وسیله‌ی داعش خواست تا رژیم ایران را به جنگ‌افروزی‌های بیشتری در منطقه سوق دهد، و رژیم اشغالگر ایران با موشک‌پرانی‌های اخیرش نشان داد که در تله‌ی سیاست‌های پلید رژیم اشغالگر ترکیه افتاده است (باید دانست که حکومت پاکستان روابط بسیاری دوستانه‌ای با رژیم اشغالگر ترکیه دارد)، اما ماجرا چیست؟ در حالی که رژیم اشغالگر ایران با آغاز انقلاب "زن زندگی آزادی" تا لبه‌ی پرتگاه رفت، در روابط خارجی‌اش به قدرتهای خارجی و بیش از

انتظار داشت که این دو رژیم به صورت مسقئیم‌تری در میدان جنگ نیز جانب حماس را بگیرند، اما این اتفاق نیافتاد و حتی در رسانه‌ها سران حماس و سران سپاه اشغالگر ایران پیام‌های ضد و نقیضی در این مورد به همدیگر دادند و آشکار گشت که حماس تا حد زیاد بازی خورده است. رژیم اشغالگر ترکیه نیز از طریق رئیس‌جمهور دروغگوی خود به دفاع از حماس در رسانه‌ها پرداخت، اما در پشت این دروغگویی‌های پست‌فطرتانه‌ی رسانه‌ای، بنزین هوایم‌های جنگی اسرائیل را تامین می‌کند. در این میان حماس به ابزاری جهت خواسته‌های رژیم‌های اشغالگر ایران و ترکیه مبدل شد، اما متأسفانه جنگ به این بازی‌های کثیف سیاسی محدود نمی‌شود و تا به کنون مطابق بر آمارهای رسمی بیش از ۲۴ هزار فلسطینی اعم از زنان و کودکان جان خود را از دست داده‌اند و درانظار جامعه‌ی جهانی مورد نسلکشی قرار گرفته‌اند. رسانه‌های رژیم اشغالگر ایران و ترکیه نیز هر روز از موفقیت‌های حماس لاف‌زنی می‌کنند، در حالی که این جامعه‌ی فلسطین است که این وسط قربانی پلیدی همه‌ی قدرتهای دخیل در این جنگ هستند. اما حالا رژیم اشغالگر ایران به ویژه بعد از انفجار بمب در کرمان، اسرائیل را بازیگر اصلی این حادثه می‌داند، در حالی که همه می‌دانند که افسار داعش بیش از هر کسی در دست رژیم اشغالگر ترکیه است، و اسرائیل اگر در این میان نیز دست داشته باشد، نقش اصلی را رژیم اشغالگر ترکیه بازی کرده است، هرچند که سران رژیم اشغالگر ایران این مسئله را به خوبی می‌دانند، اما در واقع خود را به نفهمی زده‌اند، چرا که منافع دیگری پشت این قضیه وجود دارد. اما با وجود همه‌ی اینها ایران ادعا می‌کند که در هولیر و با هدف قرار دادن ویلای "پیشرو دزیی" به اسرائیل حمله کرده است. ما از جزئیات این ادعای رژیم اشغالگر باخبر نیستیم و صحت آن فعلاً در پرده‌ای از ابهام قرار دارد که آیا "پیشرو دزیی" عنصر موساد است یا نه! اما مقرهای اصلی موساد نه در جنوب کوردستان که در خود اسرائیل هستند، خود اطلاعات رژیم اشغالگر ایران در بسیاری از سرزمین‌ها و چه بسا در خاک جنوب کوردستان خانه‌های تیمی دارد، اما مقرهای اصلی اطلاعات ایران در خاک خود ایران قرار دارند. اگر رژیم ایران واقعا می‌خواهد به موساد حمله کند، چرا این کار را در خاک کوردستان انجام می‌دهد؟ این درست است که خاندان خائن بارزانی نوکر هستند و جنوب کوردستان را به جولانگاه نیروهای استخباراتی از جمله



همچنین امسال (سال شمسی) در صدمین سالگرد جمهوری سرکوبگر ترکیه که بر خون نسلکشی کوردها، ارمنی‌ها و بقیه ملیت‌های داخل مرزهای شمال کوردستان و ترکیه تاسیس شد، در هولیر نچيروان بارزانی خائن کیک صد سالگی جمهوری را با چاقو برید و البته این رویدادها، یک جشن تولد معمولی نیست، بلکه در واقع بوسیدن شمشیر خونین جلاد کوردهاست

حماس بیشتر از همه دارد برای رژیم اشغالگر ترکیه می‌جنگد، و حق مشروع خلق فلسطین جهت رهایی از جنگ و اشغالگری را دستمایه‌ی بازی‌های سیاسی کثیف خود و منافع حقیرانه‌ی خود کرده‌است. داعش و حماس هر دو نیروهای مزدوری هستند که جهت منافع این یا آن بلوک قدرت به کار گرفته می‌شوند، و رژیم اشغالگر ترکیه که در پلیدی دست دیگران را از پشت بسته است بیشترین استفاده را از این مزدوران و تبهکاران، در راستای منافع مادی خویش می‌کند. وزیر خارجه‌ی دولت هند در سفیر اخیرش به ایران به پایان جنگ افروزی بر سر راه این کوریدور انرژی تاکید کرد و سران رژیم اشغالگر ایران نیز در پاسخ اسرائیل و آمریکا و انگلیس را مقصر این اوضاع به ویژه در دریای سرخ معرفی کردند، با اینکه این ادعا درست است، اما مسئله این است که رژیم اشغالگر ایران نیز خود یکی از مسببین اصلی اوضاع آشوبناک منطقه و نسلکشی مردم خاورمیانه است. از سوی دیگر نیز حوثی‌ها دارند همان اشتباهی را مرتکب می‌شوند که حماس مرتکب شده است و رژیم اشغالگر ایران در این قضیه به صورت مستقیم نقش دارد.

خاندان خائن بارزانی بر ضد ملت کورد هستند

مرکز انتشارات و ارتباطات نیروهای مدافع خلق

همه به آمریکایی که "شیطان بزرگ" می‌خواندش، نزدیک شد و با هم در پشت پرده به تفاهماتی هم دست یافتند، به ویژه در مسئله‌ی کوریدور انرژی که از هند به اروپا راه می‌یابد سهم ایران لحاظ گشت، اما در این میان سر رژیم اشغالگر ترکیه بی کلاه ماند، در واقع رژیم اشغالگر ایران با پیشبرد روابط دیپلماتیک خارجی‌اش توانست در سکوت محافل غربی به سرکوب همه‌جانبه‌ی مبارزین انقلاب "زن زندگی آزادی" بپردازد و از سوی دیگر منافع مادی خویش را توسعه دهد، و چنین فرصتی که کوریدور انرژی هند به اروپا برای رژیم اشغالگر ایران مهیا کرد همچون یک معجزه برای رژیم در اوضاع آشوبناکش بود، از سوی دیگر رژیم اشغالگر ترکیه خواست تا بازی را به هم بزند چون قبلا رژیم اشغالگر ایران نیز بازی او را در کوریدور انرژی زنگزور (در مسئله‌ی جنگ آذربایجان-ارمنستان) به هم زده بود، حالا وقت تلافی بود، البته رژیم اشغالگر ترکیه خواست با تحریک رژیم اشغالگر ایران به آمریکا و دیگر سرکردگان اصلی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری این پیام را بفرستد که او نیز باید در این بازی باشد، وگرنه بازی را به هم می‌زند. حالا نکته‌ی جالب دیگر این است که راه این کوریدور از اسرائیل و غزه هم می‌گذرد! اکنون نقش رژیم اشغالگر ترکیه شفاف‌تر می‌شود، در واقع

(HPG BIM) در بیانیه‌های بیشماری به همکاری مستقیم نیروهای حزب دموکرات کوردستان تحت ریاست خاندان خائن بارزانی با رژیم اشغاک ترکیه اشاره کرده‌اند، بیشترین موارد این همکاری‌ها در حوزه‌های نظامی و استخباراتی انجام می‌گیرند. مرکز انتشارات و ارتباطات نیروهای مدافع خلق (HPG BIM)، آژانس خبرسانی فرات (ANF) و آژانس خبرسانی روز (ROJ NEWS) بارها تصاویری در این باره منتشر کرده‌اند که با جستجوی معمولی در اینترنت می‌توان به این تصاویر و بیانیه‌ها دسترسی پیدا کرد. همچنین امسال (سال شمسی) در صدمین سالگرد جمهوری سرکوبگر ترکیه که بر خون نسلکشی کردها، ارمنی‌ها و بقیه ملیت‌های داخل مرزهای شمال کوردستان و ترکیه تاسیس شد، در هولیر نچیروان بارزانی خائن یک صد سالگی جمهوری را با چاقو برید و البته این رویدادها، یک جشن تولد معمولی نیست، بلکه در واقع بوسیدن شمشیر خونین جلاک کردهاست و نشان می‌دهد که خاندان خائن بارزانی به رژیم اشغاک ترکیه قول داده است که در صد سال دوم جمهوری نیز در راستای اهداف اشغالگران گام بردارد و به مزدوری و نوکرمندی خود جهت نسلکشی کوردستان ادامه می‌دهد تا در این میان تکه استخوانی هم به آنان برسد. در واقع خاندان خائن بارزانی منافع حقیر مادی خود و تداوم حکومت ظالمانه‌اش بر بخشی از جنوب کوردستان را بر هر چیزی ارجحیت داده است، باید در این مورد آگاه بود که خاندان خائن بارزانی هیچ گامی جهت آزادی کوردستان و ملت کورد برمی‌دارد، سال‌هاست ملت ما در جنوب این مسئله را درک کرده است و بر بقیه‌ی احزاب نیز واجب است تا در راستای اهداف ملت گام برداند و از روحیه‌ی میهن‌دوستی خلق‌مان در جنوب سواستفاده نکنند، در واقع حزب دموکرات کوردستان به ریاست خاندان خائن بارزانی مبارزگری و آزادیخواهی خلق‌مان در جنوب کوردستان را دست کم گرفته است، این همان خلقی است که علی‌رغم انفال و بمباران‌های شیمیایی، توانست دیکتاتور را شکست دهد، و در رسیدن به آزادی تمامی موانع را از سر راه خواهد برداشت. اکنون جنگ گریلاهای مدافع خلق در جنوب کوردستان و شکست‌های فلاکت‌بار ارتش اشغاک ترکیه در مناطق زاپ، متینا و خاکورک به همه‌ی خلق‌مان در همه‌ی بخش‌های کوردستان و به ویژه در جنوب کوردستان روحیه می‌دهد. مقاومت گریلا دموکراسی را به همه‌ی بخش‌های کوردستان سرایت می‌دهد. ایستار انقلابی

گریلا در همه‌ی بخش‌های کوردستان موجب موج نوینی از جنبش آزادی‌خواهی کوردستان گشته است، برای نمونه یکی از منابع الهام انقلاب "زن زندگی آزادی"، مقاومت گریلا در مقابل اشغالگران است. امر مقاومت همیشه چنین تاثیری دارد، یعنی همچون معنویات میان خلق‌مان پخش می‌شود و توسعه می‌یابد. در جنگ گریلا با ارتش اشغاک ترکیه بسیاری از جوانان و زنان شرافتمند جنوب کوردستان همچون پیشاهنگ این نبرد انقلابی در مقابل ارتش متجاوزگر وجود دارند و نمونه‌ی بارز آنان شهیدان؛ فرمانده‌ی یگان‌های زنان آزاد-ستار "برفین ریباز" و گریلاهای مدافع خلق "زردشت باشوری" می‌باشند که به کاروان جاویدان راه آزادی و دموکراسی پیوستند. برای خاندان خائن بارزانی هیچ ارزش و معنای اجتماعی، بهائی ندارد بلکه تنها به فکر پر کردن جیب‌هایشان هستند، اما خلق ما در جنوب کوردستان از ارزش‌های اجتماعی خویش صیانت می‌کند و اعتقاد دارد که شهیدان، بزرگترین ارزش اجتماعی خلق کورد است. کسانی که به ارزش‌های ملی-دموکراتیک کوردستان بی احترامی می‌کنند و در شهادت بهترین فرزندان کوردستان مستقیماً دست دارند بدون شک در زمره‌ی خائنین به خلق هستند. البته خاندان خائن بارزانی نه تنها در جنوب کوردستان، بلکه در همه‌ی بخش‌های کوردستان به خیانت دست زده‌است و دستشان در ریخته شدن خون بهترین فرزندان سرزمین‌مان خونین است. از به شهادت رساندن سلیمان معینی‌ها تا دکتر شوان‌ها و خرابکاری‌ها در انقلاب روزاوا گرفته تا به شهادت رساندن علی‌عسکری‌ها در جنوب کوردستان، همیشه پیشاهنگان آزادیخواهی کوردستان را مورد هدف قرار داده است تا به اشغالگران خوش خدمتی کرده باشد، در واقع خاندان خائن بارزانی نقش کثیف گلائیوی کوردی را بازی می‌کند. در مورد بیانیه‌های خاندان خائن بارزانی، سردبیر سرکوبگر روزنامه‌ی کیهان در نوشته‌ای کوتاه به بارزانی‌های خائن تحت عنوان "کاک بارزانی از که بریده‌ای و به که پیوسته‌ای" (منتشر شده در تاریخ ۲۷ دیماه ۱۴۰۲، ص ۲) به صورت مسقیم به خاندان خائن بارزانی می‌گوید که تا دیروز به ما خدمت می‌کردی و امروز به کسانی دیگر، یعنی اشغالگران کوردستان نیز تا هنگامی خاندان خائن بارزانی را مورد حمایت قرار می‌دهند که آنان نیز برای اشغالگران مزدوری و نوکری کنند، وگرنه حالشان زار است، در واقع خاندان خائن بارزانی همیشه نوکری اربابان را پیشه کرده‌اند و اگر اربابی به آنان انعامی بیشتر دهد به او خدمت می‌کنند

و در روزگار ما ارباب اصلی این نوکر، رژیم اشغالگر ترکیه است، در حالی که قبلا رژیم‌های اشغالگر ایران (چه پهلوی دوم و چه ولایت فقیه) ارباب اصلی این خاندان خائن بودند. برای بر ساختن کوردستانی آزاد یکی از مبارزات ملی-دموکراتیک خلق کورد مبارزه بر علیه خط خیانت می‌باشد.

مباران‌های رژیم اشغالگر ترکیه

گفتیم که موشک‌پرانی رژیم ایران در جنوب کوردستان نشأت گرفته از سیاست کوردستیزانه‌ی رژیم ایران است، حتی اگر این فرض را قبول کنیم که در آن ویلا عناصر موساد حضور داشته‌اند، رژیم ایران جنگ خود با رژیم اسرائیل را باید بیرون از خاک کوردستان انجام دهد، چون کوردستان اشغال شده است و یکی از اشغالگران اصلی کوردستان خود رژیم اشغالگر ایران است، یعنی حضور نیروهای نظامی و استخباراتی بیگانه در جنوب کوردستان به دلیل سیاست‌های اشغالگرانه‌ی رژیم اشغالگر ایران برمی‌گردد و خاندان خائن بارزانی را نیز اشغالگران بر کوردستان مسلط کرده‌اند، همانگونه که خود رسانه‌ای همچون کیهان اذعان می‌دارد که ای خاندان بارزانی ما روزگاری همپاله‌ی هم بوده‌ایم! رژیم

اشغالگر ایران اگر به سیاست‌های اشغالگرانه‌ی خودش در همه‌ی کوردستان و به ویژه شرق کوردستان پایان دهد، خود خلق کورد رهبری سرزمین خودش را به دست می‌گیرد و خلق کورد نیازی به وجود نیروهای نظامی و استخباراتی بیگانه چه ترکیه‌ای چه ایرانی و چه هر دولت دیگری در خاکش ندارد.

در این میان بعد از موشک‌پرانی رژیم اشغالگر ایران، خاندان خائن بارزانی فوری به تکاپو افتادند که وامصیبتا، شهروندان کورد مورد اصابت قرار گرفته‌اند و بیانیه‌ها منتشر کردند و از اربابان خود خواستند تا به یاری‌شان بشتابند، اما چرا برای مباران‌های روزمره‌ی رژیم اشغالگر ترکیه در خاک جنوب کوردستان هیچ موضعی ندارند؟ آیا مباران‌های رژیم اشغالگر ترکیه جاهایی را که هدف قرار می‌دهند، خاک جنوب کوردستان نیست؟ پس می‌شود فهمید که خاندان خائن بارزانی نه تنها در مقابل مباران‌های رژیم اشغالگر ترکیه هیچ موضعی ندارد بلکه همکار این رژیم نیز هستند. علی‌عونی از سران حزب دموکرات (بارزانی) در تلویزیون به صراحت گفت که رژیم اشغالگر ترکیه در فلان شهر و منطقه، مبارزین جنبش آزادی کوردستان را هدف قرار بدهد! جنبش آزادی بسیار نیک می‌داند که حزب دموکرات کوردستان به ریاست خاندان خائن بارزانی، گرای دقیق مناطق گریلا و مبارزین راستین را به دشمن می‌دهد. باید همه را در این مورد آگاه ساخت، در واقع مذب‌باران‌های رژیم اشغالگر ترکیه علیه مبارزین انقلابی و فدائی کوردستان (که انواع مذب‌های ممنوعه‌ی شیمیایی و هسته‌ای ضعیف شده را شامل می‌شود) با همکاری مستقیم خاندان خائن بارزانی صورت می‌گیرد.

جنبش آزادی کوردستان در همه‌ی بخش‌های کوردستان به مبارزه جهت آزادسازی کوردستان از دست اشغالگران می‌پردازد. جنبش آزادی برای منافع حقیرانه نمی‌جنگد، بلکه تنها خواهان آزادی کوردستان، زنان و جوانان و جوامع است. با وجود خردمندی و پرنسیب‌های اصیل جنبش آزادی هیچ قدرت، دولت یا دسته‌ای نمی‌تواند جنبش آزادی را به بازی بگیرد، و جنبش آزادی کوردستان هرگونه سیاست نوکری-اربابی را رد می‌کند و در راه سیاست اراده‌مند قدم برمی‌دارد و تا به امروز در این راه سرفرازانه گام برداشته است و هر جا که لازم بوده است بدون حساب، حضور داشته است



هولیر شتافت و مسعود بارزانی در آن زمان خود به نزد فرماندهان گریلا رفت تا خواهش کند هولیر را از دست داعش مصون نگه دارند، گریلا نه برای منافع حقیرانه مسعود و بقیه‌ی خاندان خائن بارزانی، بلکه برای دفاع از خلق‌مان به آنجا شتافت و ضربات مرگبار گریلا در آنجا داعش را در این جبهه همانند جبهه‌های دیگر جنگ ضد داعش درهم کوبید، نکته‌ی جالب دیگر اینکه رژیم اشغالگر ایران ادعای دروغینش در مورد دفاع از جنوب کوردستان در مقابل داعش را خودش نیز باور کرده است، اما تاریخ خلق‌ها با دروغ‌پردازی نوشته نمی‌شود و این ادعای واهی رژیم اشغالگر ایران را کسی به غیر از جیره‌خوارانش باور نمی‌کند. گریلا در جنوب کوردستان در کرکوک، در مخمور و در هولیر و در شنکال علیه داعش جنگید و پیشمرگانی که در جبهه‌ی جنگ علیه داعش حضور داشتند از ابهت گریلا و حرفه‌ای بودن و شخصیت آزاد گریلا متاثر گشتند. خلق ما نیز از حضور گریلا در آن سال‌های جنگ علیه داعش در جنوب کوردستان بسیار شادمان بود و حضور گریلا در شهرهای جنوب کوردستان منجر گشت تا خلق در ببحوحه‌ی جنگ با اهریمنان زمانه، در آرامش روانی و ذهنی به سر برد. خلق ما در جنوب کوردستان، به فدائیان خود یعنی گریلا عشق می‌ورزد، چرا که فداکاری گریلا را با چشمان خود دیده است و می‌داند که گریلا این فداکاری را نه برای منافع مادی، که برای آزادی کوردستان انجام می‌دهد. در شرق کوردستان گریلا به ویژه در سال ۲۰۱۱ و در نتیجه‌ی جنگ‌افروزی و تجاوز رژیم اشغالگر ایران به قنبدیل، ضربات مرگباری به سپاه اشغالگر پاسداران وارد کرد که در پی آن بیش از ۷۰۰ تن از سپاهی‌ها و جاش‌ها (خائنین مزدور) مجازات شدند، به غیر از آن نیز در مقاطع بسیاری گریلا در پی حملات رژیم اشغالگر ایران پاسخ‌های درخوری به دشمن داده است، و علاوه بر حضور نظامی، به صورت دائم هر سال به سازماندهی و آموزش خلق‌مان در راه انقلاب آزادی پرداخته است که انقلاب "زن زندگی آزادی" نتیجه‌ی حضور ۲۰ ساله‌ی گریلا در شرق کوردستان است، برخی گریلا را تنها یک نیروی نظامی قلمداد می‌کنند، اما باید دانست حضور گریلا به صورت مقدم یک حضور ایدئولوژیک است و مسائل دیگر در اولویت‌های دیگر گریلا طبقه‌بندی می‌گردد، از این جهت انقلاب "زن زندگی آزادی" نیز بیشتر یک انقلاب ذهنی و ایدئولوژیک است. در شمال کوردستان گریلا بیش از ۴۰ سال است که ارتش اشغالگر ترکیه را بارها به مرز نابودی کامل کشانده است، اما هر بار

به غیر از این رژیم اشغالگر ترکیه روزانه در روزآوی (غرب) کوردستان علاوه بر شهروندان کورد، همه‌ی منابع حیات از جمله تاسیسات برق‌رسانی و آب‌رسانی را مورد هدف قرار می‌دهد و هدفش تنها نسلکشی کوردها در همه‌ی بخش‌های کوردستان است. در این میان هیچ بیانی‌های از سوی خاندان خائن بارزانی منتشر نشده‌است، در واقع خاندان خواهان برچیدن سیستم خودمدیریتی دموکراتیک روزآوی کوردستان و شمال و شرق سوریه است، و برای این امر به صورت مستقیم به خرابکاری و همکاری با دشمن می‌پردازد. در واقع مسئله‌ی ما این نیست که چرا خاندان خائن بارزانی در قبال موشک‌پرانی رژیم اشغالگر ایران موضع گرفته‌است، بلکه موضعگیری آنان نه در راستای آزادی کوردستان، بلکه در راستای منافع حقیرانه‌ی خودشان است، وگرنه اگر رژیم ایران هزار چندگاهی به خاک جنوب کوردستان تجاوز می‌کند، رژیم اشغالگر ترکیه مقرهای بیشماری را در خاک جنوب کوردستان برپاساخته است و در این امر، خاندان خائن بارزانی نه تنها به یاری رژیم اشغالگر ترکیه می‌شتابد بلکه در احداث ساختمان‌ها و جاده‌ها برای ارتش اشغالگر ترکیه به ویژه در مناطق گریلا، به صورت مستقیم دست دارد. حتی اسنادی معتبری وجود دارند که ارتش اشغالگر ترکیه گه‌گاهی از وسایل نقلیه‌ی پیشمرگ‌های حزب دموکرات کوردستان (بارزانی) برای رفت و آمد استفاده می‌کنند تا خود را از چشمان نافذ گریلا پنهان دارند، که البته این ترفند نیز نخ‌ما گشته است.

علیه همه‌ی اشغالگران و مپاران‌ها

جنبش آزادی کوردستان در همه‌ی بخش‌های کوردستان به مبارزه جهت آزادسازی کوردستان از دست اشغالگران می‌پردازد. جنبش آزادی برای منافع حقیرانه نمی‌جنگد، بلکه تنها خواهان آزادی کوردستان، زنان و جوانان و جوامع است. با وجود خردمندی و پرنسیب‌های اصیل جنبش آزادی هیچ قدرت، دولت یا دسته‌ای نمی‌تواند جنبش آزادی را به بازی بگیرد، و جنبش آزادی کوردستان هرگونه سیاست نوکری-اربابی را رد می‌کند و در راه سیاست اراده‌مند قدم برمی‌دارد و تا به امروز در این راه سرفرازانه گام برداشته است و هر جا که لازم بوده است بدون حساب، حضور داشته است، چرا که خود را نیروی مدافع خلق کوردستان می‌داند، برای مثال در جنگ علیه داعش و تهدیدات جدی داعش علیه هولیر، گریلا فوری به یاری خلق‌مان در

ناتو و ابرقدرت‌های مدرنیته‌ی سرمایه‌داری به داد رژیم اشغالگر ترکیه رسیده‌اند و توطئه‌ی بین‌المللی علیه رهبر آپو خود بزرگترین پشتیبانی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری از رژیم اشغالگر ترکیه و ضدیت با خلق کورد می‌باشد که تا به کنون ادامه دارد. جنبش آزادی کوردستان در مقابل همه‌ی اشغالگران کوردستان موضع شفاف‌ی دارد و علیه هرگونه اشغالگری مبارزه می‌کند و در راه آزادی کوردستان با همه‌ی شهیدان راه آزادی کوردستان عهدی مصمم بسته است. بسیاری که اتفاقاً به خاندان خائن بارزانی وابسته هستند، یعنی نوکران نوکر اشغالگران کوردستان هستند، در مورد روزاوا سخنان بیهوده‌ای می‌گفتند، اما دیدیم که جنبش آزادی کوردستان توانست در آنجا دست به انقلاب بزند، بعد در مورد شرق کوردستان نیز شروع به سخنان بیهوده کردند و هنوز این پاره‌گویی‌ها را ادامه می‌دهند، اما واقعیت این است که انقلاب "زن زندگی آزادی" با پارادایم رهبر آپو محقق گشت، نه با گفتمان‌های زوار در رفته! جالب اینجاست که رهبر آپو، گریلا و جنبش آزادی کوردستان هر روز در حال مبارزه‌ی بی‌امان هستند تا آزادی کوردستان را محقق گردانند و انقلاب آزادی کوردستان را به سر منزل خود برسانند، در این میان آنان که به پاره‌گویی‌ها ادامه می‌دهند یا واقعا هنوز ناآگاه هستند و باید برای آگاهی‌بخشی آنان کوشید و یا به صورت مستقیم عوامل جنگ ویژه‌ی اشغالگران هستند.

کارزار آزادی؛ نقطه پایان اشغالگری

از ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳ یک کارزار جهانی به نام "آزادی فیزیکی رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد" از سوی دوستان خلق کورد، آزادی‌خواهان، فیلسوفان آزاداندیش، زنان و جوانان سرزمین‌های متفاوت در سرار گیتی به راه انداخته شد، خود جنبش آزادی کوردستان نیز در همه‌ی بخش‌های کوردستان اعلام کرد که از این به بعد همه‌ی مبارزاتش را در راستای این کارزار به روز می‌کند. گریلا عملیات‌های مرگباری علیه ارتش اشغالگر ترکیه در مناطق زاپ، آواشین و خاکورک به عمل رساند و سربازان مفلوک اشغالگران در میانه‌ی برف و بوران هدف گریلا قرار گرفتند. این نبرد گریلایی، نوین‌ترین شیوه‌ی جنگ انقلابی را به همگان نشان داد، که چگونه گریلا علی‌رغم همه تسلیحات پیشرفته‌ی ناتو که در دست ارتش اشغالگر ترکیه است، می‌تواند دشمن را نابود کند. در واقع پهلپاداها و جنگنده‌های پیشرفته در مقابل

اراده‌ی آزاد گریلا زانو زدند. در بیش از ۷۴ کشور جهان انسان‌های آزاده در تجمعاتی از رهبر آپو صیانت به عمل آوردند و خواهان آزادی فیزیکی ایشان از زندان شدند، اکثر این انسان‌ها نیز پیشاهنگان دموکراسی و آزادی جوامع خود هستند و در مسائل و اوضاع سیاسی جهان آگاه هستند. زنان و جوانان و روشنفکران از بنگلادش و هند گرفته تا به اروپا و کل قاره آمریکا و آفریقا و خود خاورمیانه برای آزادی فیزیکی رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد این کارزار را ادامه می‌دهند، و آنان می‌گویند که مبارزه در این کارزار، نه تنها به آزادی رهبر آپو و کوردستان بلکه به آزادی کل بشریت از سیستم نسلکشی مدرنیته‌ی سرمایه‌داری می‌انجامد. فیلسوف آزادی‌خواه اسلونایی، اسلاوی ژیتک نیز دقیقا بر این نکته تاکید کرد که مبارزه در این کارزار مبارزه برای آزادی خودمان است. خلق کورد نیز در همه‌ی بخش‌های کوردستان به این کارزار پیوسته است. زندانیان جنبش آزادی کوردستان در شمال کوردستان به صورت گروهی اعتصاب غذا را آغاز کرده‌اند، مادران صلح در شمال، شرق، جنوب و روژاوی کوردستان با تداوم فعالیت‌های دموکراتیک و مدنی خود به این کارزار پیوسته‌اند، زنان و جوانان در شمال کوردستان مبارزات خویش را با این کارزار به‌روز کرده‌اند، زنان و جوانان در شرق کوردستان و ایران تداوم انقلاب "زن زندگی آزادی" و این کارزار را یکی می‌دانند و راه خود را ادامه می‌دهند. در جنوب کوردستان روشنفکران و هنرمندان، زنان و جوانان به این کارزار پیوسته‌اند، در روژاوی کوردستان خود ادامه‌ی انقلاب بخش جدایی‌ناپذیر این کارزار است و زنان و جوانان روزانه با راهپیمایی‌های طویل و پرشمار خود به این کارزار پیوسته‌اند. از لحاظ ذهنی نیز که مهمترین رکن قضیه است، خلق کورد با همه‌ی تنوعاتش به این کارزار پیوسته است و خواهان آزادی رهبر آپو و کوردستان است. اکنون خلق کورد مصمم است که کوردستان باید از دست اشغالگران رهایی یابد و آغاز کارزار آزادی در واقع مبارزات را جهت این امر ارتقا بخشیده است. هم گریلا، هم خلق کورد و خلق‌های منطقه و هم آزادیخواهان جهان به این نتیجه رسیده‌اند که اکنون هنگام آزادی است. در حقیقت کارزار آزادی در نهایت توسط مبارزات و ایستار انقلابی رهبر آپو و جنبش آزادی و خلق کورد و خلق‌های آزادیخواه منطقه، به همراه آزادی‌خوان جهان، به آزادی منجر می‌شود و اشغالگران و مپ‌هایشان از میان خواهند رفت.

بزرگترین سنگر مقاومت در برابر هر دیکتاتور و اقتدار ضد انسانی؛ داخل کشور است

روکن نقله

استعمار و استثمار، اشغال و غارت، تک رنگی زبان، ملت، پرچم را قوانین خود قراردادده است و از طریق پخش برنامه‌هایی بازبانهای محلی از رادیو و تلویزیونهای درانحصار خود، می‌خواهد چهره‌ای دمکراتیک از خود به نمایش بگذارد اما اعمال ظالمانه و وحشیانه‌ی رژیم ولایت فقیه از نظرجهانیان پنهان نماند و نتوانست روح و اراده‌ی آزاد خلق را با این سیاست و برنامه‌ها و پروژه‌های "تفرقه بینداز و حکومت کن"، نابود کند. شاید رژیم فراموش کرده است که ایران و شرق کوردستان دارای چه ویژگیها و چه تاریخی است که هنوزهم زنده مانده است. شاهنشاهان با مظالم فراوان و خیانت به پیشاهنگان نتوانستند کاری را پیش برند این رژیم با این کشت و کشتار اعدام و توطئه به کجا خواهد رسید؟ چگونه می‌توانند زنانی که دگرباره از خاکستر خود شکوفا می‌شوند را با زندانی کردن و اعدام، از انقلابی که آغاز کرده‌اند بازدارند؟! از ایشتر- ستار گرفته تا میترا، از خرم گرفته تا شیرین علم هولی، از زینب جلالیان گرفته تا جوانا سنه، پخشاش عزیز و صدها زندانی دیگر، نشان از مقاومت و ایستار زنان انقلابی هستند. سنگرهای این حکومت با دستان این زنان و پیشاهنگان آینده یک به یک فرو می‌ریزد. فرزندان این خاک بار دیگر از شرق کوردستان تا بلوچستان ثابت کردند که با جان خود سنگر

با نگاهی به تاریخ به نگارش درآمده‌ی تحت حاکمیت مرد در می‌یابیم که علت سقوط یا موفقیت مردسالاری؛ خود زنان و مردم هستند. وارد دومین سال انقلاب زن در ایران شدیم، رژیم آخوندی با درپیش گرفتن سیاست نابودگری می‌خواهد به حکومت خود ادامه دهد. و در خارج ازکشور با تکیه بر ایادی و مزدوران و نیروهای نیابتیش خود را استوار و شکست ناپذیر نشان می‌دهد. اما بایستی گفت که این اقتدار پوشالی به هیچ وجه نخواهد توانست مانع فروپاشی رژیمی شود که با فاشیزم و جنسیت‌گرایی حکمرانی می‌کند. شاید بخواهند برای خارج از کشور خودنمایی و نمایشهای ترسناک و حکومتی نیرومند نشان دهند، اما این برای داخل هیچ ارزشی ندارد. چون وضعیت در داخل بسیار متفاوت و رنگی دیگر دارد، داخل کشور بطور کلی در شرایط جنگ و آماده‌باش قرار دارد. دولت محافظکار و دشمن زنان و جوانان در برابر اراده‌ی زنان و خلقها، رسماً جنگ اعلام کرد و سنگر گرفته است.

ازآغاز حاکمیت این رژیم تا به امروز باروهای زمامداریش را روز به روز بلندتر می‌کند. و برای حفاظت از این دیوارها کشتن، اعدام، زندانی کردن، اعتیاد، گرسنگی، نابودی طبیعت، صیغه‌ی زنان و نیست نشان دادن زنان در زندگی. دزدی، فریبکاری،

چگونه می‌توانند زنانی که دگرباره از خاکستر خود شکوفا می‌شوند را با زندانی کردن و اعدام، از انقلابی که آغاز کرده‌اند بازدارند؟! از ایشتر-ستار گرفته تا میترا، از خرم گرفته تا شیرین علم هولی، از زینب جلالیان گرفته تا جوانا سنه، پخشان عزیز و صدها زندانی دیگر، نشان از مقاومت و ایستار زنان انقلابی هستند

گرفته و اجازه هیچ گونه غارت و کشتن را نخواهند داد. ما این را در انقلاب ژن، ژیان، آزادی شاهد بودیم. زنان و جوانان سلاحی در دست نداشتند، ولی چیزی نیرومندتر از سلاح داشتند. عشق و ایمان به زندگی یکسان و آزاد، بسیار خوب می‌دانستند که با مقاومت و مبارزه می‌توانند به خواسته و مطلوبشان دست یابند. در انقلاب زن که وارد دومین سال خود شده است، این را خوب درک کردند و برایشان ثابت شد که راهی که در پیش دارند درست است. از فدا کردن جانشان به هیچ وجه دو دل نبودند، این یعنی میهن دوستی و اخلاق و سیاست اجتماعی.

دولت در داخل کشور با تمام نیروی که دارد در برابر این زنان و جوانان می‌جنگد و تمام سعی و تلاشش سرکوبی و سکوت جامعه است. قتل و شکنجه و اعدام رژیم، به جای ترس در دل زنان و جوانان و خلقها کین و نفرت و نیروی مقاومت و مبارزه کاشت. حاکمیت فاشیستی بایستی به فکرچاره باشد، یا کنار بیاید و به خواسته‌های مردم گوش فرا دهد، یا اینکه با این ذهنیت دینگرا و جنسیتگرا گورخود را بکند. چون تنها راه چاره؛ دموکراسی می‌باشد، جز آن مردم و به ویژه زنان دارای هر گونه سیستم و نیروی دفاع از خود هستند و می‌توانند دولت را همانند دیواری بدون محتوا برای تاریخ باقی بگذارند.

انقلاب زن با مبارزه و مقاومت زنان، جوانان، بازنشستگان، هنرمندان به پا شد. به ویژه در

بلوچستان زنان و تمام مردم با استقراری بی نظیر در روزهای جمعه با راهپیمایی و سیستم دفاع از خود در برابر این رژیم اشغالگر و فاشیست به انقلاب آزادی ادامه می‌دهند. نیروی این انقلاب در ایران همانند موجی آرام ولی رادیکال برای تغییر این رژیم هر گونه فعالیتی انجام می‌دهد. شاید حکومت با ذهنیتی عقب افتاده بخواهد برای انقلاب زن راه‌حلهای بیابد که خود را نجات دهد. مردم از چنین دولتی انتظار فهم و درک در چهارچوب سیستم جامعه‌ای دموکراتیک ندارند، چون اگر دولت بخواهد انقلاب زن و تغییرات را پسند کند. لازم است نخست درذهنیت خود انقلابی رادیکال انجام دهد، تنهاحکومتی می‌تواند برای درخواست زنان و تمام خلقها آماده باشد که ذهن و فکری باز دارد. ابتدا فکریاید به سطح دموکراتیک برسد تا برای حل مشکلات پا پیش بگذارد. و این پا پیش گذاشتن به معنای پایان تمام هجومها است، اعدام را تا ابد از ذهن حذف نموده، زندانیان را آزاد کرده، عرصه سیاست را برای همیشه برای زنان و تمام مردم باز گذاشته، اقتصاد را به دستان زنان و مردم سپرده. با زنان و تمام خلقها بر سر حل مسائلی که تا بحال باعث تخریبات و زخمهای زیادی شده است؛ گفتگو نموده و آمادگی قبول و پذیرش آرا عمومی را ازخود نشان دهد. اگر دولت بخواهد با این مردم کنار بیاید و به درگیری و جنگ رو در رو با آنها پایان دهد و گام بردارد، پس لازم است چنین باشد. شاید دولتی که تا این حد به زنان و مردان این خاک ظلم و ستم کرده، با گامهای مثبتی که بردارد بتواند اعتماد انسانها را جلب کرده و بزرگی این مردم و به ویژه زنان می‌تواند شانس تغییر را به رژیم دهد.

جزحاکمان ظالم هیچ انسانی با خشم و ستم به بدیها پایان نداده. همیشه مردم و بویژه زنان با ذهنیتی طرفدار صلح و آشتی با مسائل برخورد کرده‌اند. ایران کشوری که هزاران رنگ و بوی متفاوت دارد، رژیم به هیچ وجه نخواهد توانست این کشور را تنها سیاه یا سفید ببیند. صداهای گوناگون تاروستاروستنور و فلوت و دهول با رهبری زنان همچون یک رهبر ارکسترو حنجره ملتهای متفاوت يك نواخت می‌شوند و آزادی سر می‌دهند.

جنبش انقلابی ایران یک انقلاب اقتصادی ساختاری هم هست



رامین گارا

که لایه‌ی بازاری خاص خود تحت هویت شیعه را بر ساخته و مبتنی بر تجارت‌پیشگی و متکی بر اقتصاد تک محصولی نفت و گاز، مافیایا و گول‌های اقتصادی حکومتی پس از انقلاب ایران بر پایه‌ی شیعه‌ی سیاسی شکل گرفته و سپاه پاسداران بزرگترین سهام داراست که سایر گول‌های دیگر را در زیرمجموعه خود دارد. این اقتصاد با این ساختار چندلایه از قدرت و سرمایه، در مقابل جامعه و خلق‌ها قرار گرفته و آنها را فلج کرده است. شکی نیست که فرصت‌های اقتصادی در ایران بر اساس تعلق افراد و گروه‌ها و نهادها به یکی از مراکز مافیایی و حکومتی تعیین می‌شود، و سهم هر کس با وابستگی به مراکز سپاه، روحانیت و نهادهای حکومتی پرداخت می‌شود. این اقتصاد و ساختار آن طوری نیست که به اقشار ضعیف و یا جوانان تعلق داشته باشد. در داخل نهادهای حکومتی، عوامل مافیای سپاه و روحانیت نفوذ کرده و همه قوانین و عملکردها را آنها تعیین می‌کنند.

گذشته از اینها، اقتصاد شیعه‌ی سیاسی در قدرت، بشدت آن را تحت تأثیر تلاطمات داخلی و خارجی قرار می‌دهد و هراندازه تنش با خارج و جامعه داخل بالا

اقتصاد ایران و واکاوی لایه‌های آن می‌تواند به شناخت کافی از ماهیت نظام جمهوری ولایی ایران کمک کند. مدت ۴۵ سال است که یک اقتصاد نامتعارف در چارچوب سیستم اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری در حال هیولایی شدن توسط شاخه‌های مافیایی در ایران است. امروزه پس از گذشت چند دهه پس از انقلاب ۵۷ آنچه نصیب جامعه مدنی شده، گرسنگی، فقر، بیکاری، سقوط طبقه‌ی متوسط و افزایش جمعیت فقرا بوده است. تمامی آنچه تحت نام ابربحران تعریف می‌گردد، ناشی از اقتصاد سیاسی رژیم با تسلط بر تمامی بخش‌های دولتی وابسته به قشرالیت نظام ولایی است. سیاست‌های چهل و پنج سال گذشته‌ی رژیم بخوبی اثبات می‌کند که جایگاه ایران در میان کشورهای خاورمیانه علی‌رغم داشتن بزرگترین منابع انرژی در سقوط و فروپاشی منتج از بحران‌های ایجادشده‌ی بنیان رژیم است.

اقتصاد ایران یک اقتصاد ترکیبی شامل بخش دولتی بزرگ است که نزدیک به ۷۰ درصد آن بصورت متمرکز مافیایی و دستوری اداره می‌شود. یک اقتصاد مافیایی تحت سلطه‌ی باند روحانیت و سپاه است

باشد، اقتصاد به همان اندازه تضعیف می‌شود و یا توسط عوامل حکومتی غارت می‌گردد. ایران سالانه بصورت تقریبی بالغ بر ۹۰ میلیارد دلار ارزآوری حاصل از فروش نفت دارد که درآمد کمی نیست، اما گذشته از عیب اساسی اقتصاد تک‌محصولی و تجارت پیشگی، تنش‌ها در سیاست خارجی موجب گشته که اعمال مجازات‌هایی چون تحریم‌های بین‌المللی، ساختار را شکننده سازد و به فروپاشی نزدیک کند. ناکارآمدی نظام اقتصادی سرمایه‌داری ایران بخاطر فقدان روابط خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی به علاوه تعطیلی واحدهای تولیدی داخلی و بیکاری و فقر، جامعه را در آستانه‌ی سقوط قرار داده است. در چهاردهه گذشته بطور یقین، ساخت طبقاتی جامعه متأثر از ساختار اقتصاد سیاسی ایران بوده است و شکاف طبقاتی به بالاترین حد خود رسیده و طبقه فقیر، فقیرتر گشته است. شیوه‌ی اقتصاد سیاسی نظام ولایی ایران اقتصاد این کشور را محکوم به افزایش تورم سالانه نموده که بحران و بیکاری را تشدید نموده و بحران‌های اجتماعی ع دیده‌ای را به بار آورده است. این یعنی فروپاشی نظم و نظام جامعه مدنی علی‌رغم غنای اقتصادی و سرشاربودن این کشور از منابع طبیعی. منابع طبیعی و ثروت‌های آن آنقدر زیاد است که ایران از حیث تولید ناخالص داخلی بر پایه برابری قدرت خرید، بصورت تقریبی در رتبه‌های ۲۰ الی ۲۵ جهان در هر سال قرار گرفته و بر پایه تولید ناخالص اسمی بر اساس آمارهای بانک جهانی، در رتبه نزدیک به ۵۰ در میان کشورهای جهان قرار دارد. اگر از حیث اصلی‌ترین معیارهای توسعه‌یافتگی نسبت جمعیت ایران با میزان تولید ناخالص داخلی سرانه آن را تعیین نماییم، ایران با کم‌ترین سرانه، در رتبه تقریبی ۱۵۰ در میان ۲۱۳ کشور قرار دارد. از حیث اینکه هر فرد چه میزان دارایی دارد، آمارها وضعیت را بحرانی‌تر نشان خواهد داد. در چهاردهه‌ی گذشته، در برخی از سالها نرخ رشد اقتصاد ایران صفر بوده و برخی سالها، منفی و یا اکثراً بسیار کمتر از حد متوسط نرخ رشد جهانی و منطقه‌ای است. در دوده‌ی گذشته از حیث میزان تورم، ایران بالاترین تورم را در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا داشته است. با افزایش تنش‌های خارجی و افزایش تحریم‌ها علیه ایران، سیاست‌های رژیم هرساله خشن‌تر شده و در زمینه برتری تولیدی در محصولات و کالاهایی چون

فرش و پسته و... مدام سقوط کرده و بازارهای جهانی را از دست داده است. با آغاز بهار عربی در خاورمیانه و جنگ‌های عراق و سوریه، اقتصاد ایران هرساله کوچک‌تر شده و با توجه به تنش‌های سیاسی و نظامی این کشور با رقبای جهانی خود در خلیج و منطقه، نرخ کوچک‌تر شدن، آن را به مرز فروپاشی اقتصادی رسانده است.

در دهه‌های گذشته، رویه مصادره‌کردن‌های وحشتناک در سراسر ایران موجب شد که مافیای اقتصاد خصوصی دوران پهلوی به برآمدن مافیای اقتصاد خصوصی سپاه پاسداران منتهی شود. این نوع از مافیا، سیاست‌های کلان خود را بر مبدل ساختن جامعه به جامعه مستضعفان و پیاده‌کردن سیاست‌های شیعی - دینی بر روی آن با تبلیغات بسیار گسترده، قرار داده است. حکومت و بنیادهای هیولایی آن در قالب نهادهای شبه‌دولتی به مصادره کامل شریان‌های اقتصادی دست یازیده‌اند. با افزایش جمعیت، این نوع اقتصاد غارت‌گرا، جامعه را مستضعف‌تر ساخته و طبقات بر پایه سیاست مستضعف‌سازی ولایت شیعه سیاسی، مهندسی اجتماعی شده است. اقتصاد را بر پایه همان سیاست بنا کرده‌اند و عدول از آن، موجب نابودی و تصفیه‌ی گروه‌های مخالف می‌شود. در مقدمه‌ی قانون اساسی رژیم در خصوص امر اقتصاد آمده است:

«اقتصاد وسیله است نه هدف. در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.»

این درحالی است که آنچه در دوران سلطه نظام رخ می‌دهد، کاملاً برعکس موارد و موازین فوق‌الذکر

به بعد با افت شدید شاخصه‌های فقر و نابرابری در ایران روبرو بوده‌ایم و این شاخص‌ها با توجه به مفهوم «توسعه پایدار» نشان‌دهنده‌ی وجود بحران‌های ویرانگر است که باعث توسعه نامتوازن، فقر و نابرابری اقتصادی خلق‌ها و ملیت‌ها شده است. اعمال سیاست‌های منفی اقتصادی اساساً بخاطر ضدیت رژیم با آزادی ملیت‌های متکثری چون کوردها و بلوچ‌ها و غیره می‌باشد. همه اینها به ماهیت حوزه حکمرانی رژیم برمی‌گردد که در آن سپاه‌سالاری و پاسدارسالاری، حتی ماهیت نظام اقتصادی آن را نیز تعیین کرده است. هم اقتصاد و هم سیاست و قدرت بشدت پاسدارمحور است و سپاه‌پاسداران نوعی خلق‌ستیزی و ملیت‌ستیزی نسل‌کشانه با لایه عمدتاً فرهنگی، به راه انداخته است که اقتصاد و توسعه در آن، بخشی از آن نسل‌کشی را تشکیل می‌دهد. اساساً حکمرانی بیش از چهار دهه رژیم یک نسل‌کشی اقتصادی هم‌علیه کوردها هست. در کنار خلق‌ها و ملیت‌ها که از محرومیت اقتصادی و فقر و نابرابری در پی سیاست‌های نسل‌کشی رنج می‌برند، میزان مشارکت زنان در ساختار اقتصادی رژیم خاصه در تصمیم‌گیری و تولید و تجارت و کار بسیار نازل است. این امر یکی از دلایل عدم رشد اقتصادی و نابرابری است. درواقع توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی به دلیل ننگه‌داشتن زنان در درجه دوم اهمیت و یا در بسیاری موارد حذف آنها، منجر به بحران‌های اجتماعی شده. هراندازه اصولگراها در بدنه رژیم به قدرت بیشتری رسیده‌اند از حوزه سیاست گرفته

است. تعریفی که خمینی از اقتصاد داشت، اقتصادایران را به ورطه‌ی اقتصاد مافیایی سپاه و روحانیت افکند. خمینی در سال ۱۹۷۹ میلادی گفت: «اقتصاد مال خر است. مردم ما برای اسلام انقلاب کرده‌اند نه خریزه». بنابراین مشخص شد که یک قشر از زمامداران حکومت به این ذهنیت منحط مرتجع تعلق دارند و قشر دیگر صرفاً با هدف غارت منابع جامعه، وارد میدان شده‌اند. امروز با این اوصاف، می‌بینیم که سپاه پاسداران ایران بزرگترین مافیا و لویاتان اقتصادی است که بیش از ۷ هزار پیمان‌کار در سراسر کشور زیرمجموعه اش می‌باشد و یک شبکه‌ی بسیار گسترده در سراسر کشور از شهرها تا روستاها را در دست دارد و کسی حق تولید و تجارت خارج از دستور او را ندارد.

در سال ۲۰۲۴ اقتصاد ایران با تورم بسیار بالا و دلار بالای ۵۰ هزار تومان، به مرز سقوط کامل رسیده است. تنها کشوری است که دلار در آن دارای ۷ نرخ متفاوت است که موجب رانت‌خواری گروه‌های مافیایی و فرار از قانون واردات و صادرات شده است. این دولت با این وضع رانت‌خواری و سهم مافیاهای سالانه در مجموع به حدود ۱۰ میلیون نفر که نزدیک ۳۵ درصد شاغلان است، حقوق ماهیانه پرداخت می‌کند. در سال ۲۰۲۳ شاهد آن بودیم که در حق کارمندان و بازنشستگانش چه اجحافی صورت گرفته و شاهد تجمعات اعتراضی آنان بوده‌ایم. این درحالی است که دولت یک‌چهارم بودجه‌ی سالیانه‌اش را به پرداخت حقوق ماهیانه اختصاص داده است، اما اعتبارات (پول) لازم برای آن را ندارد، نرخ تورم بصورت رسمی ۴۵ درصد اعلام شده است اما بصورت حقیقی بیش از ۲۰۰ درصد است. جامعه‌ی ایران رابه فلاکت و افلاس انداخته است. این تورم ناشی از سوداگری و سودجویی در حوزه‌های مختلف از ارز گرفته تا طلا و خودرو و املاک است که در دست مافیای حکومتی است و خون جامعه را آشکارا می‌مکند. حقوق کارمندان متناسب با میزان تورم نیست و خط فقربا این سیاست نابرابری اقتصادی تعیین می‌گردد.

میزان فساد اقتصادی در ایران بر اساس ساختار مافیایی آن در سطح جهان هولناک است. مطابق آمارهای بین‌المللی، ایران با وجود تبلیغات دستگاه شیعه سیاسی، اما فساد اداری و مالی، آن را جزو بدترین کشورها قرار داده است. بنا به آمارها، از دهه ۷۰ ه.ش

میزان فساد اقتصادی در ایران بر اساس ساختار مافیایی آن در سطح جهان هولناک است. مطابق آمارهای بین‌المللی، ایران با وجود تبلیغات دستگاه شیعه سیاسی، اما فساد اداری و مالی، آن را جزو بدترین کشورها قرار داده است

تا اجتماع و اقتصاد، همه دچار ابربحران‌ها شده‌اند و میزان توسعه‌ی پایدار کاهش یافته است. همچنین گذشته از خلق‌ها و زنان، محیط‌زیست نیز در وضعیت مطلوب و سالمی قرار ندارد و در معرض خطر نابودی و انهدام قرار گرفته است. تخریب زیست‌بوم در ایران ناشی از سیاست‌های نظام است که هر ساله وضعیت آن بدتر می‌شود و به مرز فاجعه نزدیک شده است. آب وهوا و پوشش گیاهی و خاک بخاطر سیاست‌های ضداکولوژیک رژیم مدام در حال نابودی هستند و با توجه به افزایش جمعیت، در آینده نزدیک تحمل بحران‌های ناشی از آن، غیرممکن است.

با وجود این بحران‌ها، تنها کاری که رژیم در چند دهه گذشته کرده، این بوده که بنا بر سیاست‌های نابخردانه بجای اقدامات عملی کارساز در جهت رفع بحران‌ها تنها به سردادن شعارهای توخالی‌ای مثل «اقتصاد مقاومتی» بسنده کند که از حیث علمی و عملی غیرقابل اجرا است. در واقع اقتصاد مقاومتی رژیم به معنای عدم تغییر سیاست‌های آن در زمینه داخلی و خارجی برای رفع بحران‌ها است و می‌خواهد با این شعارهای دهن پر کن! به خیال خودش با نظام اقتصادی و سیاسی هژمونی جهانی مقابله کند که عواقب آن شکست و تیره روزی بیشتر مردم ایران است. هر سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه مجبور گردانده شده‌اند که اقتصاد مقاومتی را سرلوحه خود قرار دهند. تعیین اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله بر پایه‌ی اقتصاد مقاومتی کذب، مسلماً سبب بروز انفجارهای اجتماعی بخاطر نابودی معیشت و کسب و کارها و

بحران‌های عدیده است. بی‌شک انقلاب ژن، ژیان، آزادی در این اواخر ناشی از نزدیک‌تر شدن جامعه و حاکمیت ایران به مرز انفجار و فروپاشی است و این دوره کوتاه‌مدت مشخص نمی‌کند که کی به تحول ساختاری در این کشور منجر خواهد شد. با این وجود، جامعه تحمل نابودی معیشت خود و نظام اقتصادی را ندارد و مجبور به خیزش است.

امروزه در شبکه‌ی وسیعی از بحران‌ها و ابربحران‌ها بسر می‌بریم: بحران فقر و شکاف طبقاتی، بحران کم‌آبی و دیگر خطرات زیست‌محیطی، بحران رکود اقتصادی همراه با تورم کمرشکن، انواع بحران‌های مالی، بحران ناشی از فرار دایمی سرمایه از اقتصاد ایران، توأم با بحران مشروعیت و انسداد فضای سیاسی، بحران یأس و سرخوردگی و فروریزی حلقه‌های همبستگی اجتماعی و فرار نیروی کار و مهار و دارای دانش به خارج و بحران نابودی تجارت و اقتصاد ایران در دل بحران‌های حاد ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی. همگی در پیوند با یکدیگر و در مسیری شتابنده نویددهنده یک سقوط بزرگ هستند. ساختار اقتصادی موجود توان تداوم حیات ندارد، حاکمیت با فروپاشی اقتصادی - اجتماعی روبرو شده است، دولت همانند حکومت در درماندگی بسر می‌برد و این همه شکست، حکایت از شکل‌گیری جنبش انقلابی اجتماعی دارد که از سال گذشته تحت عنوان انقلاب ژن، ژیان، آزادی آغاز شده و این انقلاب ادامه خواهد داشت. اقتصاد بیمار و بحرانی، روابط قدرت اقتصادی را شکل می‌دهد و ایران از عواقب وخیم آن در حوزه خارجی و داخلی درمان نمی‌ماند. بی‌شک در وضع موجود و با سیاست‌های تنش آفرین خارجی، بحران‌های خارجی آوارشده بر اقتصاد ایران هم ادامه خواهد یافت و آینده‌ای تاریک برای حاکمیت در حال رقم خوردن است. دیگر مقولاتی چون برجام، نرخ دلار و یا سیاست اقتصاد مقاومتی، نجات‌دهنده حاکمیت نخواهد شد زیرا ساختار بطور کلی و کامل بیمار و بحرانی است و راهی جز تغییر ساختار وجود ندارد. انقلاب امروز جامعه ایران به اندازه‌ای که سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، بصورت یک بخش بزرگ هم، اقتصادی است و در حوزه‌ی تغییر ساختارین، در شرف رخ دادن است.

بی‌شک انقلاب ژن، ژیان، آزادی در این اواخر ناشی از نزدیک‌تر شدن جامعه و حاکمیت ایران به مرز انفجار و فروپاشی است و این دوره کوتاه‌مدت مشخص نمی‌کند که کی به تحول ساختاری در این کشور منجر خواهد شد. با این وجود، جامعه تحمل نابودی معیشت خود و نظام اقتصادی را ندارد و مجبور به خیزش است

زمان، زمان آزادیست

کله بیستون مختاری

محل مبارزات نلسون ماندلا بود. ماندلایی که ۲۷ سال در زندان رژیم آپارتایدی آفریقای جنوبی زندانی بود و بعد از راه‌اندازی کارزارهای بین‌المللی گسترده، از زندان آزاد شد. در ۱۱ ژانویه همان سال گروه مبارزات کورد در آفریقای جنوبی KHRAG و کنفدراسیون سندیکاهای آفریقای جنوبی COSATU کارزاری را راه‌اندازی کردند. عنوان این کارزار "زمان برقراری صلح عادلانه برای خاورمیانه و آزادی برای اوجالان فرا رسیده است"، بود. هدف از آغاز این کارزار این‌گونه اعلام گردید و در ادامه سازمان ملل متحد نیز وارد عمل شده و در همین رابطه نامه‌ای به آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته شد. در این نامه خواسته شده بود که در مقابل انزوای تشدید شده علیه امرالی، کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد CAT و کمیته منع شکنجه اتحادیه اروپا CPT لازم است سریعاً وارد عمل گردد و قواعد حقوقی همانند نلسون ماندلا در حق رهبر خلق کورد نیز مراعات و در نظر گرفته شود.

درخواست آزادی فیزیکی رهبر خلق‌های آزاده، عبدالله اوجالان در سال ۲۰۲۱ در ده‌ها کشور جهان، با حمایت‌های اجتماعی آغاز و در ادامه به مبارزه‌ای جهانی تبدیل گشت. سندیکای کارگران، نهادهای جوامع مدنی، سازمانهای جوانان و زنان، نمایندگان، هنرمندان، نویسندگان برای آزادی فیزیکی ایشان فریاد برآوردند که "زمان آزادی فرا رسیده است". این درخواست‌ها در صفحات بسیاری از روزنامه‌ها بازتاب گسترده یافت که آزادی رهبر آپسو برای صلح، برای دموکراسی و برای برابری و آزادی خلق‌های خاورمیانه چه معنای مهمی خواهد داشت.

آغاز مبارزات سال ۲۰۲۱ برای آزادی فیزیکی رهبر اوجالان از آفریقای جنوبی، میهن نلسون ماندلا کلید خورد. این کارزار به سرعت مرزهای اروپا و آمریکا را درنوردید و در آفریقا و استرالیا نیز گسترش یافت. چنین وضعیتی، حمایت‌های معنوی فراوان و مهمی را به کارزار "آزادی برای اوجالان" بخشید. چونکه آفریقای جنوبی میهن و

جامعه‌ای که در جغرافیای ایران با آن رو در رو هستیم، جامعه‌ایست کثیرالملل که باورهای گوناگونی را در بر گرفته است و دیدگاه‌های متفاوتی را شامل می‌شود. پس چنین جامعه‌ای سیستمی را می‌طلبد که دمکراتیک بوده و پاسخگوی مطالبات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این جامعه‌ی موزائیک‌گونه‌ی خلق‌ها باشد



چند روز پس از آغاز تلاش‌ها در آفریقای جنوبی، اتحادیه وکلای حقوق بشر دموکراسی جهانی ELDH، نشست جهان‌نویس NWS و ائتلاف دفاع از حق و آزادی بین‌المللی AIDL، اعلام کردند که از این کارزار حمایت خواهند کرد. ایالت باسک، بلژیک، بلغارستان، آلمان، انگلستان، فرانسه، یونان، ترکیه، ایتالیا، مقدونیه، روسیه، صربستان، سوئیس، اسپانیا و اوکراین همگی از جمله کشورهای عضو اتحادیه وکلای حقوق بشر دموکراسی جهانی هستند. که به کارزار پیوسته و همچنین نشست جهان‌نویس نیز در سطح جهانی، مبارزات و تلاش‌های سیاسی و هنری را پیگیری کرد. این جوامع و سازمان‌ها با توجه به شرایط موجود به این نتیجه رسیده بودند که برای هر اقدام و عملی در مورد چاره‌یابی مسئله‌ی کورد بایستی متکی به فکر و اندیشه بود، همان اندیشه‌ای که ایجاد یک جامعه دموکراتیک را طلب کند. این اندیشه و فکر همان تفکر رهبر آپو است. و مبین آن است که با فکر، فلسفه و پارادایم جامعه‌ی دموکراتیک رهبر آپو خلق‌های ساکن خاورمیانه می‌توانند به یک پروژه مشترک دست پیدا کنند. تا پایانی باشد بر مصائب و معضلات نظام سرمایه‌داری جهانی، در تقابل با این خیر؛ نیروهای شر از خیلی پیشتر به میدان آمده بودند. نیروهای توطئه‌گر زمانی که رهبر آپو را دستگیر کردند، تلاش کردند تا ایشان را بی‌تاثیر و خنثی سازند. اما رهبر آپو در مقابله با توطئه بین‌المللی ایستادگی کردند، هدف توطئه را درک کرده و در مقابل آن مقاومت کردند. به صورتی که پس از آن پارادایم سوسیالیستی نوینی را بازسازی نمود. برای نیروهای سوسیالیست و بشر دوست، پارادایم جدیدی را بنیاد نهاد. همین مسئله تاثیر مهمی را به دنبال داشته و اهمیت آن امروزه بیشتر نمایان گشته و روزبه‌روز بیشتر درک می‌شود. اگر امروز در تمام جهان برای آزادی فیزیکی رهبر آپو کارزارهایی راه‌اندازی شده و دامنه‌ی آن هر لحظه افزایش پیدا می‌کند، سبب آن آلترناتیو و پارادایم نوین و جهانی‌ای است که ایشان مطرح کرده اند.

رهبر آپو در پارادایم سوسیالیستی دست به نوسازی زدند. برای حل و همچنین چاره‌یابی مسائل دموکراسی و آزادی، خط مشی جدیدی را مطرح نمودند و اینک؛ اینان همان کسانی که در کارزارهای آزادی فیزیکی مشارکت گسترده دارند، همان کسانی هستند که این پارادایم جدید را درک نموده و بیش از پیش از آن حمایت می‌کنند و به همین دلیل کسانی که رهبر آپو را به اسارت فیزیکی گرفته‌اند، در هر صورت نمی‌توانند مانع از آزادی ایشان شوند. در نقطه‌ی مقابل نیز دولت ترک و توطئه‌گران بین‌المللی با برخورداری از پشتیبانی برخی از حامیان

خارجی و داخلی خائن، برای ممانعت از این کارزار دست به تلاش‌هایی زده‌اند.

اما اینک مهم این است که این کارزار کدام اهداف را دنبال خواهد کرد. آزادی فیزیکی رهبر آپو، پایان دادن به فاشیسم در کوردستان، مقاومت در برابر حملات اشغالگرانه‌ی دولت‌های حاکم بر بخش‌های مختلف کوردستان و متوقف نمودن این حملات از جمله اهداف در این کارزار انقلابی شمرده می‌شود. این کارزار از ابعاد ایدئولوژیکی، سیاسی، فرهنگی و عملی ویژه و مختص به خود برخوردار است. کارزار در این بعد، تاریخی، گسترده و عمیق است و تاکنون نیز دستاوردهای زیادی داشته است. از جمله اینکه این کارزار توانسته است توطئه‌های دولت ترکیه را که تلاش کرده است به وسیله حاکمیت آ.ک.پ/م.ه.پ عملی کند، خنثی کند و ضربه‌ی سهمگینی بر توطئه‌های آنان وارد آورد. اگر امروزه نقاب از چهره آ.ک.پ/م.ه.پ در سطح جهانی برداشته شده است از نتایج این مبارزات است.

اگر فضای رعب و وحشت ایجاد شده توسط اشغالگران در جامعه‌ی کوردستان در هم شکسته شده و در مقابل حاکمیت واکنشی اجتماعی شکل گرفته است و اگر خلق در برابر سیستم نسل‌کشی و آپارتاید دولت - ملت‌ها با صدایی بلند، با شجاعت و روحیه‌ی قوی به پا خاسته، نتیجه‌ی این مبارزات است.

در اینباره انتظاری بیشتری به ویژه از ایران و روژهلان کوردستان به دلیل داشتن پتانسیل عظیم جامعه‌ی روشنفکری می‌رود تا همسو با جامعه‌ی جهانی و دیگر بخش‌های کوردستان به مسئولیت تاریخی، اخلاقی و دموکراتیکی خود عمل کرده و در این کارزار مشارکت ارزنده‌ای داشته باشند. چرا که جامعه‌ای که در جغرافیای ایران با آن رودرو هستیم، جامعه‌ایست کثیرالملل که باورهای گوناگونی را در بر گرفته است و دیدگاه‌های متفاوتی را شامل می‌شود. پس چنین جامعه‌ای سیستمی را می‌طلبد که دموکراتیک بوده و پاسخگوی مطالبات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این جامعه‌ی موزائیک‌گونه‌ی خلق‌ها باشد. در این راستا باید هر پروژه‌ای که ارائه می‌گردد در راستای چنین مهمی باشد و اینگونه پایه‌های پروژه‌ی دموکراتیک ایجاد گردد و آنرا به سر منزل نهایی برساند. ارائه‌ی راه‌حل چاره‌یابی دموکراتیک همان مسئولیتی است که رهبر آپو بر دوش آزادی‌خواهان در ایران و روژهلان کوردستان نهاده و این بایست محرک و کاتالیزوری باشد برای مشارکت روشنفکران ایران و کوردستان در کارزار آزادی فیزیکی برای رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد. زیرا در این برهه از زمان و انقلابی که با فلسفه و شعار زن، زندگی، آزادی در ایران بر پا گشته

است. همان برساخت دموکراسی که رهبرآپو آن را با نام چاره‌یابی مسئله‌ی کورد و صلح جهانی ارائه داده است. لیکن می‌طلبید که در بحبوحه انقلاب "زن زندگی، آزادی"، مسائل ملت‌های ایران و شرق کوردستان چاره‌یابی گردد و این میسر نمی‌شود مگر با الهام گرفتن از پروژه کنفدرالیسم و ملت دموکراتیک که توسط رهبر آپو ارائه گردیده است که این با توجه به وجود نیروهای مدافع مردمی حتی فراتر از دیگران توان دفاع نظامی مشروع و برحق از جامعه را نیز داراست. پروژه دموکراتیک نمایانگر شفاف تهدیدها و فرصت‌ها و دربرگیرنده پروژه برای «مردم و خیابان» و مخاطب قراردادن طرف‌های خواستار حل مسئله است. فلسفه آپوئیسم آزادی زنان و ملت‌ها را بنیان قرار داده و وظیفه‌اش احیای جامعه است. فلسفه‌ای که اتحاد ملت کورد و دیگر ملت‌های آزادی‌خواه را خواستار بوده تا فرم اجرای آن در ایران نقش سیاسی - دموکراتیک ایفا نماید. میان هیچ موجودیت سیاسی، ملی، دینی و نژادی تبعیض قائل نشده و حتی در احیای جامعه آنها را سهمیم می‌دارد.

امروزه جامعه‌ی ایران و شرق کوردستان بیش از پیش به آزادی نزدیک شده‌اند و این وظیفه‌ی جامعه‌ی روشن‌نگر و آزاده است که با از دست رفتن فرصت کنونی مقابله کند.

در همین راستا چندیست که مرکز مطبوعات حزب حیات آزاد کوردستان - پژاک، به عنوان پیشاهنگ اجرای تفکرات رهبرآپو در ایران به منظور آگاهی‌بخشی بیشتر در ایران و روزگلات کوردستان اقدام به چاپ و نشر مجموعه کتاب "برساخت حیات آزاد؛ دیالوگ‌هایی با اوجالان" کرده‌است. این کتاب حاوی مجموعه مقالاتی از نویسندگان، متفکران و انقلابیون جهانی است تا در مورد افکار رهبر آپو نظرات خود را بیان دارند و فضای دیالوگ حول اندیشه‌های رهبر آپو شکل بگیرد. این مقالات برای نخستین بار، واکنش‌های مکتوب به نوشته‌های زندان رهبر آپو را گردآوری نموده و شماری از آکادمیسین‌ها، نویسندگان و انقلابیون را که به اندیشه‌های وی علاقه‌مند هستند یا از تفکرات وی الهام گرفته‌اند، دورهم گرد آورده است.

ترجمه این مجموعه به زبان‌های مختلف، تلاشی است برای گسترش و ژرفابخشی هرچه بیشتر به دیالوگ موجود. امید است که اثر حاضر دیوارهای زندان را نیز درنوردد، چراکه حصر و انزوا ی شدید اعمال شده بر زندان جزیره امرالی، اندک مجالی برای دیالوگ با رهبر آپو برجای نگذاشته است.

بدنبال آغاز کارزار بین‌المللی "آزادی فیزیکی برای رهبر آپو، چاره‌یابی مسئله‌ی کورد"، ارائه‌ی این اثر در راستای این کارزار بوده و پژاک باور دارد که با مبارزه در همه‌ی

در اساس تعریفی اینگونه دارد که خلق‌های ایران بنا به خصائص تاریخی‌شان در جستجوی رسیدن به حقیقت‌اند. به ویژه در میان خلق‌هایی که تا به امروز تحت ستم قرار گرفته‌اند جستجوی بیشتری در این راستا دارند. این حقیقت نیاز به ساختار بندی داشته و باید از حالت مجازی بودن خارج گردد. این ساختاری است که رهبر آپو آنرا تعریف نموده‌اند و بایست آن را فهمید؛ جامعه پذیرای چگونه ساختاری است. حقیقتی که می‌تواند جوهره‌اش را در ساختار خودمدیریتی دموکراتیک، منعکس دهد که این مدل با حقیقتی که در جوهره‌ی خود داراست، قادر است که هر کسی را در آغوش گیرد. بدین خاطر نیز بنا بر پارادایم نوین، تمام نیروهایی که خارج از ایران‌اند و حتی داخل ایران که حاکمیت را در دست دارند باید بدانند که دیدگاه‌شان در قبال خلق و دموکراسی اشتباه است و باید چنین دیدگاهی اصلاح گردد. چرا که در این روزگار فرم‌های اجتماعی غیر قابل انکارند، بدین معنا که امروزه؛ فرم‌های خلق، قوم و ملت، فرم‌هایی اجتماعی‌اند که به شناسه‌ای اجتماعی بدل گشته‌اند. این در حالیست که در داخل ایران این فرم اجتماعی مورد انکار واقع می‌گردد، بسیاری از احزاب که خود را اپوزیسیون قلمداد می‌کنند، شناسنامه‌ی اجتماعی را انکار می‌کنند. بدین معنا که در داخل ایران تنها خلق حاکم به عنوان خلق معرفی می‌گردد و خلق‌های دیگر بنام قوم تعریف شده و در شمار اقلیت قرار می‌گیرند. چنین منطقی، منطق و ذهنیتی غیردموکراتیک است. زیرا که خوانش باید بصورتی صحیح تعریف گردد. جغرافیای موجود ایران، جغرافیای اشتراکی تمام خلق‌هایی است که در آن ساکن‌اند و بدون هیچگونه تبعیض، حق هر ملتی است که از تمام حقوق طبیعی خود که شناسه‌ی وی است، برخوردار گردد. لیکن محرز است که در جغرافیای ایران، چنین حقوقی مراعات نمی‌گردد. خلق کورد بسان قومی قلمداد می‌گردد و جزء اقلیت‌ها به شمار می‌آید و شناسه‌ی خلق بودن‌اش را انکار می‌کنند. با چنین دیدگاهی خلق‌های دیگر ایران از جمله لر، عرب، آذری، بلوچ، مازنی و گیلک در حاشیه قرار گرفته و همزمان اصطلاح دموکراسی در ایران با شناسه‌ی غربی تعریف می‌گردد.

با این تفاسیر که انقلاب از استراتژی، ایدئولوژی و پارادایم برخوردار بوده و بنا به پیامی که در خیزش خلق‌ها وجود دارد، لازم است که مفاهیم مان را از نو باز تعریف نماییم. کسانی که ارائه دهنده‌ی پروژه هستند، باید اصطلاحاتی مانند خلق و ملت را دوباره تعریف نمایند. قادر باشند که به دیدگاهی مشترک در موضوع خلق، ملت و دموکراسی برسند. همان دموکراسی‌ای که معنایش خودمدیریتی خلق



لیکن می‌طلبد در بحبوحه انقلاب "زن زندگی آزادی" مسائل ملت‌های ایران و شرق کوردستان چاره‌یابی گردد و این میسر نمی‌شود مگر با الهام گرفتن از پروژه کنفدرالیسم و ملت دموکراتیک که توسط رهبر آپو ارائه گردیده است

برای کوردها هم از لحاظ خصوصیت تاریخی و جغرافیایی و هم از لحاظ خصال ویژه‌ی آن‌ها، مناسب‌ترین فرم‌یابی سیاسی است. از این نقطه نظر، کنفدرالیسم دموکراتیک جامعه کوردستان به منزله‌ی مناسب‌ترین امکان چاره‌یابی، ایفای نقش می‌نماید و چنان معنایی را نیز خواهد داشت. ایفای چنین نقشی هم برای حل معضلاتی است که به واسطه‌ی ساختارهای دولت - ملت قاطع از همه طرف جامعه را به محاصره درآورده‌اند و هم برای وارد نشدن به محیط آکنده از معضلاتی که از طریق روی‌آوری به ساختار مادی دولت - ملتی کوچک و ناچیز بوجود می‌آیند.

کنفدرالیسم دموکراتیک فرمی است که در آن عرب‌ها، تورک‌ها، ایرانیان، کورد، ارمنی، رومی، یهودی، نژادهای قفقازی، اتنیسیته‌ها و تمامی مذاهب و ادیان که در جنگ‌های دولت - ملت (ناشی از مدرنیته‌ی کاپیتالیستی) در میان موزاییک خلق‌های خاورمیانه نابود گشته، دچار قتل‌عام نژادی شده و تمامی اتوپیاهای حیات آزادشان به سبب فشار و استثمار از میان رفته است. همچنین اجتماعاتی با ریشه‌ی اروپایی که از حقوق دموکراتیک و حقوق بشر محروم‌اند، مجدداً به قداست‌های خویش و آشکال حیات آزاد و دستاوردهای مادی شان نائل می‌آیند و در این راستا خاورمیانه در حکم الگویی پیشاهنگ است.

عرصه‌های اجتماعی، و در این مورد در حوزه‌ی کارهای تئوریک می‌توان گام‌های استواری برداشت. بایستی باور داشت که پتانسیلی بزرگ به همراه مسئولیت اخلاقی و دموکراتیک روشنفکری در ایران و روزهلات کوردستان و همراه شدن اینان با جامعه‌ی روشنفکر جهانی ضمن گام نهادن در مسیر آزادی برای رهبری، در کنار حل مسئله کورد، پیام آور صلح و آشتی در کوردستان، خاورمیانه و سرتاسر جهان است.

در پایان و با مخاطب قرار دادن خلق کورد بایستی متذکر شده که اگر نقش کوردها در این دوره‌ی نوین درگیری و کائوس در خاورمیانه، تنها تعبیر به مزدوری گردد، نقضی بزرگ است. اکثریت قریب به اتفاق کوردهایی که بیشترین عطش را برای "حیات آزاد" دارند، برای فرو نشاندن این عطش، همیشه در انتظار پیشاهنگان خویش که حامل معنایند به سر خواهند برد. این اجتماع، هم قالب‌های حیات قرون وسطایی را که مدت‌هاست فرسوده شده‌اند، به سرعت ترک می‌گوید و هم به قالب دولت - ملتی ناچیز که به مثابه‌ی پایه‌ی مدرنیته‌ی کاپیتالیستی به آن‌ها ارائه شده و شانس حیات را به هیچ خلقی نمی‌دهد، التفات چندانی نخواهد نمود.

شکل مدیریت کنفدرال دموکراتیک که بیشترین شانس دستیابی به ایده‌آل‌های برابری و آزادی را فراهم می‌آورد،

مقاومت زندگیست

سربست چیا



مقاومت

مقاومت مصدر فعل 'قَوَمَ' " از باب مفاعله است (قاوم یقاوم مقاومه) و به معنای پایداری و استقامت در برابر تباهی و زوال و نابودی است. چنانکه گفته می‌شود این خانه در برابر زلزله مقاوم است. در فرهنگ آپویی مقاومت به معنی مقابله و ایستادگی در برابر حذف، انکار، نابودی، ژینوساید، آسیمیلیسیون، بردگی، سلطه گری و سلطه پذیری، اسارت، فرد گرایی، جامعه گریزی و جامعه ستیزی، تبعیض، بی عدالتی، جنسیت گرایی، نژادپرستی، علم گرایی، ملی گرایی و دولت گرایی و سرمایه داری است. آرکی تایپ (کهن الگو) مقابله و مقاومت در برابر هیرارشی دولت - ملت ها (تمدن) و نظام خدایگان - بنده و ترجیح و انتخاب حیات سحرانگیز و سرشار از اشتیاق و حرکت و جنبش آزاد در قالب زندگی دموکراتیک را می توان از اساطیر و تاریخ و ادبیات دیرسال و باستانی کوردها - که از سوی فاتحان مورد دستبرد، رد وانکار و دستکاری و تحریف و استحاله قرار گرفته است - پی گرفت. در اساطیر و روایات کوردی با اولین نمونه‌ی این برخورد و مقاومت روبرو می شویم آنگاه که یکصد و چهار

بررسی و تحلیل پدیده‌ی انسانی - اخلاقی مقاومت که عمری به درازای عمر انسان و اولین اجتماعات بشری دارد، مستلزم مطالعه و پژوهشی در زمانی - همزمانی است. یعنی مطالعه‌ی مقاومت چونان پدیده‌ای در گذر زمان یا همان نگاه تبارشناسانه به آن و مقاومت به عنوان پدیده‌ای در مقطع زمانی خاص، در غیر این صورت پژوهش ما یا به سوی میکرو تاریخها و در رأس آن تاریخ‌های ملی گرایش پیدا می کند که نتیجه‌اش تقابل و تضاد با ماکرو تاریخ جهانشمول و از بین رفتن کلیت حقیقت است و یا با گرایش محض به رویکرد کلی گرا سبب نادیده انگاشتن میکروتاریخ (رویداد، پدیده و رابطه) و فروپاشی و ازهم گسیختگی کلیت واقعیت می شود. صحیح تر آن است که بتوان رویکردهای کلی و جزئی را همانگونه که در واقعیت روی داده به صورت توأمان و دیالکتیکی تحلیل کرد. در این نوشتار با چنین رویکرد و متدی به تحلیل و بررسی مختصر و اجمالی مقاومت و مقابله‌ی اتنیسیته‌ها و خلق‌های زاگرس در برابر جنبه‌ی استثمار و استعماری تمدن پرداخته خواهد شد.

مه (تمامی میراث مادی و معنوی زندگی) ایزد بانوی کوهستان نین خورساک، توسط انکی؛ خدای مرد غاصب نیرنگ باز سومری مصادره شد که بعدها از سوی اینانا الهی شهر اوروک از او مطالبه شد. اینانا اسطوره‌ای که درون مایه‌اش جنبش و مقاومت فرهنگ اجتماعی زن- مادر در برابر تمدن (سیستم برده داری) است. همچنین در اسطوره‌ی هومبابا «خومبابا» نگاهبان جنگل سدر در سرزمین‌های مرتفع شمال و شرق سومر، یعنی کردستان- که نماد و سمبل مقاومت و پایداری در برابر یورش استعماری امپریالسم سومری به رهبری گیلگمش وانکیدو است. نمونه‌ای تپیکال از رابطه‌ی امپریال و مستعمره که به طرز هنری و درعین حال عبرت آموز بر جای مانده. چیزی که تاریخ و تاریخ نویسی کلاسیک و مدرن کاملاً از آن بی بهره است. ژرف ساخت و درون مایه‌ی این اساطیر مقاومت برای حفظ حیات مساوات طلبانه و مسالمت آمیز و آزاد جامعه‌ی نئولتیک در برابر سیستم برده داری و استثمار دولت - شهر سومری به فرمانروایی گیلگمش است.

تاریخ مقاومت

قبایل و عشایر زاگرسی به عنوان نظام‌هایی خارج از حوزه‌ی اقتدار و سلطه‌ی حکومت مرکزی در طول تاریخ به حیات دموکراتیک خود ادامه می‌دادند برای همین با لشکرکشی‌های مستمر نظام‌های سلطه‌گر در راستای غارت و به بردگی کشانده شدن شان مواجه بودند. قبایل و عشایر نیز در نزاع و شورش و طغیان دائمی بودند، این جنبش‌های آزادی‌خواه شورشگر به موازات نظام‌های تمدنی استیلگر در طول تاریخ حضوری زنده و فعال و پرشور داشته‌اند و از همین روی در جهت تخریب مقاومت و آزادی خواهی قبایل در طول تاریخ همواره از آنان با عنوان بربر یاد شده است. در حالی که قبیله با ماهیت ضد تمدنی (سیستم‌های برده‌داری و استعمارگری) اش، نیروی محرکه‌ی تاریخ بوده و همیشه دارای ساختار بندی‌های آزاد و برابری خواهانه‌ی جامعه‌ی دموکراتیک بوده. قبیله سرچشمه‌ی پایان ناپذیر کمونالیسم دموکراتیک بوده است.

در مورد نقش و فانکسیون قبایل (ایلات و عشایر) مسئله‌ی اساسی، قرار داشتن در چارچوب

نظام یا مخالفت با نظام مطرح است. با افزایش جمعیت، قبایل دچار بحران می‌شدند و هر قبیله به دو بخش کاملاً متفاوت انشقاق می‌یافت، بخش محروم و پایینی قبیله که همچنان بر آزادانه زیستن خویش اصرار داشت و تا پای جان بر سر آن می‌ایستاد و مقاومت می‌کرد و بخش دیگر با ترجیح عناصر هیرارشیک نظام طبقاتی با اقدام و ظهوری ایدئولوژیک؛ خود را به عنوان جامعه‌ی دولتی جدید سازماندهی می‌کرد، تلاش حکومت‌ها و نظام‌های سلطه و استیلگری انحلال و ذوب این جنبه‌ی بارز و برجسته‌ی ایلات و عشایر بوده است از حذف و انهدام فیزیکی گرفته تا آسیمیلیسیون و ژینوساید فرهنگی در ایران بویژه با روی کار آمدن رضا پهلوی این پروژه شتاب بیشتری به خود گرفت سیاستی بود که از جانب استعمارپیر (انگلیس) بر دول حاکم برجوامع خاورمیانه دیکته شده بود برای ازمیان برداشتن فرهنگ مقاومت و در پی آن غارت و چپاول منابع طبیعی و ایجاد بازار مصرف کالاهای کارخانجات انگلستان و دیگر دول استعمارگر اروپایی.

از شش هزار سال پیش تاکنون تهدید کولونی سازی (مستعمره ساختن) و اجرای آن بر مزوپتامیای علیا یعنی هرچهاربخش کوردستان و خلق آن وجود داشته است، سومری‌ها به مردمان ساکن کوهستان‌های شمال و شرق قلمروشان (کوردستان) کورتی می‌گفتند به معنای خلق کوهستانی. کورتی‌ها (یاهمان هوری‌های دورانهای بعدی) در برابر فرهنگ تمدنی سومری‌ها همیشه در حال مقاومت بوده‌اند این مسئله را می‌توان از خلال روایت‌های میتولوژیک بر جای مانده از آن دوران‌ها بویژه در اسطوره‌ی نین هورساک (نین خورساک) ایزد بانوی کوهستان به خوبی و روشنی دریافت. همچنین داستان گیلگمش ماهیتا بیانگر مبارزه‌ی کورتی‌های مقاوم در راه آزادی و حفظ موجودیت خویش در برابر تمدن برده داری سومراست. هوری‌ها اجتماعی بودند که از اواخر چهارمین دوره‌ی یخبندان به این طرف در مزوپتامیای علیا یعنی کردستان امروزی زندگی کرده و در پیشبرد انقلاب نوسنگی نقش بسزایی داشتند، میراث دوازده هزارساله‌ی "خراب رشک" - گوبکلی تپه- در حوالی اورفا مدرکی قوی و مستند است برآنانیک (ریشه دار) بودن هوری‌ها؛ خلقی متکی بر نظام قبیله‌ای و دارای فرهنگی بسیار

خاندانی و تشکیل کنفدراسیون ماد، به انجام رسانید. موجودیت فرهنگی کوردها بعد از ظهور اسلام با کشتار و ویرانگری اسلام سلطنتی خاندان اموی و مروانیان روبرو گردید. حجاج یوسف عامل و کارگذار سفاک مروانیان به قتل عام وسیع کوردها پرداخت و طیف مزدور کورد به خدمت آنها درآمدند و به تدریج از طریق آسیمیلاسیون داوطلبانه عرب شدند. بین سده‌های هفتم و دهم میلادی یک طبقه‌ی کورد فرادست بسیار نیرومند ولی مزدور تشکیل شد که در میان زبان و فرهنگ آریستوکرات عرب ذوب گشت و با آن امتزاج یافت و در پی دستیابی به قدرت از نظرمذهبی سنی شدند که به معنای اسلامی شدن سطحی آنان در هیرارشی قبیله بود. بیگ‌نشین‌های کورد در قرون وسطی اکثراً به مذهب سنی گرویدند. گروه دیگری کوردهای آزاد و دموکراتیک در برابر موج حملات فاتحان فاشیست

سنت زردشتی در تحقق موجودیت کوردها نقش مهم و برجسته‌ای دارد. آیین زردشتی با گذار از ساختارهای توکمیک موجود در فرهنگ قبیله‌ای؛ توانست بر مبنای اعتقاد و اخلاق، اتحادیه‌ی وسیعی از قبایل پروتو- کورد ماد به وجود بیاورد. اهمیت آیین زردشتی در حکم یک انقلاب ذهنی و معرفتی در آن بود که توانست برای حل بحران جامعه‌ی قبیله‌ای رهیافتی دموکراتیک بیابد و آن را به کار گیرد

قدیمی و پیشرفته. قبایل هوری به سبب فشاری که به تدریج رو به تزاید بود در دوره‌ی ۴۰۰۰ الی ۳۰۰۰ ق.م در مسیر تکامل و پیشرفت سیاسی روی به عشیره‌ای شدن نهادند، گذار به فرم عشیره راهکاری بود در جهت دفاع و مدیریت مشترک. قبایل هوری با اتکا بر کوه‌های زاگرس پیوسته در برابر تمدن (نظام برده داری) مقاومت از خود نشان می دادند و «گوتی» ها به عنوان اولین الگوی ساختار کنفدراتیو قبایلی با ریشه‌ی زاگرسی توانست در برابر سومری ها به پیروزی برسد. هوری ها که در دوره‌ی آشوری ها بدان‌ها ماد و بیانیلی خطاب میشد، همیشه لزوم مقاومت در برابر هجوم بنیان فکن آشوری ها را احساس می کردند، اتحادیه‌ی این قبایل توانست در سال ۶۱۲ ق.م امپراتوری امپریالیستی آشور را شکست دهد، مقاومت این قبایل در منتهی الیه شرقی مرزهای اورارتو به مدت سیصد سال ادامه داشت. سرانجام کنفدراسیون مادها در سال ۵۵۰ ق.م با خیانت داخلی و بدست پارس‌ها از میان رفت. مقاومت و حملات تیره‌های قبایل در دوران پارس - ساسانی در سلسله کوه‌های زاگرس-تورس مستمر بود. با اشاعه‌ی اسلام هسته‌های مقاومت خلقی «هوری -مادی» برای اولین بار با عنوان کورد در تاریخ ظهور می کند. با شکست ساسانیان و دولت بیزانس خط مقاومت و خیانت کوردها نیز شکل می گیرد و به موازات هم تا روزگار حاضر جریان می یابد. قشر سنتی مزدور در ازای امارت (حاکمیت) بیگ نشینهای کوچک تحت انقیاد و گوش به فرمان خاندان‌های اموی و عباسی و سلجوقی و عثمانی و صفویان و... قرار گرفتند. واقشار محروم کورد، خارج از هیاهوی تمدن (سیستم های برده‌داری و استعمارگری) باقی ماندند و با مقاومتی مثال نزدنی در پی تداوم موجودیت خویش برآمدند.

سنت زردشتی در تحقق موجودیت کوردها نقش مهم و برجسته‌ای دارد. آیین زردشتی با گذار از ساختارهای توکمیک موجود در فرهنگ قبیله‌ای؛ توانست بر مبنای اعتقاد و اخلاق، اتحادیه‌ی وسیعی از قبایل پروتو-کورد ماد به وجود بیاورد. اهمیت آیین زردشتی در حکم یک انقلاب ذهنی و معرفتی در آن بود که توانست برای حل بحران جامعه‌ی قبیله‌ای رهیافتی دموکراتیک بیابد و آن را به کار گیرد. این مهم را با بخشیدن هویتی مشترک و والا به تمام قبایل مادی و گذار از اتحادیه‌های کوچک و



انجمن های یاری یا همان عیاران در تمامی دورانهای اسلامی و تا عصر حاضر در بیشتر شهرها و بلاد امپراتوری اسلامی حضوری پر رنگ و تأثیر گذار داشتند. وجود خوارج درمراکز دور از خلافت اسلامی مثل بلوچستان و یمن و عمان ضربات مهلکی بر پیکردستگاه ظلم و جور فاسد خلافت و دیگر امارت‌های فرمانروایی وارد آورده بود

تسلیم نشدند و طبق عادت مألوف به بلندی‌ها و اعماق کوهستان پناه بردند و زمانی بس دراز به مقاومت مستمر و رادیکال خود ادامه دادند. علویان و زردشتیان، یارسان، ایزدیان نمونه‌ی بارز این کوردهای آزاد بودند، علویان به فرهنگ قبیله‌ای و عشیره‌ای خویش پایبندی ریشه‌ای و عمیقی نشان دادند و به همین خاطر اذیت زبان و فرهنگ شباهت بیشتری به هوریان پنج هزارساله دارند تا به ساکنان امروزی کوردستان، جناح دیگر مقاومت در برابر اسلام دولتی - سلطه‌گر؛ زیدیه، علویان طبرستان، عیاران، فتیان و جواهردان، اسماعیلیه، خوارج، و صوفیان قادریه، نقشبندیه، صفویه نمونه‌های برجسته‌ی این جناح مبارز و مقاومند. در واقع تصوف نماینده‌ی اسلام جامعه‌گرا و دموکراتیکی بود که با قدرت و مراکز قدرت سرسازش و میل اطاعت نداشت. پیوند این طریقت‌ها و متصوفه با فتیان و جواهردان و عیاران (یارپها؛ گروه‌های یاری (ملجا و پناه‌گاهی برای خلق‌های تحت ستم شده بود در حقیقت این طریقت‌ها در حکم سازمان‌های دفاع ذاتی خلق به شمار می رفتند. انجمن های یاری یا همان عیاران در تمامی دورانهای اسلامی و تا عصر حاضر در بیشتر شهرها و بلاد امپراتوری اسلامی حضوری پر رنگ و تأثیر گذار داشتند. وجود خوارج درمراکز دور از خلافت اسلامی مثل بلوچستان و یمن و عمان ضربات مهلکی بر پیکردستگاه ظلم و جور فاسد خلافت و دیگر امارت‌های فرمانروایی وارد آورده بود. بنابراین در قرون وسطی به رغم تمامی

اشغالگری‌ها و استعمار و آسیمیلاسیون فاتحان عرب و فارس و ترک. کوردها به سمت اجتماعی شدن خیز برداشته بودند. هم جامعه‌ی قبیله‌ای و هم جامعه‌ی جماعت محور در مسیر جامعه‌ی قومی پیش می رفت. مسائلی که سربرآوردند ناشی از قدرت و دولت هیرارشیک بود که برای تمامی جوامع مصداق داشت. علی رغم تمامی یورشگری‌ها و اشغالگری فاتحان، مقاومت کوردها همچنان به گونه‌ای لاینقطع ادامه داشت می توان گفت در طی کردن قرون وسطی جامعه‌ی کورد از بسیاری از جوامع آن روزگار پیشروتر بود و به همان نسبت نیز در برابر مسائلی که با آنها مواجه می شد راه‌حل‌هایی می یافت و حتی در زمینه‌ی حل مسائل پیشاهنگ بسیاری از جوامع بود. کوردها دیگر در موقعیت تنازع برای بقا و حفظ موجودیت و یا بهبود شرایط بردگی نبودند. آنها اینک در بزنگاه دفاع ذاتی جامعه و مبارزه جهت تداوم آزادانه‌ی حیات خویش قرار داشتند.

در عصر کاپیتالیسم اما اوضاع برای کوردها به شکل باژگونه‌ای رقم زده شد. خلق کورد چون نتوانسته بود دَرَکات (طبقات جهنم) دوزخ سرمایه داری را طی کند و حیات فرهنگی اش را قربانی تمدن گراییی دولت - ملت نکرده بود و به جنون و سرسام صنعت و ماشینیسم مبتلا نشده بود از همه طرف مورد حمله و هجوم اشغالگری و آسیمیلاسیون و نسل کشی دولت - ملت های حاکم و سیستم مدرنیته‌ی سرمایه‌داری قرار گرفت. می بایستی به هر نحوی که شده (ژینوساید فیزیکی و فرهنگی) موجودیتی به نام کورد از صحنه و صفحه‌ی روزگار محو شود و این اصل به عنوان سیاست کلی نظام سرمایه داری به تصویب رسیده بود و دولت - ملت های حاکم منطقه ملزم به اجرای آن شدند. چرا که کوردها وارد سیستمی که در آن دولت - ملت، تکامل یافته ترین شکل الوهیت و شهروند پیشرفته ترین بندگی است، نشده بودند و بیم آن می رفت که مدل و الگوی دیگر خلق‌ها و جوامع گردد. در این دوران مقاومت و جنبش‌های کوردی به لحاظ ایدئولوژیک، سازمانی و عملی مطابق با معیارها و شاخص‌های ملی و طبقاتی مدرن برنامه‌دار و پروژه‌ای نبود. دویست سال اخیر کوردستان متلاطم و خونین سپری شد. سال‌هایی پر از عصیان و شورش که با ارتش‌ها و دولت - ملت‌های که مدرن شده بودند به خاک و خون کشیده شد. با اقداماتی نظیر تنظیم دوباره‌ی

برای اولین بار تجربه می شد. هویت کوردی در معنای معاصر آن مرده بود.

تولد دوباره

در دورانی که فرمان مرگ کوردستان و کورد بودن صادر شده بود. با رستاخیز طبیعت درنوروز سال ۱۹۷۳ بزرگترین جنبش رهایی و مقاومت کوردی تاریخ نیز از دخمه‌های فراموشی و اغما سر برآورد. گروهی شش نفره در این بهار کوردی جاویدان دست به تشکیل گروهی دادند که به زودی مرزهای ناحیه‌ای و منطقه‌ایش را درنوردید و امید رهایی جهانی به انقیاد درآمده شد گروهی ایدئولوژیک حول رهبرآپو شکل گرفت. با شهادت حقی قرار در سال ۱۹۷۷ (نزدیک ترین رفیق رهبری در گروه) و به حرمت خون این شهید بزرگوار، رهبرآپو پ‌ک‌ک (حزب کارگران کوردستان) را به سال ۱۹۷۸ تأسیس کرد. رهبر آپو این مرحله از زندگی انقلابی خویش را میلاد دوم خویش نامید. رهبر آپو از ابتدای تأسیس گروه ایدئولوژیک شروع به آموزش کادرهای سازمانی کرد و نتیجه‌ی این آموزش‌ها آن بود که زندان آمد به سال ۱۹۸۲ با مقاومت تاریخی رفقای شهیدمان مظلوم دوغان، کمال پیر، خیری دورموش، سارا و بقیه‌ی رفقا به مرکز مقاومت و جنبش آپویی تبدیل شود و شعار "مقاومت زندگیست" کلید واژه‌ی اصلی مبارزات شد. در سال ۱۹۸۴ نیروی آزادی بخش گریلا به فرماندهی معصوم کورکماز (شهید عگید) رسماً وارد فعالیت شد و با شلیک اولین گلوله مقابل حکومت فاشیستی و استعمارگر ترکیه، خلق کورد مطابق "تذ فانون" دوباره از نو سربرآورد. جنگ انقلابی خلق یا همان کارزار پانزده آگوست آغازمرحله‌ی نوینی در تاریخ مقاومت و مبارزات آزادی خواهانه‌های خلق کورد و دیگر خلق‌های تحت ستم و آزادی شد.

شب رفت صبح آمد
غم رفت فتوح آمد
خورشید درخشان شد
تا باد چنین بادا

بروکراسی مرکزی، نظام مالیات و ارتش که دولت های ایران و عثمانی تحت نام اصلاحات، جهت مدرن شدن (درمیسرتشکیل دولت- ملت) برای خدمت و به چرخش درآوردن چرخ دنده های سیستم سرمایه داری جهانی به عمل آوردند، موقعیت امارت‌های محلی (بیگ نشین ها، والی ها) با تهدید روبرو گشت پذیرش نظام های مالیاتی و سربازگیری برای این والیان و امرای کورد در حکم پایان موجودیت‌شان بود و چاره‌ای جز شورش نداشتند. شورش بابان و طریقت قادریه در سال ۱۸۰۶. جنبشی بدرخان بیگ امیر بیگ نشین بوتان، قیام شیخ سعید پیران، قیام ال‌ک (بیت الشبَاب)، قیام سید رضا، مقاومت دره‌ی زیلان و آگری و قیام درسیم. قیام‌هایی نیز در شرق کوردستان و ایران علیه پروژه‌ی مرکز گرایانه و مدرنیزاسیون رضا خانی رخ دادند از قبیل: قیام های لرستان، اردلان و سمکو شکاک، محمد رشید خان بانه، یارمحمد خان کرماشانی، قیام هورامان و مریوان، منگورها ...

سرکوب این جنبش‌ها با پشتیبانی نیروهای غربی انجام می گرفت که نتایج استراتژیک سلبی و منفی را به دنبال داشت، نهادهای فرهنگی کوردی که دارای یک اتونومی وسیع- هر چند سنتی- بودند، شادابی و پویایی خود را از دست دادند و بروکراسی مرکزی در کوردستان جای گرفت و اتوریته‌اش را اشاعه داد. و چنین شد که موقعیت ایالتی کوردستان خاتمه یافت و کوردستان به سطح یک اصطلاح جغرافیایی تنزل داده شد. این در حالی بود که موقعیت کوردها تا اوایل قرن نوزده به‌عنوان خلق؛ پیشرفته تر از موقعیت ترکمن‌ها، اعراب و فارس‌ها بود. فروپاشی جایگاه کوردها از قرن نوزدهم آغاز گشت. وارثان بیگ نشینها؛ این تازه به دوران رسیده ها حتی با دست کشیدن از موقعیت اتونومی سنتی در قامت مزدورانی ظاهر می شدند که تنها به فکر منافع شخصی و خانوادگی‌شان بودند. با پاک سازی و سقوط جمهوری کوردستان در مهاباد به عنوان آخرین دژ آزادی و استقلال کوردی پس از جنگ جهانی دوم جنبش مقاومت کورد به کما رفت و تصویری بدبینانه از خود بر جای نهاد. بی اعتمادی گسترده‌ای نسبت به موجودیت کوردها (دچار شدن به سرنوشت سرخ پوستان) و تحقق آرزوی حیات آزاد آنها به وجود آمده بود، نوعی نبود اعتماد به نفس و خود باوری در میان بود که شاید در تاریخ کوردها

- ۱- مرا گوشتی لبخندت جای بده
- ۲- تا سرخ ترین هارا بر حافظی جهان حکاکی کنم
- ۳- تادهستی بگشتم میان موهایت
- ۴- که با خاکه شم کیش تریا گشته است...
- ۵- و گرم کنم این رنگ سرد را
- ۶- و
- ۷- تو لبخند بزنی
- ۸- که جهان تب و تاب موج اشک هایت را نیبند
- ۹- تو با چشمانی که مهربانی می کشد
- ۱۰- و من که دیده ام بافتت یکی شده بگویم؛
- ۱۱- که این جان و تن را دو دیده حرام است
- ۱۲- خنده هایم با خنده هایت در آمیخته
- ۱۳- شاید همین خنده آرام بخش طوفان های خاکه مان باشد
- ۱۴- تو امروز صاحب زیباترین خنده می جهانی
- ۱۵- که شاید پیکاسو هم از ترسیم آن عاجز می آید
- ۱۶- کاش می دانستم به چه می خندی؟
- ۱۷- به پاینده ماندت در میان آوارگی های شهر؟
- ۱۸- به تلاش پیهودمی ذهن های پوسیده؟
- ۱۹- این خنده خنده دل است
- ۲۰- که بر لب جاری است
- ۲۱- که در خاطره می ماند
- ۲۲- و هیچ نتواند آن را از ما بگیرد
- ۲۳- بخند که شاهدترین لحظه های حیات را می آفریند



در نظام‌های مستبد تمامیت‌خواه، خلق با خندیدن بر ترس و دروغ پیروز می‌شوند. باختین می‌گوید: «خنده هرگز به دنیای حاکمان راه نیافت و همواره اسلحه‌ای در دست مردمان باقی ماند» و شعر خنده دعوت به سلاح بر گرفتن است

بر همین سیاق، هر کدام برای القای جهانی رقیق رُزَرین دارای ایماژ خاص خود است چنانکه در بخش ایماژهای شاعرانه اجمالاً مشخص شده‌اند

اما از حیث درون مایه (یا چه گفتن) که همان عاطفه‌ی شعری است و نمودگاه دیدگاه و فلسفه‌ی هستی‌شناسیک شاعر به جهان و انسان است. «مرا گوشه‌ی لبخندت جای ده» شعری قوی به شمار می‌آید هم از نظر موتیو (موتیف) و هم از نظر «من» شاعرانه که منی جهان شمول است یعنی نه من شخصی به عبارت دیگر شاعر تنها از ناراحتی خود نمی‌نالند. موتیو این شعر؛ خنده و دعوت به خندیدن است. که دعوت به شورش و عصیان است. خنده و خندیدن در جهان به انقیاد درآمده‌ی کافکایی مردمان امروزی ایران همچنان که شاملو گفته: قیلوله‌ی (خواب) دیو را آشفته می‌کند. خنده فرم درونی حقیقت است که انسان را از سانسور بیرونی و درونی از ترس از بت‌ها و نهی شده‌ها از گذشته و قدرت که در طول هزاران سال درونش شکل گرفته‌اند می‌رهاند. خنده نفخه‌ی روح است در کالبد مرده و آن را زنده می‌کند، در فرهنگ مردمی، خنده وسیله‌ای است برای پیروزی بر اندیشه‌ها و تصاویر و نمادهای فرهنگ رسمی دولتی، خنده نشانه‌ی تلاشی است برای برافروختن شعله‌ی آتش‌های شادی، در جامعه‌ای که شادی در آن حرام و قدغن و ممنوع و جرم به حساب می‌آید. خنده ترس از رازناکی نظام و اقتدار را می‌شکند. خنده لحظه‌ای است از حضور در یوتوپیا (جامعه‌ی آرمانی) و نشانه‌ای است از حقیقت دستکاری نشده و غیر رسمی خلق‌ها و عنصر آشکار کننده‌ی حقیقت است. در نظام‌های مستبد تمامیت‌خواه، خلق با خندیدن بر ترس و دروغ پیروز می‌شوند. باختین می‌گوید: «خنده هرگز به دنیای حاکمان راه نیافت و همواره اسلحه‌ای در دست مردمان باقی ماند» و شعر خنده دعوت به سلاح بر گرفتن است.

«مرا گوشه‌ی لبخندت جای ده» شعری است سمبولیستی از نوع سمبولیسم اجتماعی؛ یکی از شعرهای کتاب ابدیت خیال اثر رقیق رُزَرین که مانگر است که در قالب شعر نو و در بیان عظمت خنده و آن را برای دخترکی که سرخی اشکش را گوشه‌ی لبخندش پنهان ساخته بود سروده است. تار و پود این شعر دو عنصر عاطفه و خیال است که هر شعری از این دو متولد می‌شود. عاطفه همان شاعرانگی شاعر است که در پیوند بلاواسطه با جهان است و پود (محور افقی) هر شعری را تشکیل می‌دهد که در بردارنده‌ی شناخت و تفسیر شاعر از کیهان و پدیده‌های انسانی است، این عاطفه و احساس شاعرانه برای به بیان درآمدن و نمادین شدن در قالب واژه‌ها به عامل مهم و سازنده‌ی دیگر شعر، یعنی خیال که تار (محور عمودی) هر شعر است نیاز دارد. خیال نیروی ترکیب‌گر ذهن است برای آفریدن تصاویر شاعرانه (ایماژ)، که عبارتند از: استعاره، تشبیه، مجاز، ایهام، کنایه، اغراق و...

ایماژهای شاعرانه‌ی این شعر به ترتیب بندها: استعاره (بند اول و دوم)، ایهام (بند دوم)، تضاد (بند چهارم)، حس آمیزی (بند پنجم)، تشبیه (بند هشتم)، استعاره (بند نهم)، ایهام تبادری (بند پانزدهم)

«مرا گوشه‌ی لبخندت جای ده» در این تصویر 'خنده' استعاره از جهانی امن و امین است برای شاعر که به او نیرو و توان می‌دهد تا در آنجا 'سرخ‌ترین‌ها' (استعاره از اشعار عشقانه) را بسراید در این بند یعنی بند دوم شعر، شاعر تصویر ناب شاعرانه‌ی دیگری آفریده است برای تکمیل تصویر سرخ‌ترین‌ها و آن 'حافظه‌ی جهان' است که دارای ایهام است. جهان هم می‌تواند مجازاً به معنای مردم جهان باشد و هم از قبیل آنیمیس یا پرسونافیکاسیون می‌تواند شخصیتهایی باشد که دارای حافظه است. بندهای پنجم و هشتم و نهم و پانزدهم شعر

آرین آری



آرین یعنی شجاعت

مثال راه رفتن در دل دشمن

آرین یعنی استقامت

مثال کوه‌های آگری وطن

آرین یعنی روشنی

مثال آرمان‌های رهبری

آرین یعنی سادگی

مثال زندگی گریلایی

آرین یعنی وفاداری

مثال شهدای فدایی

آرین یعنی زیبایی

مثال آسمان آزادی

آرین یعنی صبوری

مثال مقاومت در امرالی

آرین یعنی بزرگی

مثال قلب مادران کردستانی

آرین یعنی زلالی

مثال اشک کودکان سلماس

آرین یعنی شگفتی

مثال زن زندگی آزادی

شهید آرین آری

فرمانده نیروهای مدافع زنان شرق کوردستان

دیار کیمری

پنجره‌ی گریلا

می‌بوسم در يك نگاه آئینه‌وار آسمان قشنگ آبیگون را و
می‌نوازم در يك نوا، صدای خنده‌ی بچه‌های روستایمان را
و می‌خوانم در گوش زمان گریه‌ی يك دختر بر پرده‌ی سینما را

و

می‌خوراند جرعه‌ی آب بر لب کوزه‌ی خشک زده در بیابان عمرم
پنجره‌ی امید و می‌گشاید دروازه‌ی زندگی را دوباره
نشسته گریلایی بر صخره‌ی کوهی پر از پنجره و امید

دریا احمد

پیلانگیڀری نیونه ته وهی پروژهی کونفیدرالیزی دیموکراتیک و پیکه وه ژیانی گهلانی کرده ئامانج

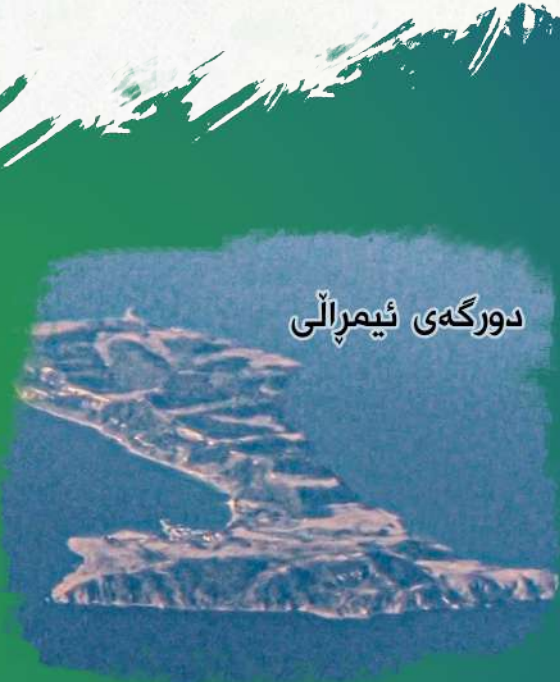
نارام کهریم

نازاد یخوازی گهلی کوردستان "په که که" و تیرۆری جهستهیی و پیلانگیڀری نیونه ته وهی خراڼه نیو بهرنامه په کی چروپ و پیلانی تۆکمه یان بۆ دانرا.

هیزه پیلانگیڀره کان ئامانجیان له و هیرشانه راگه یاندنی سهرکه وتنی په کجاره کی سیسته می مؤدیرنیته ی سهرمایه داری بوو، وه که تاکه هیز له لایه که و له لایه کی تر ده بانویست ئه و هیزانه ی که به ئاستهنگ له بهرام بهر به پیکه پتانی پلان و بهرنامه کانیان ده بیننی پاکتاوب کهن و له ناویان بهرن. ئه و بزوتنه وانه هه رکامه یان به شیوه په که هه وللی به ده سته پتانی مافی نه ته وهی، ئاینی، مه زه به بی، ئه تنیکی، چاندی و هه ریه که ش بزوتنه وه په کی ره وا بوون، به لام سیسته می سهرمایه داری ئه وانه ی له سه ر پلان و بهر ژه ونه ندی و پروژه ماددی کانیان به مه ترسی ده بیننی، کرده ئامانجی هیرشه کانیان و له چوارچیه ی زهنیه تی ده سه لاتداریه تی مؤدیرنیته ی سهرمایه داری ده ولت نه ته وه سهرده سه ته کاند و به پشت به ستن به تیۆری و

به پرووخان و هه لوه شانده وهی رئال سۆسیالیزم، سیسته می مؤدیرنیته ی سهرمایه داری چاری سهرکه وتنی لیدا و به وهش ویستیان وا پیشانی هه موو جیهان بدن که ئیدی سیسته می دووجه مسه ری به کۆتا هاتوو و جیهان بووه ته تا که جه مسه ری و ئه وهش سیسته می سهرمایه داریه و تاکه هیزه ده سه لاتداریه تی جیهانی به ده سه ته وهی و سهرده می کۆتایی ئایدیۆلۆژیا کان هاتوو، بلّو کرده وه. مؤدیرنیته ی سهرمایه داری له سه ر ئه و بنه مایه ده ستی به هیرشیکه به ربلاو کرد بۆ سه ر ئه و گروپ و چاند و نه ته وه و گهلان و بزوتنه وه شۆرشگیڀرانه ی جیهان که گوایه له سه ر پاشخانی تیکۆشانی سۆسیالیستی، سۆسیال دیموکراته کان و گروپه چه پ و نه ته وهی، ئاینی، مه زه به به کان و ... هتد که له سه ر ئاستی جیهان ده ناسران. هه ر له پاکتاو کردنی به ره ی رزگاری خوازی ئه فغانستانه وه بگه ر، تا پاکتاو کردنی به ره ی رزگاریخوازی فه له ستین و به هه مان شیوه هه وله کان بۆ له ناو بردنی بزوتنه وهی

ولتانی ئه ندام له ناتۆ، ئه مریکا و ئیسراییل که وتنه خو و له چوارچیه ی و راگه یاندنی شه ر، هه ره شه و گوشاره کانیان بۆ سه ر به ریوه به رایه تی حکومه تی سوریا و حافظ ئه سه د زیاد کرد. ده ولته تی تورک به هه زاران سهر باز و جه ندرمه و ده بابیه ی له سنوره کان مؤلدا و هه ره شه ی هیرش کردنه سه ر سوریا ی له حافظ ئه سه د و ده ولته تی سوریا کرد



دورگه ی ئیمرالی

بوویه وه. ریبه ر ئاپۆ به ناچارى و به ئامانجى دۆزینه وهى ریگه چارهى ديموکراتیک و سياسیانه و له ۹ى جوتهى سالى ۱۹۹۸ روو له ولاتانى ئه وروپا ده کات. له و به رواه تا ۱۵-۲-۱۹۹۹ "پانه زى شوبات" که به پیلانگيريه کى ئیونه ته وه یی و چه پهل دناسریت و وه که په له یه کى ره ش به نيوچاوانى سیسته مى مؤدیرنیته ی سه رمایه دارى و ده ولته زله پزه جیهانیه کانه وه یه له سه ده ی بیسته م دا ده مینیتته وه.

ریبه ر ئاپۆ له لایهن گلا دیۆى ناتۆوه ده رفیندریت و له ریوره سمیکى هه والگریانه دا راده ستى حکومت و سه روک وه زیرانى ئه و کاته بلند ئه جه وید و ده ولته ی تورک ده کریت. ریبه ر ئاپۆ هه ر ئه و کاته ئاماژه ی به وه کرد: ویستیان تاژى به تاژى به کوشت بدن و هه ردوو لایهن "کوردان و تورکان" له ئه نجامدا ده سه ته وادوینى ئه و هیزانه بن و به ره به ست له به رده م چاره سه رى ناشتیانه و ديموکراتیانه و پیکه وه ژبانى ئازادانه ی گه لان دابنن. به لأم ریبه ر ئاپۆ هه ر زوو هه ستى به ئاستى گه وره یی پیلانگيريه که کرد و له چوارچيويه وه رچه رخانیکى مه زن له ئیو ریزه کانى په که که و گه ریلادا و ده ستى به خه باتیکى پارادیگمابى مه زن له بیروه زردا کرد و به تیکۆشان و پشکه شکردنى پرۆژه ریگا چاره ی نه ته وه ی ديموکراتیک و هه نگاوى یه کلايه نه ی ئاگر به ست که له سالى ۱۹۹۳ بۆ هاویشتبوو، وه لأمى پیلانگيرانى دایه وه. ده ولته تانى به شداربووى پیلانگيريه که به و پیلانگيريه ئیونه ته وه ییه ویستیان به ره به ست له به رده م چاره سه رى ديموکراتیانه ی دۆزى کورد بنیتنه وه و بزوتنه وه ی ئازادىخوازی کوردستان په که که و گه ریلادا و کوردی ئازاد و پرۆژه ی ژنى ئازاد پاکتاو بکه ن.

ناتۆ به هه ره شه کردن له ولاتانى ئه وروپى ئاسمانى هه موو ئه وروپای به سه ر ئه و فرۆکه یه ی ریبه ر ئاپۆى هه لگرتبوو، داخست و ریگه ی به نیشتنه وه ی نه ده دا. ولاتانى ئه وروپا و ناتۆ و ئیسرائیل و له سه رووى هه موویانه وه ئه مریکا به به کاره ینانى بنکه ی هه والگریان له کینیا "ئه فریقا"، ویستیان وا به گه لى کورد تیگه یه نن که ئه وا به رپرسانى کینیا له راده سه تکردنى ئاپۆ به ده ولته ی تورک ده ستى هه بووه

ستراتیژیه کى ئیمپراتۆریه تی جیهانى و به پلان ده سه ته وردانى سیسته مى جیهانیان کرد.

به هیرشى خۆکوژى بۆ سه ر تاوه ره کانى ئابوورى جیهانى له نیویۆرک له سالى دووهه زار، تیۆرى تیرۆر خرایه ئیو به رنامه ی سیسته مى مؤدیرنیته ی سه رمایه دارى و له ژیر ئه و ستراتیژیه، پلانى هیرشکردنه سه ر ئه فغانستان و عیراق له سالى ئیوان ۲۰۰۰ بۆ ۲۰۰۳ ده ستى پڻ کرد. هه رچه نده له سالى ۲۰۰۲ په لامارى ولاتى ئه فغانستانیان دا به بیانوى بوونى حکومه تی تالیان و ئه لقاغیده، به لأم هه ر ئه و کاته ریبه ر ئاپۆ له زیندانى ئیمپرییه وه به ریگه ی پارێزه ره کانى رایگه یاند؛ که "له بنه رته دا ئامانجى ویلايه ته یه کگرتوو ه کانى ئه مریکا، له پيش دا هیرش کردنه سه ر عیراق بوو". له به ر ئه وه ی عیراق هه م وه ک دلى رۆژه لاتى ناوینه و هه م شوینى دامه زراندنى یه که م ده ولت شاره کانه. بۆیه سیسته مى مؤدیرنیته له که سایه تی عیراق دا زه بریکى مه زنى له هه یکه له ی ده ولت - نه ته وه ستاتۆپارێزه کانى هه ریتمه که دا و ویستیان دیمه نیتكى وه هاش نیشان بدن که ئه وه تا سیسته مى مؤدیرنیته له پیناو ده سه ته به رکردنى ماف و ئازادیه کان ده ستیوه ردانى رژیمی به عسى روخا و ده کات و له هه مانکاتیشدا به زه بردان له ده ولته ی عیراق، ده ولته ی کلاسیکى نه ته وه یی وه که به ره به ستیک له به رده م ئابوورى گلوبال و بازرگانى جیهانى ده بییت. به و ده ستیوه رده شه له عیراق و ئه فغانستان به فه رمى له به رامبه ر به سیسته مى جیهانى وه ستایه وه. ولاتانى ئه ندام له ناتۆ، ئه مریکا و ئیسرائیل که وته خۆ و له چوارچيويه راگه یاندنى شه ر، هه ره شه و گوشاره کانیان بۆ سه ر به رپۆه به رایه تی حکومه تی سوریا و حافز ئه سه د زیاد کرد. ده ولته ی تورک به هه زاران سه رباز و جه ندرمه و ده بابە ی له سنوره کان مۆلدا و هه ره شه ی هیرشکردنه سه ر سوریا له حافز ئه سه د و ده ولته ی سوریا کرد.

پیشتر و له سالى ۱۹۹۶ له شهام به ئامانجى له ناو بردنى جه سه ته یی ریبه ر ئاپۆ ئۆتۆمبیلئیکى بۆمبڕێژکراویان له شوینى مانه وه ی ته فاندوه. ئه و هه وله نه زۆکه ش هه ر له لایهن ده زگای هه والگری نه ته وه یی تورک "میت" و به هاوکارى ده ستیکى نیوخۆى به رپۆه به رایه تی هه والگری سوریا پیکهات، به لأم خۆشبه ختانه ئه و کاته ریبه ر ئاپۆ له ویدا نه بوو و پاشان شه هید زیلان به چالاکیه کى گیانبازى وه لأمى ئه و هیرشانه ی دایه وه که ده کرانه سه ر گه ریلادا و ریبه ر ئاپۆ و رایگه یاند "خۆزگه له گیانم به نرختر هه بوویا که فیدای ئیوه م بکردبا"

دوابه دوای گوشاره کانى به رپرسانى ده ولته ی داگیرکهرى تورک هه ره شه ی هیرشکردنه سه ر سوریا تۆختر

بىند ئەجەويد سەرۆك وەزىرانى ئەو كاتەي دەولەتى تۈركى داگىركەر لەبەرامبەر بەرپادەستكردنى رېبەر ئاپۇ بەدەزگاكانى راگەياندىنى راگەياندىبو "تەوان نازانن بۇ ئۆجەلانسان رادەست بە تۈركيا كىردە"، بەو دەربرىنە بىن ئاگايى حكومەتى لەپىلانگىرپەكە و ئامانجەكانى ئەو پىلانگىرپىيە نىشان دەدات و سەرۆك ئەركانى گشتى ئەرتەشى تۈرك "ئاتىلا ئاتەش" دەلېت: لەماوەى بىست و چوار كاتمېردا كۆتايى بەپەكەكە دەھىنن. ھەر ئەوۋەش دەربرى ئەو راستىيە بەكە دەولەتى تۈرك لەدەستگىركردنى رېبەر ئاپۇ تەنيا رۆلى پاسەوانى و جەندرمەيى پىن دراو. ئەو ھىزە پىلانگىرپەكە دەيانەوئىت ئاگرى شەرپ و ملىملىنئىيەكانى نىوان كوردان و تۈركان بەگۈپتر بىن. ھەرچەندە ولاتانى بەناو دىموكراسى و مافى مرۆقى ئەورۇپا، بەھەموو ئەو بانگەشانەي بۇ دىموكراسى و مافى مرۆقى دەكەن، لەپراكتىكدا ئەو سۆز و بەلئىننە وەك بلقى سەرئاو لەپرسى كوردان و بزوتنەوہى ئازادىخوآزى كوردان پىچەوانە دەبنەوہ. ئاقە ولاتىكى ئەورۇپا ئامادە نەبوو رېبەر ئاپۇ لەخۇ بگىرت و بەھۆى بەرژەوہندى ماددى و چەند پرۆژەيى ئابورى و بازركانى ھەموو پىوان و پرەنسىپە مرۆقىي و دىموكراتى و ئەخلاقى و دۆستايەتپەكانىان بن پىن كىرد و مافى مانەوہيان بەرپىبەر ئاپۇ نەدا.

ئاتۇ بەھەرەشەكردن لەولاتانى ئەورۇپى ئاسمانى ھەموو ئەورۇپاي بەسەر ئەو فرۆكەبەي رېبەر ئاپۇ ھەلگىرتبوو، داخست و رىگەي بەنىشتەوہى نەدەدا. ولاتانى ئەورۇپا و ئاتۇ و ئىسرائىل و لەسەرۋوى ھەمووئىانەوہ ئەمىركا بە كارھىتانى بنكەي ھەوالگىريان لەكىنيا "ئەفرىقا"، وىستىان و لە گەلى كورد تىبگەبەنن كە ئەوا بەرپرسانى كىنيا لەرپادەستكردنى ئاپۇ بەدەولەتى تۈرك دەستى ھەبوو، بۇيە دوا پەردەي شانۆگەرپەكەيان وەھا پىشان دەدەن. كىنيا دوايىن پەردەي ئەو شانۆگەرپە بوو كە لەلايەن سىستەمى مۇدېرنىتەي سەرمايەدارى دارپۇرئابوو و سىستەم پلانى ئەوۋەشى دانابوو كە لەدادگايەكى نايىشى "فۇرمالىتە"، برىارى لەسپدارەدان بەسەر رېبەر ئاپۇدا بسەپىنن و لەسپدارەي بدەن. ھەموو پلانەكان بەپىي ئەو بەرنامەيە لەپىشدا ئامادە كرا بوو، دەچوۋە پىشەوہ. بەلام بەھۆى خاوەندارى گەل و گەريلا و ئاستى ناپەزايەتپەكانى كوردان لەسەرئاستى جىھان و گەريلا و ئازادىخوآزانى جىھان لەرېبەر ئاپۇيان پىشاندا، دەولەتى تۈرك لەپىرپارەكەي پاشگەز بووئەوہ و برىارەكە دواي ماوئەك بۇ زىندانى ھەتاھەتايى گۇپدرا و رېبەر ئاپۇيان گواستەوہ بۇ زىندانى تاكەكەسى لەدوورگەي ئىمپىرالى. ھەرزوو رېبەر ئاپۇ دەركى بەقوولايى پىلانگىرپەكە

دەكات و بەبەرپىرسانى دەولەتى تۈرك دەلېت؛ ئەگەر ئىرادەيەكى چارەسەرى دىموكراتىكى پىرسى كورد لەئارادا بىت، ئەوا بەيەكەوہ دەتوانىن ئەم ھەولە ئازاۋەگىرپ و چەپەلە پوچەل بەكەينەوہ كەلەدۇ گەلان و پىكەوہئىانى ئاشتىانەي گەلان بەرپوہ دەبرىت.

كوردان و ئازادىخوآزان بوون بەبازنەيەكى ئاگرىن بۇ پاراستنى رېبەر ئاپۇ

گەلى كورد لەھەرچوار بەشى كوردستان و لەدەرەوہى ولات لەرۇسىا و ئەورۇپا و ئەمىركا و ھەموو شوئىتتىكى ئەم جىھانە و ئازادىخوآزان بەچالاكى رق ئەستورى و كىن و نەفرەتيان لەبەرامبەر بەپىلانگىرپان دەربرى، رژانە سەر شەقام و كۆلانەكان و بەدروشمى "كەس ئاتوانىت رۇژمان لى تارىك بكات" دەستيان دايە چالاكى گىانبازي. بەدەيان كورد و ئازادىخوآز بە ئاگرەردان لەجەستەيان بوونە بازنەيەكى ئاگرىن بۇ پاراستنى رېبەر ئاپۇ. گەريلاكان دەستيان بەچالاكى فىدايى و گىانبازي كىرد و لەچىكاكان بەرەو شارەكانى باكورى كوردستان و شارە گەورەكانى تۈركيا بلأو دەبوونەوہ. ئەمەش ترسىكى مەزنى خستە نىودلى كاربەدەستانى دەولەتى داگىركەرى تۈركەوہ، بۇيە داوا لەرېبەر ئاپۇ كرا كە دەست وەربداتە دۇخەكەوہ و لەبانگەوازپەكدا رېبەر ئاپۇ داواي لە گەل و گەريلا كىرد، دان بەخۇياندا بگىرن و خۇيان بەدووربگىرن لەچالاكى فىدايانە و ئاگرەردانى جەستەيى. بەھىوربوونى دۇخەكە، رېبەر ئاپۇ لەزىندانەوہ ئەو چالاكىانەي لەسەر ناوى رېبەر ئاپۇ دەكران، وەستاند و دەستى بەنووسىنى پرۆژەي رىگا چارەسەرى دىموكراتىانە و كۆمارى دىموكراتىكى دەولەتى تۈركيا كىرد.

رېبەر ئاپۇ لەمانىفستۆكەي خۇي دا كە بۇ دادگاي مافى مرۆقى ئەورۇپاي نووسىوہ ئەوہ روون دەكاتەوہ، كاتىك براوئە زىندانى ئىمپىرالى يەكەم كەس كە پىشوازي لىكردوہ، نوپنەرى سى پى تى "دەزگاي رىگىرتن لەئەشكەنجەي سەر بەكۆنسەي ئەورۇپا" بوو و پى رايگەياندوہ: "تۇ لىرە دەمىنئىتەوہ و ئىمەش چاودىرى دۇخەكە دەكەين". بەپىي ياساكانى مافى مرۆقى يەكپىي ئەورۇپا كە دەولەتى تۈرك يەك لەواژۆكەرانى ئەو پەيماننامەبەيە؛ سزاي زىندانى ھەتاھەتايىە دەكرىت بەپىي نۆرمەكانى مافى مرۆقى ئەورۇپى كە دەولەتى تۈرك بەخۇي يەك لەواژۆكەرانى ئەو ياسايە دواي بىست و پىنج سالى ھەلومەرجى زىندانى بگۇپدرىت، بەلام دەولەتى تۈرك بەسەپاندىنى سزاي گۆشەگىرى تاكەكەسى و ئەو خال و بەندانەي لەياساكانى تۈركيا بەھۆى پىرسى كوردەوہ

رېبەر ئاپۆ لەمانیفستۆکەى خۆى دا کە بۆ دادگاى مافى مرۆقى ئەوروپاي نووسيوه ئەوه روون دەکاتەوه، کاتيک براوئەتە زیندانى ئيمپرالى يەکەم کەس کە پيشوازى ليکردوه، نوينهري سى پى تى "دەزگای ريگرتن لەئەشکەنجەى سەر بەکۆنسەى ئەوروپا" بوو و پى رايگەياندوه: "تۆ ليبرە دەميينتەوه و ئيمەش چاوديري دۆخەکە دەکەين"



پيشخستنى سترايژى پاراستنى رهوا و بەرخۆدانى گەل و گەريلا و بونىادنانى سيستمى خۆبەريۆه بەرى ديموکراتيک؛ قۇناخيکى نوئى لەتیکۆشان و بەرخۆدانى هەمەلایەنە لەبەرامبەر بەزیهنيەتى قێکەر و فاشيستی دەولەتى تورکى داگیرکەر دەستى پیکرد. ئەم بەرخۆدانەش لەبەرزترین ئاستدا، لەزیندانى ئيمپرالى و لەکەسايەتى ريبەر ئاپۆ خۆى نواند و پيشکەوت.

ژەهرخواردکردنى ريبەر ئاپۆ لەزیندانى ئيمپرالى

بەهاتنە سەر دەسەلاتى پارتى داد و گەشەپيدان "ناکەپە" بەسەرۆکايەتى رەجەب تەيب ئەردۆغان لەسالى ۲۰۰۲، نزيکايەتیهكى تايبەت لەبەرامبەر بەئيمپرالى و ريبەر ئاپۆ گيرايە بەر. ئەردۆغان و سوپا سالارى نوئى ئيلکەر باشبوغ و بەريکخستنکردنى دەزگای ئيستخباراتى تورک "میت"، و پشتگيرى راستەوخۆى ئەمريکا و ناتۆ و دەولەتانى ئەوروپايى بپيارى پاکتاوکردنى پەکەکەيان خستەوه بوارى جيبەجێ کردنەوه و بەراگەياندىنى دوژمنى هاوبەش و گوشار خستەسەر بەريۆه بەرايهتى نوئى دەولەتى عيراق؛ ليژنەى سێ قۆليان دژ بە پەکەکە و برەودان بەکارى هەوالگيرى و ئالوگۆپى زانبارى لەنيوان هەرسى ولاتدا و پاشانیش حکومەتى هەريمى کوردستان بۆ ليژنەکە زيادکرا. دەولەتى تورک لە ۱۵۲۰۰۵ بەريگەى سەرلەنوئى بەريکخستنکردنەوهى بەريۆه بەرايهتى زیندانى ئيمپرالى و دروستکردنى ژورويکى نوئى و بەکارهيتنانى بۆياخى "پەنگ" ژەهراوى، ژيانى گيانى ريبەر ئاپۆيان کردە ئامانج، بەلام ئەو هەولە نەزۆکەش بەزيرەكى ريبەرمان ئاشکرا

کردويانە، بەشپۆهەكى ناراستەوخۆ لەدژى بنەماکانى ياسای ئەوروپاش وەستاونهتەوه. بەپيى ياساکانى مافى مرۆقى ئەوروپا هەر زیندانیەک مافى بينينى پاريزەر و بنەمالە و کەس و کارەکەى هەيه و بەپيى ياساکانى خودى دەولەتى تورک؛ دەبى زیندانى بتوانى بەريگەى تەلەفۆن و ئامپرهکانى پەيوەندى گرتن، پەيوەندى لەگەل دنياى دەرەوهدا هەبيت و کۆمەليک مافى بنەرەتى مرۆفەکان و ...هتد. بەلام بۆ ئەوهى ريبەر ئاپۆ لەو ياسايانە سوود وەرئەگرت؛ دەولەتى تورک بەريگەى پەرلەمانى ولاتەکەى دەستکاری هەموو ئەو بەند و ياسايانەى کردوه و لەژير ناوى ياسای بەرەنگاربوونەوهى تيرۆر مامەلە لەگەل پرسى کورد دەکات و بەوشپۆهەيش ريبەر ئاپۆى لەهەموو ئەو مافانە بى بەش کردوه کە دەبوو وەک هەر زیندانیەک لەو مافانە کەلکى وەرگرتبا. بەهەمانشپۆه دەبوو کۆميتەى ريگرتن لەئەشکەنجەى سەر بەکۆنسەى ئەوروپاش رهوشى ريبەر ئاپۆى لەزیندانى ئيمپرالى لەبەرچاو بگرتبا و راوهستەى لەسەر پيشلکارىهەکان بگردبا، بەلام وەک ريبەر ئاپۆش ئامازەى پیکرد؛ سيستمى مۆډرنیتەى سەرمايهدارى؛ وەک ئەوهى پرۆمیتۆس لەتاشەبەردەکانى قەفقاسيا لەبەند بکيشن، ئەويان لەچالى مەرگ لەئيمپرالى بەند کردوه بۆ ئەوهى وردەوردە ئيرادەى تیکبشکين و لەناوى بىەن. ئەمە بەشپيکى تری ئەو پیلانە گلاوهى پیلانگيران بووه. بەلام بەرخۆدانى بى وینەى ريبەرايهتى و پيشخستنى پرۆژەى نەتەوهى ديموکراتيک و چارەسەرى سياسى پرسى کورد بەريگەى سيستمى خۆبەريۆه بەرى ديموکراتيک و کۆنفيدراليزمى ديموکراتيکى گەلان و

و مایه پوچ کرایه وه، دوابه دوای ئه وه ههولئه نه گریسانه، نه مجاره به ناوی پشکینی ژوری زیندانی ئیمپالی و شوینی مانه وهی ریبه راپۆ، بئ ریژی به ریبه مان ده کهن و قژی ده تاشن؛ چونکه ریبه راپۆ به ریگه ناله کانی قژی وه ههولئه ژه هر خوار دنه که دهولتهی ئاشکرا کردبوو. سی پی تی له بهرامه به وه ههولئه قیره ون و نامرؤفانهی دهولتهی تورکی فاشیست له زیندانی ئیمپالی و بن پئ خستنی یاسا نیوده وهلتهیه کان خۆی که روکویر و لال کردوه. له ماوهی ئه م بیست و پینج ساله ی ریبه راپۆ له زیندانی ئیمپالی دایه، ناوه ناوه، پاریزه و بنه ماله له چوارچیهی ویست و داواکاریه کانی دهولته و به بریاری که یفی چاوپیکه وتن له گه ل ریبه راپۆ رته یا خود قه بول کراره و نه وه تا ماوهی سی و ههشت مانگه له رهوشی ریبه راپۆ هیچ زانیاریه که بلاونه کراوه ته وه و رهوشی گیانی و نه دروستی و پاراستنی ریبه رمان رووبه رووی مه ترسیی بووه ته وه.

نامانجی سه پاندنی سزای ژووری تاکه که سی و توندکردنی

گۆشه گیری

به ریبه به رایه تی زیندانی ئیمپالی هه رجاره و به بیانوی نایاسایی و که یفی، سزای ژووری گۆشه گیری، واتا له زیندانی تاکه که سیدا، سزای توندکردنی گۆشه گیری و دابراندن له دنای دهره وه به سه ر ریبه راپۆ دا ده سه پینن به سه پاندنی ئه وه سزایه ده یانه ویت، ئه وه له زهنی رای گشتیدا بلا و بچینن که هیشتا ریبه راپۆ له زیندانی ئیمپالی به خۆی دا نه چوووه ته وه، بۆیه ئازادکردنی مه ترسیداره. کۆمیته ی ریگرتن له ئه شه که نه جی سه ر به کۆنسه ی ئه وروپا و مافی مرؤفی سه ر به یه کیتی ئه وروپا و نه ته وه یه کگرتوه وه کان و کۆنسه ی ئاسایشی نیشتمانی نه ته وه یه کگرتوه وه کان له و بریاره به ئاگان و نایانه ویت هیچ هه لۆیستی مرؤفانه و به رپرسیارانه هه لگرن. سی پی تی وه ک نامرزیک بۆ شارندنه وهی سیاسه ته دژه مرؤفیه کانی به کیتی ئه وروپا و به ریبه به رایه تی ئه وه ده زگایه، دهولتهی دیکتاتۆر و فاشیستی تورک و پاراستنی به رژه وه ندیه کانی ناتۆ درووستکراوه.

هه لمه تی ئازادی جهسته یی ریبه راپۆ پوچه لکردنه وهی

پیلانگیزی نپونه ته وه یی

هه لمه تی ئازادی جهسته یی ریبه راپۆ و چاره سه ری پرسى گه لی کورد، که له ۱۰ جمه ی ۲۰۲۳ له لایه ن دۆستانی گه لی کورد، ئازادپه خوازان و نه کادیمسین و رووناکییرانی جیهانیه وه پینشخراوه، نیشانه ی ئه وه یه که یه که بیرو و هزری ریبه راپۆ بۆ رزگاربوون و چاره سه ری

پرسه ئالۆزه کانی سیسته م و ده سه لاتداریه تی، کیشه ی نه ته وه و باوه ر و چاند و... هه تده، به جیهانی بووه و ئه وه که سایه تپانه له ره هه نده فکری و فه لسه فه کانی کۆنفیدرالیزمی دیموکراتیکی، زانستی ژنۆلۆژی و کۆمه لگه ی ئیکۆلۆژی و نه خلاقى و فه لسه فه ی ئازادی ژن به ئاگان و له و باوه رده ان که به هزر و فه لسه فه یه کی وه ها مرؤفایه تی ده توانیت له و دارووخانه نه خلاقى، سیاسى، کۆمه لایه تی، ژینگه یی و به ریبه به رایه تی به رزگاری بیته و به ئازادی جهسته یی ریبه راپۆ و چاره سه ری پرسى کورد، هیوا و ئومید و گه شانوه بۆ مرؤفایه تی به گه ریتدیته وه و له و شه ر و مالدییرانه یی که ئه مپرو له غزه و ئۆکرانیا و نه فریقا و ئاستی جیهان به رپابووه ریگری بکریته، و ئه وه که سانه به شداری له هه لمه تی ئازادی جهسته یی ریبه راپۆ، به نه رکیکی مرؤفی، دیموکراتیکانه و نه خلاقیکانه و نه ته وه یی به ناو ده کهن و ئه مه ش به رپرسیاریه تی ده خاته سه رشانی هه موو که سایه تی که ئازادپه خواز و مافه ره وه ر به هه لمه تیکى وه ها جیهانی مرؤفایه تی ده توانیت بگات به لپواری ئاسایش و ئارامی و پوچه لکردنه وه ی پیلانگیزی نپونه ته وه یی.

که له که مان له رژه لاتى کوردستان راسته وخۆ له سالى ۱۹۹۹ دژ به پیلانگیزی نپونه ته وه یی له به رامه به ر به ریبه ره که یان ئه رکی نیشتمانی و نه ته وه یی خویان به جئ هیتا و به هه لگه ی ساندنی شۆرشى ژن، ژبان، ئازادی زیاتر له هه رکات ئه وه خاوه ن ده رکه وته یان گه یانده لووتکه و تاجداریان کرد، به لام بۆ ئه وه ی چاره سه ری پرسى کورد پیکبیت، ده بیته ریبه راپۆ به جه سه تیش ئازاد بکریته و هه لومه رجه کانی دانوستاندن و ده رفه ته کانی چاره سه ری بخولقیتدیریت. گرنکه که گه له که مان و رووناکییرانی رژه لاتى کوردستان په یوه ندیه چاند و که لتوربه کانیان به گه رپه خه نه وه بۆ ئه وه ی بتوانن له گه ل رووناکییران و زانا و که سانی ئاکادیمی، مامۆستایانی به هه لۆیست و خاوه ن ویزدان و که سایه تپى سیاسى و هه لپه ستقان و ویزه قان و هونه رمه ند له سه ر ئاستی ئیران هه لمه تی ئازادی ریبه راپۆ به بلا و کردنه وه ی به ره مه کان، خویندنه وه و کۆر و کۆبوونه وه و خستنه به رباسی پرۆژه ی چاره سه ری بۆ پرسى کورد و پیکه وه ژبانى گه لان و کیشه که له که بووه کانی ئیران بخه نه به رباس و گه فتۆگۆ. ئه م هه نگاه له بواری مرؤفی و دیموکراسی کرده وه یه کی نه خلاقى و دیموکراتیکانه یه. بۆیه هه لگرتنى ئه رکیکی وه ها هه م پیکه وه ژبانى گه لان به هیزتر ده کات و ریگه له ده ستپه وردانی هیزی ده ره کی ده گریته و به هیزکردنی ستوونه کانی سیسته میکی دیموکراتیک ئاوه لا ده کات.



گرتوو خانە سەنگەری بەرخۆدان و تیکۆشانە

دەنیز دەریا

هەولێدە دەن هیوا و باوەری گەلان، ژنان و گەنجان بۆ ئازادی تیکبشکینن.

چەکی مەزنی رژیمی داگیرکەری ئێران ئەشکەنجەدانی کەسایەتی پێشەنگە

رژیمی داگیرکەری ئێران بەتایبەتی لەبەگرتووی ژنان زۆر دەترسێت، بۆیە تیکۆشانێ ژنانی ئازادیخواز بۆخۆی وەک هەرپەشەیی هەری مەزن دەبینێت. زەینەب جەلالیان، وریشە موراوی و پەخشان عەزیزی و زۆر لەو ژنە زیندانی کراوانە، پێشەنگان و بەرخۆدانفانانی دۆز و هێلی ئازادین. ئەو ژنانە باوەریان بە ژنانی ئازادە و لەپێناو ئەو ژیانە تێدەکۆشن. رژیمی پەت و سێدارە ماوەی شانزە ساڵ بەشیوەی نامرۆقانە و دوور لەهەموو پێوانی مەروئەیی بەرێگەیی شەری تایبەت، ئەشکەنجە و توندی و گوشار دەیهوێت بەلگەیی پەشیمانبوونەو بە زەینەب جەلالیان واژۆ بکات. لەبەر ئەوەی پەشیمانبوونەو و داگیرکەری داسەپاوی رژیم قەبوڵ ناکات، بەگشتی لەمافە بنەرەتیەکانی بەندکراویک بۆ بەشی دەکەن. لە بینینی پارێزەران و بنەمالەکەیی بۆ بەشە، لەرووی جەستەیی و رۆحیەو ئەشکەنجەیی دەکەن

گرتوو خانە سیاسەتی ھاوبەشی هەموو سیستەمە داگیرکەرەکان، بەئامانجی تەسفیەکردن و لەناوبردنی کەسایەتی ئازادیخوازە. هێزە داگیرکەرەکان کەسانی ئازادیخواز و چالاکوان و لێگەرین وانانی ئازادی بۆ خۆیان بە مەترسی دەبینن. بۆیە داگیرکەران بەشیوەیەکی هەری چەپەل پەلاماری ئەو کەسانە دەدەن و هەولێدە دەن بەو رێبازە ئەو کەسایەتیانە تەسفیە و بۆ کاریگەر بکەن. رژیمی داگیرکەر و قەزەری ئێران یەک لەو رژیمانەیی پەت و سێدارەییە. سیاسەتی قەزەری و پیلانگێریی سیاسەتی میژووویی رژیمی ئێرانە کە بەلای هەموو کەسەو ئەشکراپە. ئەندازیار و مامۆستای هەری سیاسەتی ئەشکەنجە و زیندانن. لەئێستاش دا بەشیوەیەکی هەری چەپەل و نائەخلاقانە هێرش و گوشار دەخەنە سەر زیندانیانی سیاسی. بەرێگەیی ئەشکەنجە و گوشارهێنان، دەیانەوێت ترس و تەسلیمەت بەسەر زیندانیاندا بسەپینن و بەو شیوەیەش دەسەلاتداریەتی خۆ نیشان دەن و بپاریزن. بەزەخت و گوشاری سەر زیندانیان هەولێدە دەن بەلگەیی پەشیمانبوونەو ئەوەی کە دەست لەدۆزی رەوای ئازادی بەردە دەن بۆلای بکەنەو و بەو رێ و رێبازە دژە مەروئەییە

و بهرې و رېبازې ناپاسايې راگوېزې شوېنې جياواز ده کړېت و له وانه ټيکه ل بهو نه خوښانه کراوه که نه خوښی کورونايان گرووه و له هه لومهرجې ههري زهحمه تي زيندان تووشی نه خوښی کورونې بوو. دوا به دواي تووش بوون به نه خوښی کورونې، نه خوښی هه ناسه تهنگي "ناسم" پيشکهوت و تووشی چه ندين نه خوښی جياواز تر بوو و له مافي دهرمان و چوونه دوکتوريش بې بهش کراوه.

رژيمی داگيرکهری ئيران له ماوهی ټه و شانزده ساله له زيندان ټيکه وه بؤ زيندان ټيکی تر ده يگواز ټه وه. ئامانجی رژيم بې کار يگه رکړدنې ټيکوشان و شکاندنې ئيراده ي زه ينه ب جه لايانه له سهر زيندانيانې تر و ده يه و پټ بهو ريگه يه کار يگهري ټه و که م بکاته وه و له که سايه تي ټه ودا بې ئيراده بوون و بې هيژي پيشبخات و بهو شيويه يه ش ټيکوشان لاواز بکه ن و بهو ريگه يه روه وايه تي به داگيرکهری بدن.

زيندان گوره پانی شهر و ټيکوشانه

هه زاران ساله هيژه ده سه لاتداره کان له ناوبردن و بې ناسنامه هيښتنه وهی ژنانيان کړدؤ ته ئامانجی خويان و بهوشيوه يه ش هه موو چاند و گهل و باوه يه کان ده کړي ته ئامانج. رژيمی داگيرکهری ئيران ئامانجی سه ره کی له ناوبردن و ته سفیه کړدنې ژنانی پيشهنگ و شور شگيره. چونکه له ټه نجامی بهر خوډان و ټيکوشانی ژنان کومه لگه له و ترسه ی که به هه زاران ساله داگيرکهر چاند بووی، زرگار کراوه. رژيمی داگيرکهر هه ول د ه دات به ريگه ی زيندان ترس و دلراوکی بلاويکاته وه، به لم به پيشهنگايه تي ژنان زيندانه کان بوون به گوره پان و سهنگهري بهر خوډان و ټيکوشان. به هه زاران که س له و سهنگه ره دان و له به رامه بر به داگيرکهری ئيران له نيو شهر و بهر خوډانيه کی مه زن دان.

خاوه ندار يکړدن له ميژووی ژنی نازاد

کومه لگه له لايه ن زهنیه تي پياوسالاره وه دهوره دراوه و هيچ حيساييک بؤ ټيکوشانی ژنان ناکريټ. به بهرده وامي ټيکوشانی ژنان له پياواندا گورانکاری گوره ی هيناوه ته ئاراهه. ټه مرؤکه ش ژنان وه که سهنگهري ژيان ده بيندري ن و له ريگه ی ټيکوشانه وه ئيلهام و جهساره ت ده به خشنه وه. بيگومان ټه و ده سته که وتانه به قوربانی ههري گوره به ده سترخاون. زه ينه ب جه لايان له سهر پاشخانی ميژووی ټيکوشانی هه زاران ساله ی ژنان بهرده وامه و خو ی له سهر ټه و راستيانه بونياد ناوه. ټه مرؤکه ش به ټيکوشانی خو ی خاوه نداري له ميژووی ژنان ده کات. رژيمی داگيرکهری ئيران ټه مه باش ده بينيټ و هه ولده دات به هه موو ري و ريبازيک له که سايه تي زه ينه ب جه لايان دا ئيراده ی هه موو ژنانی نازاد يخواز بشکينيټ و ټيکوشان بې وانا بکات. هه رچه نده به شيويه کی ههري وه حشيانه ش بيټ، به لم زه ينه ب جه لايان له ټيکوشانی خو ی دا پيداگري له سهر ټيکوشانی نازادی ده کات.

له که سايه تي ژنی نازاد دا کومه لگه و ژيانی نازاد

ده که نه ئامانج

رژيمی ئيران، خو ی به رژيمی کومارخواز پيناسه ده کات. زه ينه ب جه لايان له و کاتانه ی دا که ټه شکه نجه ده کريټ به وانه ده لټ: "مه گهر خوايه کی ئپوه نييه؟... ده سترديژي ده که نه سهر مرؤقيکی بې تاوان و به شيويه کی ههري نامرؤفانه ټه شکه نجه ی ده که ن؟". ټه شکه نجه که رانيس وه ها وه لم ده ده نه وه؛ ئيمه ئيستا له قاتی سه ره وه تؤ ټه شکه نجه ده که ين که تؤمان برده قاتی خوا ره وه له ويدا خوا نييه، ده توانين له ويدا تؤ به ئاسانی ټه شکه نجه بکه ين و خوداوه نديش دهنگی تؤ نايستيت. ټه م بابه ته ټه وه

زه ينه ب جه لايان له ئيران يه که مين ژنه که سزای هه تاهه تايی به سهر دا سه پيندراوه و ټه وه ماوه ی شانزده ساله له زيندان دايه. له بهر ټه وه ی زه ينه ب جه لايان ټيکوشانی نازادی و ديمؤکراسی به ريوه ده بات له نيوان چوارديواريه ک دا به ند کراوه. به بهر خوډانی خو ی هه موو کړده وه کانی رژيمی داگيرکهری ئيرانی مایه پوچ کړدوه ته وه و بؤ هه موو ژنان و گهلان بووه ته سيمبولی بهر خوډان و ټيکوشان



به کارهێنایی ئەشکەنجەیی وەحشیانەیی رژیمی ئێران لەکوێوە دیت؟ وەلامی ئەوەش لەبیروهزری رێبەر ئاپۆوەیە. زەینەب جەلالیان هێزی خۆی لەپارادیکمای رێبەر ئاپۆ کە پشت ئەستورە بە نەتەوهی دیموکراتیک وەرەگریت. زەینەب جەلالیان هەستی بەوه کرد ئەو ژنەیی خۆی لەسەر هزری رێبەر ئاپۆ پەرورە دەکات، ئازاد دەبیت. تیکۆشانی ژنی تیکۆشەر و بەرخۆدانغان "ساکینە جانسز" بۆ زەینەب بوو تە ئیلهام و بیانوی تیکۆشان. ژنە شۆرشگێری نەمر ساکینە جانسز لەبەرمامبەر بەدەوڵەتی تورکی داگیرکەر و فاشیست هیچ کاتیک تەسلیمییەت و سەرشۆری قەبول نەکرد و لەبەرخوازی خۆیدا لە بەرامبەر سیستەمی پیاوسالاری کە بەزەهینەتییەکی پێنج هەزار ساڵە پشت ئەستورە، تیکۆشانی بەرێوە برد و بۆ هەموو ژنانی کورد بوو سیمبۆل. بەسەدان ژنی کورد لەسەر ئەو رێبازەیی ساراگان، بوونە ئالاهەلگری ئەو تیکۆشانه.

زەینەب جەلالیانیش وەک ئەو هەزاران ژنە کورده لەناو شەڕێکی دژواردا لەدایکبوو، یا ئەوەتا لەشەڕدا گیانی بسپاردبا یاخود لەبەرمامبەر بەزەهینەتی شەڕکەر و هێرشکار دەستی بەتیکۆشانی ئازادی بکردبا. ئەو رێگەییە زەینەب جەلالیان هەلبێژارد، رێگەیی ئازادی و وەستانەوه لەدژی کۆیلایەتی و نادادی بوو. ئەو ژیانە ئازادەیی هەلبێژارد. بۆ ئەوهی بگاتە ئەو ژیانە، ئێش و ئازاری هەموو ژنان و گەلانی بەئێش و ئازاری خۆی بینی و ئەوهشی کردە بیانویەکی بۆ تیکۆشانی مەزن. شوێنی ئەشکەنجەدانی بەسەرجهستەیی ئەو جوانانە بینیووە کە بەرەو پەتی سێدارە دەبران و بەقوولیی هەستی پێ کردووە. هەموو ئەو رووداوانەیی ژیاووە کردە بنەما بۆ تیکۆشانیکی بەهێزتر. ئەو رژیمەیی دەیهوێت بەئەشکەنجە پەشیمانی بەسەردا بسەپینیت، زەینەب بە تیکۆشانیکی بەهێزتر وەلام دەداتەوه. زەینەب جەلالیان بەجەسارەت و قارەمانییتی بۆ هەموو ئەو ژنانەیی لەزیندانه کەن بوو تە سیمبۆل. بۆیە ئەرکە لەسەر شانی هەموو لایەکی کە خواوەنداری لەتیکۆشانی ئەوان بکەن. هەموو بنەمالەیی زیندانیان، بنەمالەیی شەهیدان و کەسایەتی ئازادبخواری، ژنان و گەنجان ئەریکیان گەورەکردن و بەهێزکردنی بەرخۆدانە. خواوەنداریکردن لەو زیندانیانەیی کە تەسلیمییەت و سەرشۆری قەبول ناکەن، خواوەنداریە لەژیان و کۆمەلگەییەکی ئازاد. بۆ ئەو کەسانەیی کە لەپێناو ژیاوتیکی ئازاددا تیکۆشان دەکەن و هێلی تیکۆشان دەستنیشان و ئەو کەسانەیی لەبەرمامبەر بەدوژمنی داگیرکەر تەسلیم نابن، خواوەنداریکردن ئەریکیکە و تیکۆشان پێویستیەکی. بۆ ژیان و کۆمەلگەییەکی ئازاد، بۆ دیمۆکراسی و یەکییتی هەموو نەتەوه و گەلان، بۆ ژنان و پیاوانتیکی ئازاد خواوەنداری لەتیکۆشان ئەرکی هەموو لایەکی.

نیشان دەدات کە چەندە رژیمیکی دژە ئیسلام و ئەخلاقە. لەزیندانی ئامەد بەبەرخوازی هەمەلایەنە سیاسییەتی وەحشیانەیی دەوڵەتی تورکی داگیرکەری مایهپووج کرا. لەئێرانیش بەهەمانشیوە بەپێشەنگایەتی ژنانی تیکۆشەر سیاسەتی رژیمی داگیرکەری ئێران پووجەلکرایەوه. ژنانی پێشەنگ بەویست و بانگەوازی گەلان و ژنانی ئازادبخواری، تیکۆشانی خۆیان بەگورتر و بەهێزتر دەکەن و لەکۆمەلگەدا پەرهی پێ دەدەن. رژیمی داگیرکەری ئێران کاریگەری ژنان بەسەر هەموو کۆمەلگەوه دەبینیت، لەبەر ئەوهش هەوڵدەدات لەکەسایەتی ئەو مەزۆفە پێشەنگ و ئازادبخواریانەدا، سنورەکانی ئازادی بەرتەسک بکاتەوه و بێ رەوشتی، بێ کەلتوری و بێ هەلوێستی و بێ مافی رەوا بکات. رژیمی داگیرکەری ئێران زیندان وەک کارتیکی گوشار لەبەرمامبەر بەژنان و گەنجان بەکاردینێ. گەلان و ژنانی ئێرانی بەشیویەکی ئایدۆلۆژی لەنیو زیندانه کەن و دەرەوه لەبەرمامبەر بە سیاسەتە چەپەلەکانی رژیم تێدەکوژن.

رژیمی ئێران رەواپەتی خۆی لەدەست داوه

هاوکات ژن لەبەرمامبەر یاساکانی رژیم وەک زەخت و گوشار و زۆرداری دەوهستەوه و تیکۆشان دەکەن. هەموو یاساکانی رژیمی ئێران لەسەر بنەمای بێ کاریگەرکردن و لەناوبردنی ناسنامەیی ژنانە، ئەو یاسایانەیی کە دەریدەچوین لەبەرمامبەر بە ژیانی راستەقینەیی ژنان و گەلانە. لەبەرمامبەری سەپاندنی یاسا ژنان تیکۆشان دەکەن و لەسایەیی ئەم تیکۆشانه لەمەژدا کۆمەلگە ئەو یاسایانەیی خستوو تە بەر لێپرسینەوه و حیساب خواست و ئەو یاسایانەیی سەپاون لەبەرمامبەریان وەستاو تەوه و لەلایەن کۆمەلگەوه پەسەند ناکرین و بەشیویەکی روون و ئاشکرا ئەوهی پێش دەکەوێت ئەوهی کە؛ گەلان و ژنان لەئێران ئەو رژیمەیان ناوێت و لەبەرمامبەر بەرژیمی دەسەلاتدار و دژە مەزۆفی ژیاوتیکی ئازادیان هەلبێژاردووە و بۆ ئەو ژیانە تیکۆشان دەکەن.

زەینەب جەلالیان سیمبۆلی بەرخۆدان و تیکۆشانه

زەینەب جەلالیان لەئێران یەکەمین ژنە کە سزای هەتا هەتایی بەسەردا سەپیندراوه و ئەوه ماوهی شانزە ساڵە لەزیندان دایە. لەبەر ئەوهی زەینەب جەلالیان تیکۆشانی ئازادی و دیمۆکراسی بەرێوه دەبات لەنیوان چواردیواریەکی دا بەند کراوه. بەبەرخوازی خۆی هەموو کردووەکانی رژیمی داگیرکەری ئێرانی مایهپووج کردو تەوه و بۆ هەموو ژنان و گەلان بوو تە سیمبۆلی بەرخۆدان و تیکۆشان. رەنگە زۆر کەس بیانەوێت بزەنن سەرچاوهی هێزی زەینەب جەلالیان و ئەو خۆپارگیهیی لەبەرمامبەر بە

هه‌لمه‌تیک؛ کوانووی دیمۆکراسی بلیسه‌دارتر کرد

کۆ ئامه‌د شاهۆ

دیاردە ی کورد که رۆحیک له‌ناو جه‌سته‌به‌کدایه، تینووی هه‌تاوی ئازادییه. به‌هه‌لمه‌تیک ئالای ئازادی به‌رز ده‌کاته‌وه و تامه‌زرۆی شکاندن تینوویه‌تییه. ئه‌و گه‌له تینووه نیازپاکی و پابه‌ندی خۆی به‌گورکردنی تیکۆشان و شۆرش ده‌رده‌بریت. داخۆ ئه‌مه‌ خه‌وتیکه یان حه‌قیقه‌تیکه که گه‌لی کورد و گه‌لانی ئازادبخواز هۆگری بوون؟ دیاره ئه‌مپۆ درووشمیک له‌زه‌ینی گه‌لانی ئازادبخواز دره‌وشابه‌وه‌یه که حه‌قیقه‌تی گه‌ل و کۆمه‌لگایه‌ک ده‌رده‌بریت. ئه‌وه‌ش سه‌لمینه‌ری ئه‌وه‌یه که هه‌رگیز نکۆلی له‌حقیقه‌ت ناکریت و په‌رده‌پۆش ناکریت و ناکرۆی رۆح له‌جه‌سته‌دابهریندریت و خه‌مسارد و بێ به‌رپرسیارانه له‌گه‌ل ئه‌و پرسه‌مامه‌له‌ بکریت و به‌ئسانی گوزهر به‌سه‌ریدا بکریت.

دیمۆکراسی ئاشکرا کردنی حه‌قیقه‌ته

هه‌لبه‌ت بۆ چاره‌سه‌ری کیشه‌ی کورد هه‌نگاوێکی میژوووی پیوسته. ئه‌و هه‌نگاوه‌ش ره‌وت و ریازی سه‌رده‌میانه‌ی ده‌ویت که جیاواز له‌هه‌ر سه‌رده‌میکی میژوووی بیت. چون ئیره‌دا پینداگری له‌سه‌ر بوونی

هه‌لمه‌تی ئازادی جه‌سته‌ی ریبه‌ر ئاپۆ و چاره‌سه‌ری پرسى کورد، به‌یه‌تیک له‌دیارتیرین و گرنگترین باسه‌کانی تیکۆشانی ئازادبخوازی گه‌لی کورد و گه‌لانی ئازادبخوازی جیهان له‌قه‌له‌م ده‌دریت که شه‌پۆله‌که‌ی ئه‌وه‌نده به‌هیزه، که ئاکادیمسین، رۆشنبیر، مرۆفه ئازادبخواز و دیمۆکراتیخوازه‌کانی له‌سه‌رتاسه‌ری جیهاندا هیناوه‌ته سه‌رخه‌ت و تا ده‌روات به‌جیهانی ده‌بیت و ده‌بیته هه‌لمه‌تیکى ناوازه و بێ وینه‌ی میژوو. راگه‌یانندی هه‌لمه‌تیک دوو پرسى سه‌ره‌کی رۆژه‌لاتی ناوین له‌خۆ ده‌گریت که به‌کیلی چاره‌سه‌ری سه‌رجه‌م کیشه و گرفته‌کانی هه‌ریمه‌که له‌قه‌له‌م ده‌دریت، که به‌شداری کردن تیدا راپه‌راندنی ئه‌رک و به‌رپرسیاریتییه‌کی ئه‌خلاقی و سیاسیه. چون ئه‌مپۆ دیاردە ی کورد وه‌ک زه‌وییه‌کی به‌یاری لێها‌تووه که تینووی ئاوه، تینووی چاره‌سه‌ری دیمۆکراتیک، ئاشتیا‌نه و دادپه‌روه‌ری کۆمه‌لایه‌تییه. له‌و زه‌ویه‌شدا که گه‌لی کوردی تیدا، زیاتر له‌و خا‌که، تینووی ئازادی جه‌سته‌ی ریبه‌ر ئاپۆ و چاره‌سه‌ری دیمۆکراتیا‌نه‌ی پرسى کورده. بۆیه گه‌لی کورد و



تاکه کانی کۆمه لگا له و بابه ته دا چه ندیک هوشیار و به ئاگا و ریکخراون؟ بئگومان به دهسته وازهی کۆیله ی چاک، کرێکاری چاک و کوردی چاک ئه و زهوییه ی که تینووی ئازادییه ئا و نادریت و به ره همدار نابیت. ئه و دهسته وازانه بۆ خۆی به واتای دوورکه و تنه وه له نرخ و به ها مرۆیه کان و بئ به شی له ئازادییه. واتا دابران له حه قیقه ت، زهین کویری و بئ کاردانه وه هیشته وه ی مرۆقه. چون لیره دا کوردی ئازاد که ناسنامه ی نوئی رۆژه لاتی ناوینی نوئییه، به واتای ره تکرده وه ی ئه و لۆژیک و فه لسه فه یه که کۆیله یه تی ده کاته گری کویره و تاکه بژارده ی مرۆف. له و پیتاوه شدا فه لسه فه ی کوردی ئازاد به هه موو هیزه وه هیللی "به رخۆدان ژیا نه" له دژی فاشیزم و دیکتاتۆریه ت پته وتر و فراوانتر ده کات و بژارده یه کی نوئی ژیا نی خه لاتی مرۆفایه تی کردوه. بۆیه گه لی کورد و دۆستانی ئه مرۆ به ده برینی هه لمه تیک پیداغری له سه ر ئازادبوونی گه ل و کۆمه لگایه ک ده کهن و به هه موو هیزیا نه وه به ره پرچی ئه و دیارده مه ترسیدارانه ده دنه وه که هه ره شه یه بۆ سه ر ئازادی و دیمۆکراسی.

ئه و هه ره شه ش راسته وخۆ کاربگه ری له سه ر نکۆلی و کۆمه لکوژکردنی گه لی کورد داناوه. واتا به و میتۆده گه لی کورد به بئ ناسنامه، بئ به هره و بئ هیوا ده هیئن. ئه وه ش له باربردنی دیمۆکراسی له ناو لانکه ی مرۆفایه تی یان لانکه ی ژیا ره. راسته وخۆ گه لی کورد له ئالوگۆره هه ری می و جیهانیه کان داده برینن. پیداغری له سه ر پارچه بوون و نکۆلی کردنی گه لی کورد ده کریت. ده یانه ویت زه وینی به یاری کورد بۆ سه د سالی دیکه به گویره ی به رژه وه ندیه کانی خۆیان ئا و بدن. واتا فه لسه فه ی ئازادی و دیمۆکراسی له کوردستان بن بر بکه ن. له کاتی کدا دیمۆکراسی راسته وخۆ په یوه ندی به چالاکی گه له وه هه یه. ئه و کات سه رکوت و چه وساندنه وه ی گه ل و کۆمه لکوژیه کانی کوردستان به ئامانجی نه زۆک کردنی دیمۆکراسی به ریوه چووه و ده بن. چون دیمۆکراسی ئاشکرا کردنی حه قیقه ته. به شداری کارای گه ل له سیسته می خۆبه ریۆه بردنی خۆیه تی، دامالینی ده مامکی سه ر هیزه تاریکبه ره سه ته کانه.

هه لمه تیک، زمانی دیمۆکراسی له جیهان وه گه ر

خست

گه لی کورد به درێژایی میژوو له ژیر ناو و

ئازادی و دیمۆکراسی ده کریت. بۆیه ئازادی و دیمۆکراسی به قسه وقسه لۆک و ناو و ناتۆره به ئاسانی قه تیس و به رته سک ناکریت. واتا ئازادی و دیمۆکراسی به روانگه و هزری سۆسیالیستی ده سه ته به ر ده بیت. چون پتو یسته به چه کیک له دژی مۆدیرنیته ی سه رمایه داری و هیزه کۆنه پاریزه کانی هه ری مه که شه ر بکریت که کۆت و به نده کانی به رده م ئازادی تیکبشکینیت، نه چه کیک که وه که له بچه هیوا و ئاواته کان له ناخی مرۆقه کان قۆلبه ست بکات و به ملوانکه ی کۆیله تی یه خسیر و ده سه ته مۆ بکریت. ریچکه و ریپازیکی تیکۆشان پتو یسته که گورز له عه قلیه تیک بدات که کۆمه لگایه کی کۆیله و به نج کردوه تا رۆژانه رووبه پرووی سووکایه تی و نکۆلی کردن ببیته وه.

ئهم هه لمه ته ئه و گورزه مه زنه یه که ئه مرۆ گورز له عه قلیه ت و فه لسه فه یه کی چه واشه کار ده دات که هه ره شه یه کی جدییه بۆ سه ر مرۆفایه تی. چون کاردانه وه ی ئه و عه قلیه ته له کوردستان ده بینریت که چۆن ده یانه ویت گه لی کورد له ناو قه فه سی ناسینی داگیرکاریدا رووبه پرووی کۆمه لکوژی بکه نه وه. به چ ری و ریپازیکی هیرشی کولتووری له سه ر ده کریت و بئ شووناس ده هیلریت و بئ ئیراده ده کریت و رووبه پرووی ترسانترین و گه وره ترین هه ره شه ی سه رده م ده بیته وه. ئه و کات چ ریپاز و میتۆدیک شایانی هه لگری ئه و گورزه جه رگبه یه که له نه یارانی چاره سه ری پرسی کورد و ئازادی و دیمۆکراسی بدریت. ئه گه ره شه و رۆژ له بله ندگۆکانی مۆدیرنیته ی سه رمایه داری، بانگه وازی دیمۆکراسی بکری، بانگه وازییه کی بئ کردار و بریقه داره. چون زمانیک له وه مه کۆیانه به کار ده بریت، زمانی گه شان وه ی چالاکی گه ل نییه که ئیراده ی ئازادی له سه ر بونیاد بنریت. زمانی ریکخستن کردنی گه ل و کۆمه لگا نییه. زمانی گورکردنی تیکۆشان و گه شان وه ی به رخۆدان نییه. ئه و کات له به کار بردنی چۆنیه تی ری و ریپازدا که م و کورتی جددی له ئازادییه که بۆ خۆی به ره به ست له به رده م چه سپاندنی دیمۆکراسی و ئازادی و چاره سه ری دیمۆکراتیکی پرسی کورد دروست ده کات.

داخۆ به و ده سه ته وازانه ی که داگیرکه ران و به کریگراوه کانیان بۆ کۆمه لگای کورده واری تاشیوانه، ده توانن زه وی به بئ پرشنگ و گزنگ به یئن؟ خونه چه ی هیوا و باوه ری له ناخی مرۆقه کان دامه رکنین؟ داخۆ

ناویشانی جیاجیا کوانووی دیمۆکراسی گەشاندووە. ئەوەش بەو تیکۆشان و بەرخۆدانە نەبەزانەیی که بەرپۆیە بردوو، مسۆگەری کردوو و دەیکات. بۆیە لەجیگایە کدا که چالاکى گەل بوونی هەبیت، دیمۆکراسی لەو جیگەیدا دەستەبەر دەبیت. ئەمڕۆ گەلی کورد و دۆست و لایەنگرانی بە هەلمەتیک تیشکی دیمۆکراسی بەربلاو دەکەن و کوانووی دیمۆکراسی بلیسەدارتر دەکەن. هەلبەت چالاکییە ک دەتوانی دیمۆکراسی دەستەبەر بکات، که بە عەقڵیەتی سۆسیالیستی و ئازادبخواری خەمڵیندرا بێت و داپراو لەزینەتی مۆدێرنیتە سەرماپەداری بێت که فەتح کردنی مەرووف ئامانجیەتی. بۆیە ئەمڕۆ چالاکییە ک لە هەناوی گەل دەدرەوشیتەووە که گۆپیی رووناکی لە ۷۴ ناوەندی جیهان بۆ گەشتن بە ئازادی و دیمۆکراسی هەلکەرد. واتا هەلمەتیک بەرپا بوووە که زمانی دیمۆکراسی لە جیهان وەگەر خستوو. لەژێر چەتریکدا گەل پەلکینشی گۆرپانەکانی تیکۆشان دەکات.

بە پیتی فەلسەفەیی رێبەر ئاپۆ هیچ کیشەییە ک نییە که لە دیمۆکراسیدا چارەسەر نەبیت. کەوا بێت بۆچی ئەو هێزانەیی که ئەمڕۆ خۆ بە ناوەندی دیمۆکراسی لەقەڵەم دەدەن، لە کرداردا خۆ لەقەرەیی گەوهەری دیمۆکراسی نادەن؟ بۆچی لەرۆژەلاتی ناوین لەژێر بیانوو و تۆمەتی هەلپەسێردراو بە کۆمەڵکۆزکردنی گەلی کورد، دیمۆکراسی لەگۆر دەنیتن؟ لە کاتی کدا رێبەر ئاپۆ دەلیت: «لە دیمۆکراسیدا کیشەیی تابۆ، بوونی نییە، تەنانەت دژە ژەهەری تابۆترین کیشە و پرسەکان، دیمۆکراسیە». کەوا بێت بۆچی ئەمڕۆ کۆمەڵە یاسا و بیر و باوەر و نەریتیک لە کۆمەڵگادا که پیرۆز کران، شکاندن و دەست تێوەردانیان قەدەغە کراوە؟ دیارە رژیمة داگیرکەرەکان زاریان لە دیمۆکراسی تۆقیووە. ئەمڕۆ تەنانەت یاسایە ک لە دژی رێبەر ئاپۆ و پرسى کورد پەیرەو دەکەن که لە دژی یاسا و رێساکانی خۆیانە. لەژێر ناوی دیمۆکراسی، دیمۆکراسی دەرخواردی کۆمەڵگا دەدەن. ئایا ئەوە بە واتای نەکوونی کردن و چەواشەکردنی دیمۆکراسی و ئازادی نییە؟ ئەگەر چارەسەری کیشەییە ک دەبیتە هەوینی دیمۆکراسی و ئازادی بۆچی ئەوەندە سامیان لێی هەیه؟

ئەو لەلای هەر کەس روون و بەرچاوە که هەر چەندیک دیمۆکراسی لە ناوچە کدا بوونی هەبیت،

بەو ئەندازەییەش ئاشتی بەرقەراره. واتا چەندیک گەل چالاک بن، زمانی دیمۆکراسی گەشە دەکات. چون چالاکى زمانی دیمۆکراسیە. بەس کردووێ دەولەت - نەتەووەکان سەلمینەری بۆ ناوەرۆک کردنی دیمۆکراسیە. لەبەر نەبوونی دیمۆکراسی ناگری شەرپ گۆرتر دەبیت و پانتاییە کەیی زیاتر دەبیت. ئەم هەلمەتەش لە راستیدا بە واتای کۆتایی هێتان بەو شەرپ و مەلۆیانیەییە. چەسپاندنی ئاشتی و ئارامی لە ناوچە کەییە. چون تا ئازادی جەستەیی رێبەر ئاپۆ مسۆگەر نەبیت، ئەوا ناگری شەرپ دانامرکیت و شتیکی بە ناوی ئاشتی مسۆگەر نابن. بەو هەلمەتە گەلانی ئازادبخواری بە پیشەنگایەتی گەلی کورد دەیانەوینت کۆپیلایەتی نەفرین کراو بۆ ئازادی هەتا هەتایی بگۆرن و بەو هەش ئەرکی سەردەمیانی خۆیان بە جۆر بەینن. ئەو کات ئەرکیکی مێژوویی و مەروویی دەکەوینتە سەرشانى هەر تاکیکی ئازادبخواری و سۆسیالیست لە ئێران و رۆژەلاتی کوردستان که بەشدارى لەم هەلمەتە پڕشنگدارەدا بکات و رۆلی لەگۆرینی ئەو لادانە مێژووییەدا هەبێ. بەو بەشداربوونەش قەرەبووی ئەو شکستە مێژووییانە بکاتەووە که گەلی کورد و گەلانی ناوچە کە تووشی بوون، تا هیوای گەشتن بە ئازادی و چەسپاندنی دیمۆکراسی گەشاوەتر بێت.

سپاردنی تیکۆشان و خەبات بە داهاوو، بە واتای لە دەستدانی حەقیقەتە

ئەم هەلمەتە بەو واتایە دێت که لە مێژوو پەند و وانە دەربخەین. خۆیندەوێ راست بۆ مێژوو بکەین. چون مێژوو بێجگە لەوێ که ئاوپنەیی پەند وەرگرتنە، بۆ خۆی واقعیتیکە که تیدا ژيان دەکەین. واتا سیاسەتی داگیرکەرەکان لە بەرامبەر سەرکردە، رێبەر و پیشەنگەکانی گەلی کورد لەرابردوو تەنیا شتیکیمان پێ دەلیت؛ ئەویش جیا لە نەکوونی، بە کریگی راوی، پاکتاوکاری و خۆبەدەستەوێدان شتی دیکەیی تیدا نییە. بۆیە سیاسەتیک که لە ئیمپەرالی لە کەسایەتی رێبەر ئاپۆ بەرپۆیە دەچیت، لە دژی گەلی کورد و گەلانی ئازادبخواری. لەبەر ئەوەیە که بە راگەیانندی هەلمەتیک جیهانی، شەپۆلێکی بەرخۆدان و تیکۆشان لە دژی ئەو سیاسەتە دەستپێکەرد. ئەو کاتە ئیمە لە مێژوو چ پەندیکمان وەرگرتوو، پێویستە لە گۆرەپانی سیاسەتی دیمۆکراتیکدا کە لێکیان لێ وەر بگرین. بەو پەند وەرگرتنە بازنی داگیرکاری تیکبشکینین.



چەندىك ديمۆكراسى لەناوچەكەدا
بوونى ھەبىت، بەو ئەندازەيەش
ئاشتى بەرقەرارە. واتا چەندىك
گەل چالاک بىن، زمانى ديمۆكراسى
گەشە دەكات. چون چالاکى زمانى
ديمۆكراسىيە. بەس كردهوہى
دەولەت - نەتەوہەكان سەلمىنەرى بى
ناوہرۆك كردنى ديمۆكراسىيە. لەبەر
نەبوونى ديمۆكراسى ئاگرى شەر
گورتر دەبىت و پانتايەكەى زياتر
دەبىت. ئەم ھەلمەتەش لەراستيدا
بە واتاى كۆتايى ھىنان بەو شەر و
مالویرانيە

واتاى لەدەستدانى حەقىقەتە، كە خەونى سەدان
سالەى گەلە. بۆيە ئەم ھەلمەتە سووربوون لەسەر
رابردووہەكە كە ئازادى و ديمۆكراسى تيدا قەتيس
كراون.

ئەمرو لەكەسايەتى ريبەر ئاپوڤدا، لەدورگەى
ئيمرالى ھەرەشە و مەترسى لەسەر حەقىقەتەتەك
لەئارادايە. لەبەرچاوى راي گشتى جيهان نكوڤى
لەحەقىقەتەتەك دەكرىت و داگرەران رىگرى لەوہ
دەكەن كە چاوەكان ئەو حەقىقەتە نەبينن و
گوڤيەكان لەدەنگدانەوہى ئەو حەقىقەتە كەر و
زمانەكان لال بىن، تا حەقىقەت بۆ ھەميشە پەردەپۆش
بىت و درەوشانەوہى حەقىقەتەتەك لەپەراوى مژوودا
بشارنەوہ. بۆيە راستى ريبەر ئاپوڤ ديوى سەرەكى
ئەو حەقىقەتەيە كە ناپانەوڤ رىوناكى بە جيهانى
تارىك بەخشىت. يان تەنانەت لەخوڤندنەوہى
رووپەلىك لەپەرتووہەكە شاكارەكانى تۆقاون و ئاستەنگى
لەبەرامبەردا دروست دەكەن و ناھيڤن كە شاكارەكانى
بىنە گلۆپى رووناككەرەوہى زەين و ويژدانى تارىك
كراو. بۆيە بەشدارى لەو ھەلمەتە بەواتاى پيداگرى
لەحەقىقەتەتەك دەبىت كە كۆتايى بە فاشيزم،
داگرەكرى و تارىكى دەھيڤت. ھەنگا و بەرەو خۇناسين

داخو پەندەكان بە گوڤرەى بەرژەوہەندى ھىزەكان
دانائاشرىن؟ بە پىشى شەرت و مەرج و شوڤن ئالوگوڤرپان
تيدا ناكرىت؟ داخو بەرژەوہەندى تەسكى حيزبى،
خىلايەتى و شەخسى، ھىچ لەمپەرىكى لەبەردەم
تەكۆشانى ديمۆكراتىكى گەل دروست نەكردوہ؟
ئەگەر ئەم پرسىارانە لەگوڤرپان نەبن بۆچى گلۆپى
تەكۆشان لەپىناو گەشەدانى ديمۆكراسى لەناخى
ئەو كەسانەى كە خۇيان بە ھەلگرى ئالاي ئازادى
و ديمۆكراسى لەقەلم دەدەن، ھەلناكرىت و بە پىشى
پتويست بەشدارى شەمەندەفەرى ديمۆكراسى نابن و
دەنگيان ناخەنە پال ھەلمەتەتەك كە بلىسەى ئازادى
گورتر بكات؟

نەيارانى ديمۆكراسى فەلسەفەيەك پەرەپىن دەدەن
كە مرۆڤەكان نكوڤى لەرابردووى خۇيان بكەن.
ھەلبەت ئەمەش گەوہەرى مۆڤرپىتەى سەرمایەدارىيە
كە لەسەر رەتكردن و نكوڤى كردنى نرخ و بەھاكانى
رابردوو، گەل و كۆمەلگا بەھىز دەبىت. واتا
داگرەكران ئەو بابەتە لەزەينى مرۆڤەكان بە جى
دەكەن كە نكوڤى لە شوڤر، تەكۆشان و بەرخۇدانىكى
سەردەميانە بكەن، تا چالاکى گەل كە ھەمان زمانى
ديمۆكراسىيە خونچە نەكات. ئەوہش بىگومان بە

هه‌لده‌گیریت و چرووسکی شۆرشى زیهنى و ویزدانى له‌ناخى تاکه‌کان به‌رپا ده‌کات. چون ده‌ستپیکردنى هه‌لمه‌تى خویندنه‌وهى کتێبه‌کانى رێبه‌ر ئاپۆ بۆ گه‌یشتن به‌و حه‌قیقه‌ته‌یه. ئه‌گه‌ر لێره‌دا خویندن، تیکۆشان و به‌رخۆدان به‌ داهاتوو بسپێردریت، ئه‌وا به‌ واتای له‌ده‌ستدانى حه‌قیقه‌ته، یان به‌ واتای سپاردنى ئیراده و ئازادى به‌ جیهانى خه‌یالییه که رێگا نادات زنجیری کۆیلايه‌تى بپسپێزیت و سروودى ئازادى و دیمۆکراسى له‌سه‌ر ئه‌م خاک و نیشتمان به‌خویندریت.

رۆشنیبر گه‌ل ئاراسته‌ی مه‌لێه‌ندى ژيانه‌وه ده‌کات

رۆشنیبران رۆلى سه‌ره‌کى له‌گه‌یشتن به‌و حه‌قیقه‌ته ده‌گیرن. په‌رده له‌سه‌ر راستیه‌کان هه‌لده‌مالن. چرای رووناککه‌ره‌وه‌ی کۆمه‌لگان. له‌و پیناوه‌دا رێبه‌ر ئاپۆ ده‌لیت: «کۆمه‌لگایه‌کى بێ رۆشنیبر وه‌ک کاروانیکی بێ پێشه‌نگه». بۆیه رۆشنیبران له‌کاروانیکی به‌شدارى ده‌کهن که چراخانى دیمۆکراسى له‌ناوچه‌که و جیهانن. ئه‌و کات هه‌لمه‌تى ئازادى جه‌سته‌ی رێبه‌ر ئاپۆ و چاره‌سه‌رى پرسى کورد ئه‌و کاروانیه‌که رێبه‌ر وه‌ی گه‌یشتن به‌ سه‌کۆی ئازادى و دیمۆکراسییه، بۆیه رۆشنیبران پێویسته پێشه‌نگایه‌تى بۆ بکه‌ن و به‌ ئه‌رکى

رۆشنیبران رۆلى سه‌ره‌کى له‌گه‌یشتن به‌و حه‌قیقه‌ته ده‌گیرن. په‌رده له‌سه‌ر راستیه‌کان هه‌لده‌مالن. چرای رووناککه‌ره‌وه‌ی کۆمه‌لگان. له‌و پیناوه‌دا رێبه‌ر ئاپۆ ده‌لیت: «کۆمه‌لگایه‌کى بێ رۆشنیبر وه‌ک کاروانیکی بێ پێشه‌نگه». بۆیه رۆشنیبران له‌کاروانیکی به‌شدارى ده‌کهن که چراخانى دیمۆکراسى له‌ناوچه‌که و جیهانن. ئه‌و کات هه‌لمه‌تى ئازادى جه‌سته‌ی رێبه‌ر ئاپۆ و چاره‌سه‌رى پرسى کورد ئه‌و کاروانیه‌که رێبه‌ر وه‌ی گه‌یشتن به‌ سه‌کۆی ئازادى و دیمۆکراسییه

سه‌رده‌میانه‌ی خۆیان راپه‌رن. هه‌لبه‌ت هه‌لێزاردنى رێگایه‌کى چه‌وت بۆ هه‌ر تاکیک له‌و رێبه‌ره‌وه‌ی تیکۆشاندا ده‌توانن دوورکه‌وتنه له‌ئامانج و رێبازى ژيانى ئازادى به‌دواوه‌ بێ. بۆیه ئه‌مه هه‌ستیارترین سات و سه‌رده‌مى تیکۆشانه که میژوو به‌رپرسیارى خستوه‌ته ئه‌ستۆ رۆشنیبران، ئه‌کادمیسین، سیاسه‌تمه‌داران، هونه‌رمه‌ندان، ژنان و جوانان. بۆچى رۆشنیبران رۆلى پێشه‌نگایه‌تى ئه‌و هه‌لمه‌ته‌یان له‌ئه‌ستۆیه؟ له‌بنه‌ره‌تدا رۆشنیبر ده‌ره‌یتنه‌ره. ده‌ره‌یتنه‌رى سه‌رده‌میکی نوێی تیکۆشانى پێ ده‌سپێردریت. هه‌لمه‌تیک به‌ ئه‌نجام ده‌گه‌یه‌نیت. کۆمه‌لگایه‌ک چالاک ده‌کات. به‌و پێیه رۆشنیبر ده‌بێته ده‌ره‌یتنه‌رى کۆمه‌لگای خۆی. واتا ده‌ره‌یتنه‌رى ده‌سته‌به‌رکردنى ئازادى و چه‌سپاندنى دیمۆکراسییه. ده‌ره‌یتنه‌رى هه‌لمه‌تى ئازادى جه‌سته‌ی رێبه‌ر ئاپۆ و چاره‌سه‌رى پرسى کورده. بۆیه رۆشنیبران رۆلیک به‌ کۆمه‌لگا ده‌به‌خشن که له‌شانۆنامه‌که‌یاند، گه‌ل ئاراسته‌ی مه‌لێه‌ندى ژيانه‌وه و فه‌لسه‌فه‌ی به‌رخۆدان ژيانه‌ ده‌کهن. سه‌رحه‌م رۆشنیبران بۆ ئه‌وه‌ی خاوه‌ن کۆمه‌لگایه‌کى هۆشیار و ئازاد بن، به‌ هۆشیارى، وردبینانه و دلسۆزانه ده‌جوولێنه‌وه و به‌ کاریگه‌رى ئه‌م هه‌لمه‌ته، ناسنامه و فره‌په‌نگى کولتوورى کۆمه‌لگا که به‌ره‌مه‌یى میژووویه سه‌ر له‌نوێ ده‌سته‌به‌ر ده‌کهن. چون به‌شیکى سه‌ره‌کى له‌ شۆرشى زهنیه‌تیش له‌م رێگایه‌وه ده‌سته‌به‌ر ده‌بیت که مایه‌ی به‌ره‌و پێدان و بووژانه‌وه‌یه.



چاند كۆمەلگەيە و ھونەريش رۇحى كۆمەلگە



پەرى ئاواز

لەسەر دەستى دايك پېشكەوتوو و چاند بووئە رووبارېك كە كۆمەلگەيە ھەمىشە بەرەو پېشەوہ بردوہ. بەلام كاتېك شامانى ھەسود و بەرچاوتەنگ و پاشاى داپۆشراو خۆيان بەرىكخستى كىرد، دژايەتى خۆيان لەبەرامبەر بەژيانى ژن - دايك كە وەك سەرچاويەك ژيانىان بەگور و رازاندبوويەوہ، راگەياند. بۆ ئەوہى كلتورى پىرۆزى ژن - دايك بىن ناوەرۆك و بىن كارىگەرىكەن و لەناوى بىەن، لەبەرامبەردا سىستەمى پياوسالارى كە ھىچ پەيوەندىكى بەچاند و ئەخلاقەوہ نىيە پېشكەوت. چاندى خوداوەندى تا ئەمروكەش خۆراگرى كىردوہ و بەردەوام بووہ. كاتېك باس لەپەيوەندى چاند و ھونەر بەيەكەوہ بكەين، ئەوا بەتەنيا باس لە گۆرانى، شانۆ ياخود سىنەما ناكەين، ئەوانە بەشېك لەچاندن. چاند بابەتتىكى زۆر بەرفراروان و بەرىنە. دەتوانىن بەشېوہىكى روون بلىين كە چاند لەھەمانكاتدا بوونى مرۆف ئىفادە دەكات.

كاتېك باس لەچاند دەكەين، لەواتايەكى تر باس لە مرۆفبوون دەكەين، ئەوہش بەو واتايە دىت كە مرۆف بىن چاند نايت. ئەگەر تىمە مرۆف، ئەوا خاوەن چاندىن. ئەگەر لەشوېنېكدا چاند بوونى ھەييت، ئەوا مرۆفايەتى لەویدا رەنجىكى زۆرى داوہ و بەمرۆفەوہ ئەو شوېنە پېشكەوتووہ. كاتېك باس لەچاند، وىژدان و

كاتېك باس لە كۆمەلگەبوون دەكەين، دەييت پېش ھەر شىتېك باس لەئاستى چاندى و ھونەرى ئەو كۆمەلگەيە بكەين؛ چونكە كۆمەلگەيەك بەچاند و ھونەر خاوەن سروشىتىكى كۆمىنال و ديموكراتىك و ئازادە. ئەوہى كە مرۆف دەكاتە مرۆف چاند و ئەخلاقە. ئەوہى كەكەسايەتى دەخولقېنيت چاند و ئەخلاق، چونكە مرۆف لەئىتو گەردووندا خاوەن بوونىكى بەرھەمھىتەرە و بەگويەرى پىويستى خۆى ژيانى خۆى رېك و پىك دەكات و بەردەوامى بەبوونى خۆى دەدات. كاتېك باس لەچاند و ھونەر دەكەين دەييت بەشېوہىكى سنوردار سەبرى نەكەين و دەييت بەشېوہىكى بەرفراروان چاند پىناسە بكەين. چاند برىتتە لەوہى كە مرۆف ھەر شت بەھىزى ئەقل و خولقكارى خۆى دروست دەكات و وەك بنەماى ژيانى مادى و مەنەوى "رۇحى" كەسايەتى و ژيانى خۆى لەسەربونىدانوہ و بەواتا و وەك شوناسىكى لى كىردوہ. ئەوہى كەلەيەنى رۇحى خۆى لەگەردوندا بەردەوام و بلأوبكاتەوہ ئەوہ چاندىكى رەسەنە. چاندى رەسەن ئەو چاندەيە كە كاتېك ژيانى ژن - دايك خۆى بەشېوہىكى ئازاد و بەپىوان كۆمەلگەى سروشىتى ھەمىشە بەخىو كىردوہ و خوى گەياندوہتە لوونكەى ھەرى بەرز. كاتېك مرۆف بەسەرنجەوہ سەير بكات، ژيانى ژن - دايك چاندىكە كە

ئەخلاق و زامانى ھاوبەش و شىۋەى ژيانى كۆمىنالىق ۋ ئازاد و كۆمەلگەى بەرخۇدانغان دەكەين، ئەوا باس لەچاند دەكەين. كاتىك مرۇف سەرنج بدات لەمىژوودا زۇر روودا و روويان داو و بەردەوام مرۇفائەتى رووناك دەكاتەو. وەك نمونە، كاتىك ۱۰۴ مە، ئەو رېسايانەى ژيانى ژن - داپكى خوداوەند لەلايەن پياوى فېلباز دزراو، ئەو كاتە ھەموو نرخی كۆمەلگە بەدەستى داپك - خوداوەند كە ئافرېندرابوو دەدزرىت و بەگوپرەى ھزر و بەرژەوہەندى خۇى ناوہرۇك، پېچەوانە كراوہتەو و سەرلەنوئ پېشكەش بەكۆمەلگە كراو. ئەوہش بەو واتايە دېت كە بەگوپرەى خۇى شىۋەى بەكۆمەلگە داوہتەو و ھەموو ھەولدانى دەسەلاتداران بۇ بەلارېدا بردنى مرۇفائەتى، لەبەر ئەو ھەموو لايەكەو بەرەوپېشچوونى مېژووى مرۇفائەتى لەدواى حەقىقەت لەبەرامبەر بەو بەلارېدا بردنە بەرخۇدانى كروە.

لەو كاتە بەدواوہ مرۇف دەتواتىت ئاماژە بە دوو رووبار لەژيانى مرۇفائەتېدا بكات. ئەوہش بەدزرىژايى مېژووى مرۇفائەتى ئەو دوو رووبارە لەناو مەملانئ و شەپدابوون بەردەوام. مرۇف دەتواتىت ئەو راستىە باش بېنىت بەسىستەمى دەسەلاتدارىەتى ئىدى دوو شىۋە لەبېرکردنەو، دوو رىيازى ژيان بەيەكەو پېش دەكەون. بەتېپەپوونى كات، مرۇف لەرەگ و رىشەى خۇى و سروشتى خۇى دوور بوويەو تا ئەو ئاستەى كە ئەو كاتەى مندالەكەى بەدنيا ھېنا، شىرى پى دا و گەورەى كرد، بەلام بەداخوہە لەكۇتايىدا ئەنكى خيانەتكار خەنجەرى لەنېودلى داپكە - خوداوەند چەقاند. ئەو خەنجەرە بووہ زامپكى ھەزاران سالە، وانا مېژوو، چاند و ژيان ھەموو پېچەوانە كراوہتەو. ئىدى شارى ئاتن كە بەھزرى زۇس ئامادە كرابوو ئىدى دواين ھاوارى پرمۆمىتۇس لەسەرچىاي قافقاسيا دوايىن ھاوارى لەلاشەى زەمەندا كرد و گيانى سپارد. ئەو گيانە نە لەبەر ئەوہى كە گيانەلاى بوو ھاوارى دەكرد، لەبەر ئەوہ ھاوارى دەكرد كە ئىدى بى چاند دەبوو.

ئىدى لەشويئى خۇشى؛ ناخۇشى، لەشويئى پېكەكىن؛ گريان و لەشويئى ئازادى؛ كۇپلايەتى دەرکەوتبوو. تايەتمەندىە جوانەكان گۇرپانان بەسەردا ھات. دەستاودەست كران و ژيان بەفەرمى بووہ گۇرپكى سارد، ژمارەيەك لەكۆيلەكان گۇريان ئامادە دەكرد و ژمارەيەكيش فانتەيان دەخويئىد. ھەرچۇن مرۇفائەتى لەمىژوؤپۇتايما لەناو رازى زاگرووس وونى كرد، ديسان ئەو نرخانەى كە خۇيان لەرۇخى داپكە - بەرخۇدانغان دا شاراوہ بوو، تەنيا لەھاوارى بەرخۇدانغاناندا مابوونەو ئەوہش

لەرۇھا گوندى ئەمارا لەخۇداوہند - ئۆوہىش لەبەرامبەر بەزۇرداران دواين ھىوا لەبانگدانى بەيانى دا ئومىدى خستە دلى مرۇفائەتى. لەنېو رۇخى ئازادىخوازىدا خاوەن ئىرادەيەكى گەورە نرخی ھەموو مرۇفائەتى لەچواردەورى ھزر و فەلسەفەى ئەو ژيانەى كە بونىادى نابوو، كۆكردەوہ و بووہ كۆمەلگەيەك كە سەرلەنوئ كەوتەوہ ئېگەرپىن و بەدواداچوون. ئەو چاند و ھونەرەى كە بەلارېدا چوووو، لەنېو ئېگەرپىن دايە و چەندى رى دەكا، رېگاكەى خۇى دەدزرىتەوہ.

خالپكى تر كە باسى لېوہبەكەين ئەوہيە كە كاتىك لەمرۇفائەت كرس دەكەين تۇ كىيت، ئەو مرۇفە دەوروبەرى خۇى و كۆمەلگەكى سەير دەكات و وەھا خۇى پىناسە دەكات. بۇ ئەوہش دەبىت ھەر مرۇفائەت چاندى كۆمەلگەكى خۇى سەير بكات و رەوشى كۆمەلگەكى بېنىت و بلى كە رەوشى كۆمەلگەكى من ئەوہ و منىش ئەوہندەم. چونكە چاند بابەتتىكى كەسى نىيە، بووتىكى كۆمەلەيەتە. كاتىك شت دروست كرا دەبىت كۆمەلگە حەقىقەتى خۇى تىدا بېنىت. كاتىك مرۇفائەت شتىكى دروست كرد و ئەو شتەى نەكردە مالى ھەموو كۆمەلگە و كۆمەلگە بەشويئى دا نەچوو، ئەوا ئەو شتە نابىتە چاند. بۇ ئەوہش كاتىك ئەو شت، لەگەل كۆمەلگەكەتدا دابەشكرد و كۆمەلگە بەدوايدا چوون، ئەوا ئەو كاتە ئەو شتە دەبىتە چاند. لەم رۇژگارەدا لەجىھاندا پېشكەوتنى زۇر گەورە دېنە كايەوہ، بەلام ئەو پېشكەوتنە مەزنانەى دېنە كايەوہ، ناكەونە خزمەتى مرۇفائەتى و بەپېچەوانەوہ بۇ لەناوبردىنى كۆمەلگە بەكاردېن. بەلام ئىمە بىرى لىكەينەوہ، بۇچى ئىمە ھونەرەندى ھەرى مەزن رىيەر ئاپۇ نەبىين، ئەوہ زۇر گرنگە. شتىك كە رىيەر ئاپۇ

مرۇف چەندە لەلايەنى چاندى
خۇى پېشبات لەھەلوپست و
پېشەنگايەتى خۇيدا بى دوودليە.
ئەوانەى ئەو راستىەيان لەكەسايەتى
خۇياندا پېكھيئا بوونە پېشەنگى
كۆمەلگەيەكى ئازاد و ئەمپۇكەش
ئىمە لەسەر رېگەى ئەو قارەمانانەدا
بەردەوامىن و تىكۇشانى خۇمان
بەھىزتر دەكەين

بونيادنا و بۆ ئەوھى مرؤفاھىتى بەئازادى بژين، ژيانىكى نوپى دەستنيشان كرد، بۆ ئەوھى ئيمە ئەو ھيئە جار يىكى تر مەزنتر و زيندووتر بکەين، تىكۆشانىكى گەورەى ئايدۆلۆژىكى دەوئت.

خاڭىكى ترى گرنگ چاندى گوندە. كاتىك ئيمە باس لەچاندى گوند دەكەين، ئيمە باس لەچاندى ژن - داىك دەكەين. ئەو چاندى كە بۆ يەكەمىن جار بنەماى گوندى دانا و بونيادى ژيانى داىكى دامەزراند. داىك لەھمانكاتدا خودى چاندە. گوندىبون چيە؟ گوندىبون ئەوھى كە لەسەر بنەماى چاندى، بەردەوامى بەژيانى خۆى دەدات، دەستەوداوپنى كەس ناييت و لەگەل سروشت بەشپۆھىكى يەكپارچە دەئيت. ژيانى گوند دۆستايەتى ھاوبەشە. ھەركەس ھاوکارى يەكتر دەكات و كەسىكى نامۆى تىدا نىيە. بى مافى و بى عدالەتى تىدا نىيە. گوشارخستە سەر يەكتر بوونى نىيە، ژېردەستبوونى تىدا نىيە و ...ھتد. گەلى كورد ھەميشە گوندى وەك مەلەندى ژيان بەكارھيئاو، ئەوھش نيشان دەدات كە مەلەندى كوردان گوندە. بەپىنناسەھىكى تر دەتوانىن بلىين چاندىبون، ساتىكى ئەخلاقى و ئازاد دروست دەكات. ھيرشپىكى گەورە لەسەر ئەم چاندە بەرپۆھ دەچيت و بەتپيەربوونى كات، ھيرشەكان بەھيتر دەبن، بۆ ئەوھى ئەم چاندە لاواز نەييت، دەبيت ئيمە چى بکەين؟ ئەوھى زۆر گرنگ، ناسنامە و رۆلى داىكە. دەبيت ئەو زىھنيەتەى لەبەردەم داىك ئاستەنگە، دەبيت تىكۆشانىكى مەزن و ھاوبەش بەرپۆھ بەيەن لەبەرامبەر بەو زىھنيەتەى كە رووبەرووى چاندى داىك بووھتەوھ. دەبيت ئەو راستيە تپيگەين كە چەندە ژن بەھيتر بى، ئەوھندە كۆمەلگە بەھيتر دەبيت. ريبەر ئاپۆ بۆچى پيش ھەر شت پرسى ژنى بەگرنگ بىنى و رايگەياند؛ ئەگەر ژن ئازاد نەييت، كۆمەلگە ئازاد ناييت. چونكە لەچاندى ژندا داگيركەرى بوونى نىيە و ژن بوونىكى چاندىيە.

ئەوھى كۆمەلگە دەخاتە سەر ريگەى حەقيقەت ژنە، بۆ ئەوھش سەير كەن، ئەوھى لەبەرامبەر بەو زىھنيەتە باوھ تىكۆشان دەكات و خواھندارى لەھزر و فەلسەفەى ريبەر ئاپۆ دەكات، ژنن. بۆيە زىھنيەتى پياوسالارى ئەوھ ھەرس ناكات و بەھەموو شپۆھەك بەھيرشى قركەر پەلامارى سەر ژنان دەدات. بەلام ريبەر ئاپۆ جار يىكى تر چاندى تىكۆشانى لەژاندا زيندو كردهوھ. ئەم چاندە ئىدى دەبيتە جيهانى. خاڭىكى تر كە باسى لپۆھبکەين، كۆمەلناسيە پيش ھەموو شتىك لەرۆژگارى ئەمژماندا كەم و كورتىكە دەژى و ئەوھش سەرچاوهى خۆى لەمپژووھ دەگرئت. ئەم سيستەمە باوھ ھونەر

ئافراندوبەتى، خستووېتە خزمەتى كۆمەلگەوھ، بۆيەش ريبەر ئاپۆ بەكۆمەلگەبوونىكى بونيادنا و خۆشى بووھ كۆمەلگە. كاتىك ئيمە باس لەريبەر ئاپۆ دەكەين، باس لە تۆوى ژيانى ئازاد و ھاوبەش دەكەين، ئەوھى كە لەسەر ئەسلى خۆى داپرابوو، باسى ئەوھ دەكەين.

كاتىك ريبەر ئاپۆ ووتى؛ من پياوئيتيم لەكەسايەتى خۆمدا كوشت، ريبەر ئاپۆ باسى زھنيەتى دەسەلاتداريەتى دەكرد كە بەھەزاران سالە خۆى بەسيستەم كردهو و ھيچ پەيوھنديەكى بەچاندەوھ نىيە. بۆ ئەوھى بىنە خاوەن چاندىكى ئازاد، ئەوھى كە لەسەر بنگە و ريشەى خۆى راستيەكان ئيفادە دەكات، پتويستە بۆ ئەوھ ئەو زھنيەتەى لەخۆماندا شپۆھى گرتووھ بكوژين. بەلام ئيمە چۆن ئەو زىھنيەتەى بەھەزاران سالە لەئيمەدا شپۆھى گرتووھ بكوژين؟ بۆ كوشتنى ئەوانە، پەسەند كردنى ژيانى راست گرنگە، دەبيت پيش ھەر شت ئيمە ئەوھ بزانين كە چاندى پياوسالارى، دۆگمايەكى زھنى دروست كردهو كە تا رۆژگارى ئەمرو، ئيمە لەسەر ئەو دۆگما و قالمە زھنيانەوھ رى دەكەين. ئەگەر ئيمە وەك مرؤف ئەو قالمە زىھنيانە لەخۆماندا نەكوژين و ئەو زھنيەتەى پياوسالارى كە كۆمەلگەبوون بەھيچ دەزانيت و دەست لەو زھنيەتە تالانكار و مرؤفكوژە بەرنەدەين، ناتوانين باس لەئازادى و يەكسانى و كۆمەلگەى كۆمىنال بکەين؛ چونكە ئەو زىھنيەتەى كە ئيمە باسى لپۆھ دەكەين، زھنيەتتەكە كە لەدژى كۆمەلگەبوون و ئازادىيە. لەم رۆژگارەدا كام مرؤف توانى زىھنيەتى دەسەلاتداريەتى لەكەسايەتى خۆى دا لەناو بيات و نوئ بوون لەكەسايەتى خۆيدا بونياد بنيت، ئەو كاتە ئەو مرؤفە دەتوانيت بلى ئەو من كەسايەتەكى چاندىم" خاوەن كەلتورم". ريبەر ئاپۆ ئەوھى لەكەسايەتى خۆيدا بونيادنا. بۆ ئەوھى مرؤف لەخۆيدا كەسايەتەكى نوئ بونياد بنيت، دەبيت ئەو كۆمەلگەھى بەدەستى پياوسالارى دارپژراوھ باش بناسيت، شيكارى بكات تا بتوانيت كەسايەتى خۆى بگورئت. كاتىك ئەو كارە نەكات، ئەو ناتوانيت گۆرانكارىك پيکھيئيت. مرؤف چەندە لەلايەنى چاندى خۆى پيشبخت لەھەلوئست و پيشەنگايەتى خۆيدا بى دوودليە. ئەوانەى ئەو راستيەيان لەكەسايەتى خۆياندا پيکھيئا بوونە پيشەنگى كۆمەلگەھىكى ئازاد و ئەمروكەش ئيمە لەسەر ريگەى ئەو قارەمانانەدا بەردەوامين و تىكۆشانى خۆمان بەھيتر دەكەين. ھاوكات كاتىك ئيمە باس لەچاندەكەين، ئيمە باس لەشپۆھەك لەگۆرانكارى لەشپۆھەكەين و رەخنە لەشپۆزى ھەلە دەگرين كە ريگە لەبەردەم نوئ بوونەوھ دەگرن. سەير كەن، ريبەراپەتى ھزر و فەلسەفەھىكى

بۆ ئەو ھەي ھونەرمەند ئەركى خۆي باش بزائى، دەبىت بە ئاگابىت كە ھونەرمەند كەسايەتھەكى ئازادە و بۆ جوان بوونى؛ كەسايەتى ئازاد بوئاد نانە. ھونەرمەند سروشتى سىيەمىنە كە ۋەك ھاوسەنگىەك لەئىوان كۆمەلگە و سروشت دا سەرلەنوئ شوئى بونىادنانە. ھونەرمەند ئەو كەسەيە كە لەكەسايەتى خۆيدا داھاتوو بونىاد دەئىت

و لەسەر ناوى ھونەر خراپى دەكەن، مرۆڤ دەتوانىت
لەسەر ناوى ھەستەكان چەندە خراپى و قىزىبوون ھەيە
لەكلىپ و فىلمەكان بىيىنىت. بۆ ئەو ھەي لەناوەرۆك پىر
بىت دەبىت كەسايەتى خۆي بگۆرپىت و بەنەتەوہبوونى
دىموكراتىك پەرورەدە بكات و كاروخەبات پىشبخات. ئىدى
زەمانى ئەوہ نىيە كەمرۆڤ لەشوئىن بەرژەوہندى خۆبەوہ
بىت، ئىدى زەمانى تىگەيشت لەچاندى دىموكراتىك و
بلاوكردەنەوہبەتى. كۆمەلگەي ئازاد و ولاتىكى ئازاد تەنيا
بەچاندى نەتەوہي دىموكراتىك پىشەدەكەوئىت.

و ھونەرمەندى لەبەكتەر نامۆ كىردوہ. ھونەرمەند ھونەر
نە بۆ كۆمەلگەبوون بەلكو ھونەر بۆ ھونەر دەكەن، بۆ
ئەو ھەي چەندە پارە ۋەربگرىت. پىش ئەو ھەي بىر لەنرخە
كۆمەلەيەتھەكان بكاتەوہ، لەفكرى خۆي داىە، بەراستى
ھونەرمەند وىزدانى كۆمەلگەي ئەخلاقى و سىياسىيە.
لەلایەنى ھزرى مېژووويەوہ، مېژوووى نوسراو و نەنوسراودا
ھونەرمەند مېژوووى كەياندۆتە ئەمرۆكە، بەلام بەداخەوہ
زۆر جارەن پارە و مادىيات پىشى بەھەموو نرخەكان
گرتووہ.

سىستەمى سەرمایەدارى ناوەرۆكى ھونەر و
ھونەرمەندى پوچ دەكات و ئەو ھەش پەرە پى دەدات.
ئەو ھەش نە بۆ مېژوو و نەكۆمەلگەبوونى رۆژانەيە، و
لەناوەرۆكبوون بەتالە. بۆ ئەو ھەي ھونەرمەند ئەركى
خۆي باش بزائى، دەبىت بە ئاگابىت كە ھونەرمەند
كەسايەتھەكى ئازادە و بۆ جوان بوونى؛ كەسايەتى
ئازاد بونىاد نانە. ھونەرمەند سروشتى سىيەمىنە كە
ۋەك ھاوسەنگىەك لەئىوان كۆمەلگە و سروشت دا
سەرلەنوئ شوئى بونىادنانە. ھونەرمەند ئەو كەسەيە
كە لەكەسايەتى خۆيدا داھاتوو بونىاد دەئىت. ھىزى
خۆي لەكۆمەلگە ۋەردەگرىت و بەھىزبوون لەكۆمەلگەوہ
سەرچاوہ دەگرىت، ئەگەر لەئىو سنورەكانى كۆمەلگەبووندا
مىنئەوہ دەبىتە قوربانى كۆنەپارىزىيى. ھونەر بىگومان
نوئبوونەوہي تاكەكەسى دەوئىت. بەلام تاكەكەس گەرايى
ۋەك كرمىكە كە ناوەرۆكى كۆمەلگە دەكرتئىت. زۆر جارەن
چى دەكات بەخۆشى ئاگاي لى نىيە. بۆ ئەو كەسانەي
كە لەزانستى ئەتىك و ئەستاتىك بى بەش و بى ئاگان



كۆماری كوردستان له نیوان ئەزموون و دەسكەوت دا



ئارام جەنگاوەر

خۆراگری له پیناوا ئازادی دا و پیداغری له سەرمافی ژیان. دوانەهی لیکدانەبەراوی بەرخۆدان و سەرکەوتن، بۆچی لەناو ئەو سەدەدەدا زیاتر له هەر جارێک خۆیان بەسەر کورددا سەپاند. بەرخۆدان و سەرکەوتن دوانەیهکی سەرنجراکیشن. گەر بەرخۆدان بکریت سەرکەوتن بێ گومان مسۆگەر دەبیت. بەواتایەکی دیکە سەرکەوتن بۆ کورد بێ بەرخۆدان بوونی نییه و خەیاڵە. هەرئەوێش بوو بە پەرمزی مانەوهی کورد له بەرداشی کۆمەڵکۆژییەکانی سەدەهی بیستەمدا.

ھاوکات کورد و چیا وەک دوو ھاوڕێی لیکدانەبەراو وان کە بەیەکەوه بە دنیا ناسراون و پۆژانە بە گوێماندا دەچریتن: کورد گەر چیا نەبێ، بوونی نابێ. هیچ شکێک لهوێدا نییه چیا پەرمز و قەلای بەرخۆدان و مانەوهی کورد، بەلام هۆکاری سەرەکی و کۆتایی نییه. زۆرن ئەو گەلانی وەک کورد چیایان هەیە و بگرە دارستانەکانیان چڕ و پڕتر و بەبەرەکەتتریشن بەلام یا شوێنەواریان لەمێژوودا نەماوه، یانیش وەک کۆیلە سەرمایه داری و بەبێ ناسنامەیی راستەقینەیان دەژین و بەدووڕن له پەرنسییەکانی ئازادی مرۆف.

لەمێژووی چەند هەزار سالێی کوردیشدا کەم نین ئەو قەلا و چیاوانەهی دواي تۆمارکردنی گەلیک قارەمانیتیی له ئەنجامدا بە چۆکدا داھاتوون. ئەوێ کوردی لەسەر پێ هێشتۆتەوه، جیا له چیاکان، بەرخۆدان بۆ خۆیەتی. کە

بە هاتنی ۲۲ رێبەندانی ئەوسال، ۷۷ سال بەسەر یەكەم كۆماری كوردستان دا تێدەپەرێ. بێگومان پرووداویك كە دواي ۷۷ سال یادهوهرییه كەهی هیوا به خشه، پۆژی له دایك بوونی جێژنه و كۆتایی هاتنی مرۆف خەمبار دەكات گرنگی ئەوێ هەیه بەردەوام لێکۆڵینەوهی لەسەر بکری و بەدەیان و سەدان پەرتووک و مەقالەیی لەسەر بنووسری و هەزاران لاپەرەیی پێ پرېکریتەوه.

رێبەر ئاپۆ دەلی بۆ ئەوێ بتوانین پرووداوه مێژووییەکان بە دروستی هەلسەنگینین و سوود له ئەزمونەکانیان وەرگرن، پێویستە کات و شوینی پرووداوه کە له هەموو لیکدانەوه کاندای رەچاو بکریت.

ئەو هەلسەنگاندانەیی سەر کۆماری کوردستانیش نایەتە واتای ئەوێ یەكە ئەگەر ئێمە لهوئ بووبایەین و بەو زهنییهتەیی ئەو سەردەم هەمان هەلمەمان دوویات نەدەکردەوه. بەلکوو هەلسەنگاندن له جیاتی خەتابارکردن، پوون کردنەوهی رێگەیی داھاتووییە.

چی وادەكات له نیوان دەیان سەرھەلانی کورد له مێژووی ھاوچەرخدا (کە بەداخەوه هەموویان شکستیان هێناوه)، یادهوهری کۆماری کوردستان له مەھاباد، هەست بزوین و هیوا به خش بیت. گەر پوویەکی سەدەیی بیستەم بۆ کورد قێکردن، تالان و کۆچبەری و داگیرکراوییه، بەلام ھاوتەرییی ئەوێش پراوپرە له قارەمانیتیی، شەھادەت،

توانیت تاوه کوو کۆتایی به دلیکی پر له هیواوه ههنگاوه کانت به رهو سه رکه وتن بیتی و قایم و توند و تۆلی بکه ی بیگومان چیا وهک قه لای ئه وه هیوایه ده بیته پارێزه رت و سه رکه وتنیش تۆمارده که ی.

گهر نه توانی هیوا به سه رکه وتن، به زیندوویی و گه شاره یی راگری، ئه و جار به سه دان نه خۆشی دیکه له ناودلی راپه ریواندا سه ره له ئه دات و ئه نه جامه که ی ده بیته تیکرمان و شکست. پێیه ر ئاپۆ به رده وام جه خت له وه ده کاته وه که "هیوا له سه رکه وتن به نرخته".

کۆماری کوردستان که له ۲۷ رێبه ندانی ۲۶۴۵ کوردی (۱۳۲۴ک.هه/ ۱۹۴۵ز) له مه بدانی چوارچرای شاری مه هاباد به سه رۆک کۆماری نه مر پێشه وا قازی محهمه د راگه ییندرا. چۆن هاته دنیا، چی کرد و بۆچی تیکرا؟

هه ر له یه که م شه وانی تاریکی بونیادنانی ده ولت تاوه کوو ئه مرۆ هه یج نه ته وه و ئه تنبیکک له لایه ن ده وله ته وه به رێژه ی کورد تووشی نه هامة تی و کۆچه ری و قیران و ژینۆساید نه بۆته وه. ده وله تیک که له سه ر زیده به ره هم و په نجی زاگرۆسیه کان بونیادنرا و پاشان وهک سه ره تانیک به هه موو دنیا دا بلاو بوویه وه و جیهانگیربوو. به لام کوردیک که خاوه ندرایتی ئه وه هه موو زه نگینی و به ره هم و په نجی به ره مه مه ئینانه ی کرد و تاوه کوو ئه ورۆکه ش هه موو ئه وه پیروزیانه ی پاراستوه به رده وام به ره ورپووی تالان بۆته وه و له هه ر به رگری کردنیکیشدا به رامبه ر ئه وه هه رشانه وه کراوه، جوانترین و به نرخترین رۆله کانی پێشکه ش به مرۆفایه تی کردوه. جوغرافیای کوردستان بووه ته لانکی مرۆفایه تی بۆنابن مافی خۆبه ریوه بردن و دیاری کردنی داهاوو و شیوه ژیا نی خۆی هه بن. گه لانی ئه وه جوغرافیایه تاوه کوو که ی ده بن چاوه روانی چاره نووس بکه ن و ته سلیمی قه زا و قه دهر بن.

دوابه دوا ی تیکچوونی ئیمپراتۆریه تی سه فه وی و پاشان عوسمانی، کورد به ده رفه تی زانی مافه زه وت کراوه کانی بخاته وه ده ست خۆی و خاکی ولاته که ی له ژیرچه که م و پۆتینی داگیرکه ران ده رکات و پاکی کاته وه (جیی ئامازه یه به درێژایی ته مه نی هه ردوو ئیمپراتۆریه تیش کورد به رده وام بووه له به رگری کردن له خاک و نیشتمانی). به داخه وه به هۆی پارچه بوونی ده یان ساله ی کورد و ده ستیوه ردانی داگیرکه ران له سه ره له ئه دانه کان به رێگه ی خیانه ت و خیانه تکارانه وه، سه رجه م سه ره له ئه دانه کانی سه ره تای سه ده ی بیسته م دوا ی به ده ست خسته نی هه ندی سه رکه وتنی کاتی، تووشی نسکۆ و شکست ها توون و ئه نه جامی هه موویان هه ر له سه ره له ئه دانی سمکۆی شکاکه وه تاوه کوو شیخ عوبه یدولای نه هری، شیخ سه عیدی پیران و سه یده رزای دیرسیمی، سه ره له ئه دانی ئاگری، سه ره له ئه دانی سه ردار ئه سه ده ی

به ختیا ری هه مووی ئه وانه ش که ناویان لیره نا هینزیت به داخه وه، به قه رکردنی جه سه تی کورد و کۆچه رکردنی به مه به سه تی ژینۆساید کردن و بن برکردنی کورد کۆتاییان هات. داگیرکه ران به وه شه وه نه وه ستان و هه رشی ناسنامه و کولتوری کوردیشیان کرد تاوه کوو شوپنه واریک له کورد نه میتنی و ئه وه ی مایه وه ش وهک کۆیله ی ئه وان بن.

له وه ها بارو دۆخیکدا که به هۆی شه ری جیهانی دووه م بالی به سه ر ناوچه که دا کیشابوو به لیکدانه وه ی هه ل و مه رجی په خسا و و که ش و هه وای سیاسی رۆژه له تی کوردستان، کۆمه لیک گه نجی بویری کورد له شاری مه هاباد کۆمه له ی ژیا نه وه ی کورد ناسرا و به "ژ.ک" (ژیکاف) و پاشان حیزبی دیموکراتی کوردستانیان دامه زراند. له ژیر ده سه له تی سو فیه ت که سه رجه م باکووری ئیران و باکووری رۆژه له تی کوردستانی خسته بوو بن سه یه ری خۆیه وه و به و بۆشاییه سیاسی و نیرامیه ی له وه به شه ی بن ده سه له تی داگیرکاری ئیران دروست ببوو، کۆماری کوردستان و کۆماری نازه ربا یجانی دوانه ی، له دوو شاری گرینگی ته وریز و مه هاباد له دایک بوون. ئه و کورد و نازه ریا نه ی له تاران ددان به هه بوونیان دانه دانه و هه ولتی تانه وه یان له پرۆژه ی نوئ و ساخته ی ئیرانچیتی (پان ئیرانیست) دا ده ردا، سه یسته می سه ره به خۆی خۆیان دامه زراند. به لام به هه ندی هۆکار له دوا ی که متر له سالیک به ده رکه وتنی ئه رته شی سوور له ئیران و رۆژه له تی کوردستان و گه رانه وه ی ئه رته شی داگیرکاری پاشایه تی ئیرانی بۆ شاری ته وریز، ئه و گه له قاره مانه ی هاوته ریبی کورد و گه لانی دیکه ی ئیران ببوو به به کیک له کۆله که کانی شوێرش مه شرپه ته ی له سه رده می ده سه له تی قاجار له ئیران، خوینی به تاوانی ئازادبخواری هه لال کرا و وهک ده گێرپه وه ده سه له تی شووین و په گه زپه رستی پاشایه تی په هله وی تاران هه مامی خوینی له ته وریز دروست کرد و به و هیوایه ی له کوردستانی ش هه مان کاره سات دروست بکات، پرووی کرده شاری مه هاباد.

مه هابادیک که جبه خانه ی ته واوی هه بوو، کۆماریک که چرای دوا رۆژی کورد بوو، له جیا تی خۆپاگری و به رخوا دان ته سلیمی داگیربوویه وه. به لام سه رۆک کۆماری کوردستان وهک "پیشه وه ری" سه رۆک کۆماری نازه ربا یجان هه لته هات و به و شه رته ی گه له که ی پارێزرا و بن خۆی ته سلیمی ده وله تی تاران کرده وه. و سه ره نه جام له ۲۴ سه رما وه زی ۲۶۶ کوردی (۱۳۲۵ک.هه/ ۱۹۴۶ز) کۆماری کورد کۆتایی هات و له ۱۰ ی خا که لپه وه ی ۲۶۴۷ کوردی (۱۳۲۶ک.هه/ ۱۹۴۷ز) پێشه وا قازی محهمه د (سه رۆک کۆماری کوردستان)، محهمه د حوسین سه یفی قازی (وه زیری جه نگی کۆماری کوردستان و ئامۆزای پێشه و) ، ئه بولقاسم قازی ناسرا و به سه دری قازی (نوینه ری مه هاباد بۆ دوو خول له شوپامی میلی ئیران و برای

بجووکتري پيشه‌وا) له سيډاره دران و شههيدكران.

ټيستاش دواى ٧٧ سال ټيپه‌رين به‌سهر ټه و ياده‌وه‌رييه‌دا، پرسيارى نه‌وهى نوټى كورد ټه‌ويه كه بوجى كوټمار و سه‌رؤكه‌ه‌ى برپارى به‌رگرى كردن و خؤراگرىان نه‌دا؟ ټه و هيزانه‌ى پشتيوانى دروستبوونى كوټماریان كرد بوجى ده‌ستبه‌دارى بوون و به‌جتيان هيشت؟ ټه‌رته‌شى كوټمار و پيشمه‌رگه له رؤژانى دوايى كوټماردا چيان به‌سه‌ره‌هات؟ ټه‌نه‌راله به‌ناو وده‌نگه‌ه‌ى كوټماری كوردستان كه تاوه‌كوو ټيستاش به‌ه‌لبه‌ستنى ده‌يان چيرؤكى نه‌بوو وهك قاره‌مان به‌گه‌لى ده‌ناسيټن بوجى هه‌له‌هات و پشتى له كوټمار و پيشه‌واكه‌ى كرد؟ ټه‌گهر خه‌لكى مه‌هاباد و هيزى پيشمه‌رگه برپارى خؤراگرىان دابا نايا كوټمار رزگارى ده‌بوو؟ كوټماری كوردستان ټه‌زموونه يان ده‌سكه‌وته بؤ كورد؟ كئ ميراټگرى كوټماره و ټه‌ورؤ خاوه‌ندارټى له نرخه‌كانى كوټمار ده‌كات؟ و به‌ده‌يان پرسيار كه ههر كامه‌يان ده‌كړئ بڼه‌ پرسى سه‌ره‌كى ليكؤټينه‌ويه‌ه‌كى زانستى. به‌لام هه‌ول ده‌ده‌ين به كورتى و به‌رپوونى ولامى هه‌ندېكيان بده‌بڼه‌وه.

له دوايىن رؤژه‌كانى ټه‌مه‌نى كوټماری كوردستان له مه‌هاباد به‌پيى به‌لگه‌كان و ټه‌و جؤره‌ى شايټحالان باسيان كرددوه، قازى محمه‌د و به‌رپرسانى ديكه‌ى كوټمار له مزگه‌وتى عه‌باس ټاغا له چوارپراى ټازادى له شارى مه‌هاباد گه‌ليان بؤ راويژ كؤكرده‌وه و وټپراى رپوون كردنه‌وهى

بارودؤخه‌كه، پيشه‌هات‌كانيان بؤ خه‌لك خسته رپو تاوه‌كوو خه‌لك يارمه‌تيدهرى كوټمارين له برپاردان و پيټكهټناني برپار. له‌ټه‌نجامدا ټه‌و بارودؤخى عه‌رزى واقع له رؤژانى دوايى ټه‌مه‌نى كوټماردا وايكرد كه وټپراى ټه‌وهى زؤر كه‌سايه‌تى و به‌شېك له گه‌ل داواى خؤراگرى و به‌رگرىان ده‌كرد به‌لام پيشه‌وا برپارى گفټوگؤكردن له‌گه‌ل ده‌سه‌لاتى تارانى دا و دواى چاوپيټكه‌وتنى له‌گه‌ل نوټبه‌رانى ده‌وله‌تى پاشايه‌تى له ده‌شتى ميانداو، كه له‌راستيدا جه‌لادانى ده‌سه‌لاتى ناوه‌نگه‌راى ټيران بوون؛ پيشه‌وا قازى محمه‌د به‌مه‌رجى پاراستنى ټارامى هه‌رئمه‌كه و پارټيزراوبوونى گه‌ل له هيرش و تالان و كوشتنى ټه‌رته‌شى ټيران، خؤى ته‌سليمى ټه‌رته‌شى ټيران كرده‌وه. رؤژانى دواتر ده‌ركه‌وت كه ههر وهك هه‌ميشه، داگيركه‌رانى كوردستان هه‌لپه‌ره‌ستانه هه‌نگاويان نا، سه‌رؤك كوټماریان ده‌ستبه‌سهر و دادگايى كرد، شاريان گرته‌وه و هيزى پيشمه‌رگه و سه‌رجه‌م دامه‌زراوه‌كانى كوټماریان هه‌لوه‌شانده‌وه و كوټماری كوردستانيان ټيټكېرد. پاشان له ١٠ى خاكه ليټوهى ٢٦٤٧ى كوردى (١٣٢٦ ك.هه/١٩٤٧ز) له مه‌يدانى چوارچراى مه‌هاباد نه‌مر پيشه‌وا قازى محمه‌د و دوو له هاورټياني له سيډاره‌دا و شههيدى كردن. به‌هوش نه‌وه‌ستان و كه‌وته‌ه پراوه‌دوونانى ټه‌وانه‌ى ته‌سليم نه‌بوون و به‌رگرىان كرد و زؤربه‌يان دواى شه‌رټكى قاره‌مانانه ده‌ستبه‌سهر و پاشان شه‌هيد كران.

ده‌ټين ټه‌نجامى شه‌ر به‌ر له‌شه‌ر ديارده‌بيټ و ټه‌وه زؤر دروسته. چاره‌نووسى كوټماریش به‌ر له رپكه‌وتى ته‌واوبوونى ټه‌مه‌نى (٢٤ى سه‌رماوه‌زى ٢٦٤٦ كوردى) ديارببوو و پيشه‌وا قازيش له‌سهر بڼه‌ماى ټه‌و زانسته وه‌ها برپاريټكى ده‌ركرد. به‌لام هه‌ندئ سه‌به‌بى سه‌ره‌كى كه پټويسته ده‌رسيان ليټوه‌رگرين و بيانكه‌ينه ټه‌لقه‌ى گؤئ به‌و جؤره‌يه كه

**پيشه‌وا قازى محمه‌د به‌مه‌رجى
پاراستنى ټارامى هه‌رئمه‌كه و
پارټيزراوبوونى گه‌ل له هيرش و
تالان و كوشتنى ټه‌رته‌شى ټيران،
خؤى ته‌سليمى ټه‌رته‌شى ټيران
كرده‌وه. رؤژانى دواتر ده‌ركه‌وت
كه ههر وهك هه‌ميشه، داگيركه‌رانى
كوردستان هه‌لپه‌ره‌ستانه هه‌نگاويان
نا، سه‌رؤك كوټماریان ده‌ستبه‌سهر و
دادگايى كرد، شاريان گرته‌وه و هيزى
پيشمه‌رگه و سه‌رجه‌م دامه‌زراوه‌كانى
كوټماریان هه‌لوه‌شانده‌وه و كوټماری
كوردستانيان ټيټكېرد**



له درېزه دا باسيان ده که يښ: ناکړې مافی گه لیک به سیاستی هه لپه رستانه و بهرزه وهندی خوازانه ی زله پزان و ده ولتان گریډرې. قهت به پشت به ستن به هیزی دهره وه نازادی به دی نایه ت. کاتی بوون و کورتخایه ن بوونی سو فیه ت و مانه وه ی ټه و جوور هیزانه ده بویه به پرپسانی کوماری خستبایه فکری ټه وه که هه موو هیلکه کانیان نه خه نه سه وه ته به که وه و به جوړیک سیاستیان کربدا که ته دبیری رږوانی دوا ی پاشه ککشی ټه وانیان گرتبا.

کورد وه ک نه ته وه به که که له ماوه ی سه دان سالی رابردوودا به رده وام له لایه ن ټیمپراتوریه کانی سه فه وی و عوسمانی تووشی داگیرکاری و قران هاتووه. بویه ماقول ده بوو که کاری سه ره کیان له وه ها دهره فته تیک دا خو ته یارکردن و راهیتانی له شگری بووبایه و به و جوړه ټاماده کاری رږوانی ته نگانه یان کربدا. ده زاینن که دروست بوونی هیزی پيشمه رگه و ټه رته شی کوردستان له سه ر ټه و بنه مایه بووه به لأم، به لاواز مانه وه و دهرنه خستنی له ژیر ده سه لاتی داگیرکهران و سه روک عه شیره ته کان و هه روه ها چینه گرتنی ټه و ټیشه له ریزبه ندی کاره به په له کانی کومار وایکرد که ته نیا وه ک ملیشیا په ک میننه وه.

چینگرتنی هه موو ټه و که سانه ی له به شه کانی دیکه ی کوردستان روویان کربوو رږزه لات بؤ نمونه، هیزه کانی بنه مالهی مه لامسته فا بارزانی وه ک خالیکی به هیز، له سه ره تا کانی دروست بوونی کوماردا گر و تینکی دیکه ی به خشیه کومار، به لأم هه لپه ره سستی و تیکه لوی ژیر به ژیر و به پیچه وانه ی سیاستی کومار له گه ل ده ولته تی فشه ل هیناوی ناوه ندی ټیران، وایکرد که له راستیدا هیزی پيشمه رگه وه ک پتوسیت رږلی خو ی نه بینن. مه لا مسته فا بارزانی که پیگه و پله ی ژهنه رالی له کوماردا پیدرابوو، به داخه وه وه ک دهرکوت نه ته نیا قهت بریاری به رگری له گه ل و خاکی کوردستان نه داوه به لگوو، به رده وام وه ک دارده سستی زله پزان و داگیرکهرانی کوردستان رږلی به لاپیدابردن و بئ کاریگه ر کردنی سه ره له لدان و سه روه کانی سه ره له لډیری گپراوه و تاوه کوو ټیستاش ټه و سیاسته ته چه وته نه گوره ی پارتی دیموکراتی کوردستانی ټیراق به رامبه ر هه موو به شه کانی کوردستان و به تاییه ت چه ره که تی ټاپویی به لگه په کی حاشا هه لنه گره بؤ ټه وه ی مه لا مسته فا دهره قی کوماری کوردستان کردی.

له سه ر ټه وه ی پيشه وا قازی محه مه د بوخوی به مه لا مسته فای گوته بئ برږن و خو تان دهرباس بکه ن و ټالای کوماری کوردستانی به ټه مانه ت پيشکه ش کربن! له راستیدا هیچ رووداویکی خه یالی وه ها له میژوودا رووی نه داوه و له ټه گه ری دیداریش دا له ټیوان نه مر پيشه وا و مه لا مسته فا قهت گوتن و راسپاردنیکي وه ها نه بووه و ټه وه به ته واوی

دروستکراوی خه یالی ټه و که سانه به که له به لاپیدابردنی میژوو نان ده خو ن و جیگه و پیگه ی ټه مړویان له سه ر بونیادی ټه و بابه ته هه لپه ستراوانه دامه زراوه. جیاوازی ټالای کوماری کوردستان و ټالای ټیستای حکومتی هه ریمی باشووری کوردستانیش سه لمیننه ری ټه و راستیه به.

هیزی پيشمه رگه ی کومار له دوايين رږزه کانی دا بؤ به رگریان له کومار نه کرد و چیان به سه ره ها؟ هیزی پيشمه رگه و ټه رته شی کوردستان پیکه اتبوو له گه نجانی خو به خشی شاره کانی هه ریمی ورمی و موگریان، سوار و چه کدارانی عه شیره ته کانی ناسراوی ټه و سه رده مه به شداریان له دامه زرانندی کوماردا کربوو، چه کدارانی بنه مالهی مه لامسته فا بارزانی که به هوی که شی ناله باری سیاسی له باشووری کوردستان په رپوه ی رږزه لاتی کوردستان بپوون. وه ک باس کرا زورینه ی سه روک عه شیره کان و که سی مه لامسته فای بارزانش چه ند مانگیک به رله کوتایی هاتنی ته مه نی کوماری کوردستان پشتیان له پيشه وا و یارانی کرد و ژیر به ژیر بیونه وه خو لأمی تاران و سه رجه م هیزه کانیان له رږوانی دوايي کوماردا کشانده وه و جبه خانه ی کوماریشیان به تالان بردبوو. له کاتیکدا ټه وانه له رږوانی ټاساییدا ته نگیان به گه نجانی خو به خشی ناو ریزه کانی پيشمه رگه هه لچنبیوو و ټه وه ش وایکرد که ټه و گه نجانه بئ هیواين و خو له کومار و به رگری کردن لپی به دوور بگرن. و له راستیدا له کوتا رږزه کانی ټه و کوماره جگه له وه گه نجانه که س نه مابوو تاوه کوو به رگری بکات.

تاوکوو سه ره له لدان ی ټاپوچیه کان له سالی ۱۹۷۴ زایینی، به و حیزبانه ی دوا ی کوماری کوردستانیش هه و (چه پ و راست)، له ناوکومه لگه ی کورد وله هر چه اریه شی کوردستان سه روکی سه ره له لدانه کان به رده وام سه روک عه شیرت، ټاغا، شیخ و دهره به گی نارازی و هه لگه پراوه له ده سه لاتی ناوه ندی بوون و مندالی هه ژار و ره ش و پوتی کومه لگه ش وه ک سووته مه نی سه ره له لدان بئ ټه وه ی هیچ کاریگه ریه کیان له سه ر بریاره کان هه بئ و هیچ پیگه په کی سیاسی و کومه لایه تیان پئ په وا بدیتري ته نیا وه ک سه رباز ته سلیمی ټه مری ټه وان بوون. دیتنی وه ها تابلویه ک له لایه ن خه لکی سه رده می کوماردا هاوته ریب بوو له گه ل نوئ بوونه وه ی هرز و ټه ندیشه له رږزه لاتی ناوه راست و ټیران و ټه وه ش وای له خه لک کرد که نه توانن به شداریه کی چالاکیان له کومار و بونیادنانیدا هه بئ و هاوکات خو یان به خاوه نی راسته قینه ی بزانش. خه لکیک که رږزی ۲ رپه ندان پؤل پؤل به ره وه باوه شی کومارچوون به دیتنی دیوه خانی کوماری کوردستان که پراوپربوو له ټاغا و سه روک عه شیرت بیگومان هه سستی نازادی و گریډراوی ټه وه ش هیزی به رگریان لاواز بوو و بریاری به رگریان نه دا.

و سیاسی که دواتر ههنگای خۆپاراستن و چه کردار بوونیان داوه زۆر درێژتر بووه لهوانه‌ی که له‌سه‌ره‌تاوه به‌هیزی چه‌کدارییه‌وه ده‌ستیان پیکردوووه. ئه‌وه‌ی بزوتنه‌وه‌ی "ژ.ک" ده‌ستی پیکردبوو گهر له به‌هاری پێشوه‌خته‌ی دروستبوونی حیزبی دیموکراتدا نه‌پشکوتبا به‌ دلنایایی کاریگه‌ری ئه‌رتیی و قولتیی له‌سه‌ر کۆمه‌لگه‌ی کورد و پوژه‌لاتی کوردستان به‌ تاییه‌تی داده‌نا و ئه‌نجامی جیاوازر درده‌که‌وتن.

که‌وتنه به‌رداشی ململانی زله‌پزان و داگیرکه‌ران یه‌کیکی دیکه‌یه له هۆکاره‌کانی ته‌مه‌نی کورتی کۆمار. هه‌ندی هۆکاری وا له دهره‌وه‌ی ویست و ده‌سه‌لاتی کورد، وایان کرد که کاریگه‌ری بریاری کورد له‌دوایین پوژه‌کانی کۆماردا که‌م بپێتسه‌وه. ڕیکه‌وتنی ده‌سه‌لاتی سوڤه‌ت له‌گه‌ڵ ده‌وله‌تی ئێران له‌سه‌ر ئیجتیازی پوژه‌ی نه‌وتی باکووری ئێران و ڕیکه‌وتنی زله‌پزان له‌سه‌ر دابه‌شکردنی غه‌نیمه‌ته‌کانی شه‌ری جیهانی دووه‌م وایکرد به‌زوویی ئه‌رته‌شی سوور، باکووری ئێران به‌جێبه‌یلتن و پشت له‌هه‌ردوو کۆماری نازه‌ربایجان له‌ ته‌وریز و کۆماری کوردستان له‌ مه‌هاباد بکاته‌وه.

ده‌رسیک که کورد به‌ پێشه‌نگایه‌تی په‌که‌که له کۆتاییه‌کانی سه‌ده‌ی ٢٠ و ده‌ستپێکی سه‌ده‌ی ٢١ دا له‌وه دۆخه‌ی ئه‌وه‌ده‌می کۆماری کوردستان وه‌ری گرت، تیکه‌ڵ نه‌بوون به‌ ململانی سیاسی و نێزامیه‌کانی داگیرکه‌رانی کوردستان و زله‌پزانی پاپشیتیان بوو. بۆجاری یه‌که‌م کورد به‌ته‌واوی شه‌ری خۆی کرد و به‌رده‌وامه له‌و ڕیازه‌وه‌نجامه‌که‌یشی به‌رزبوونه‌ی که‌رامه‌تی مرۆفی کورد و ئاستی دۆزی په‌وای کورده له جیهان و دروست بوونی ستاتۆیه‌کی جوغرافی - سیاسی له‌ رۆژئاوای کوردستان. (به‌ پێچه‌وانه‌ی ده‌وله‌تۆکه‌ی باشووری کوردستان که به‌مه‌رجی به‌ره‌نگاربوونه‌وه‌ی دۆزی کورد له به‌شه‌کانی دیکه‌ی کوردستان دامه‌زراوه). جێی ئاماژه‌یه‌ رۆژئاوای کوردستان خۆی وه‌ک درێژه‌ پێده‌ری کۆماری کوردستان به‌ ناوده‌کات و له‌سه‌رجه‌م بۆنه‌ نه‌ته‌وه‌یه‌کان دا و به‌تاییه‌ت له‌ رێپێوانی به‌ر له‌ هێرشی داگیرکاری ده‌وله‌تی ترکیه بۆ سه‌ر عفرین ئالای راسته‌قینه‌ی کۆماری کوردستان هه‌لکرا و به‌رده‌وام هه‌لده‌کرێ و شانازی پیوه‌ ده‌که‌ن. هه‌ر له سه‌ر‌وبه‌ندی ٢٢ رێبه‌ندانیش په‌لاماری داگیرکاری سه‌ر عفرین ده‌ستپێک‌کرد.

نه‌فۆسته‌نه‌وه‌ی هه‌ل و ده‌رفه‌ت له‌کاتی خۆیدا و دره‌نگ مان له بریاردان کێشه‌یه‌کی دیکه‌ی کورد بوو له‌سه‌رده‌می کۆماردا. وێرای ئه‌وه‌ی شه‌ش ساڵ بوو له‌ هه‌ریمی باکووری پوژه‌لاتی کوردستان به‌ گشتی بۆشاییه‌کی سیاسی و نێزامی حاکم بوو به‌لام ئه‌وانه‌ی بریاری به‌ده‌وله‌ت بوونی کورد و دروست کردنی کۆماریان دا به‌داخه‌وه زۆر دره‌نگ و له‌ سالی دوایی مانه‌وه‌ی ئه‌ هیزانه‌ دا ئه‌وه‌یان کرد. هه‌ر ئه‌وه‌ش هه‌ل و ده‌رفه‌تی به‌رێکخه‌ستن کردن، خۆته‌بارکردن و خۆ

زیه‌نیه‌تی پیاوسالاری و ره‌گه‌زگه‌راییی به‌رپرسیانی حکومه‌ت وه‌ک ئه‌وه‌ی ئه‌و سه‌رده‌م له‌ هه‌موو جیهان و ناوچه‌که‌ش باوبوو یه‌کیک له‌ هۆکاره‌کانی دیکه‌ی تیکه‌چوونی کۆماربوو (له‌وبابه‌ته‌دا که‌سایه‌تی نه‌مر پێشه‌وا جیاواز بوو و به‌پێی سه‌رده‌می خۆی را‌اده‌یه‌ک مافی ژنانی ره‌چاو گرتوووه). له‌سه‌ره‌تای ڕاگه‌یانندی کۆماره‌وه به‌ دروست کردنی رێکخه‌راوی ژنان به‌ سه‌ره‌رشته‌ی خاتوون مینا قازی (هاوژینی پێشه‌وا قازی محمه‌د) و هه‌ول‌دانیان بۆ گۆڕینی زیه‌نیه‌تی پیاوسالاری کۆمه‌لگه‌ و هه‌روه‌ها هه‌ول‌دان بۆ په‌روه‌رده‌کردنی ژنان و جێگرتنی ژنان له مه‌یدانه‌کانی تیکۆشانی سیاسی و نێزامیدا، له‌ گه‌وره‌ترین ده‌ستکه‌وته‌کانی کۆماری کوردستان دێته‌ ئه‌ژمار. هه‌نگاوێک که کۆمار وه‌ک په‌وتیکی نوێ و پێشکه‌وتنخواز له‌ هه‌موو سه‌ره‌له‌دانه‌کانی به‌ر له‌خۆی جیا‌ده‌کاته‌وه. به‌لام به‌داخه‌وه ئاماده‌ نه‌بوونی کۆمه‌لگه‌ و هێزی بێ سنووری سه‌رۆک عه‌شیره‌ت و ئاغا له‌ جومگه‌کانی ده‌سه‌لاتی کۆمار، ته‌مه‌نی کورتی کۆمار، نه‌خوێنده‌وار بوونی به‌شێکی له‌ راده‌به‌ده‌ری ژنانی کورد له‌و سه‌رده‌مه‌دا و زۆر هۆکاری دیکه‌ وایان کرد که کۆمار و کورد له‌ به‌ره‌مه‌ی هزری و ئه‌ندیشه‌ و کرداری ژنان بێ به‌ش بپێننه‌وه. گه‌ر ئه‌وه پێکه‌باتبا پێموایه ته‌مه‌نی کۆمار درێژتر و کاریگه‌رییه‌کانی دوا ئه‌ویش درێژخایه‌نتر و به‌هێزتر ده‌بوون. بێگومان خه‌ساره‌کانی ته‌سلیمیه‌ت به‌رامبه‌ر داگیرکاری تاران زۆر زیاتر بوو له‌وه‌ی ئه‌گه‌ر گه‌ل به‌رخۆدانیان کردبا و ئاسان ته‌سلیم نه‌بوویان. به‌داخه‌وه ئه‌و نه‌ریته‌ی به‌رگری نه‌کردن له‌کۆماری کوردستان له‌ شاری مه‌هاباد کاریگه‌ری له‌سه‌ر کۆچی به‌کۆمه‌لی خه‌لکی مه‌هاباد له‌ کاتی پاشه‌کشه‌ی هه‌ردوو حیزبی دیموکراتی کوردستانی ئێران و کۆمه‌له‌ له‌گه‌رمه‌ی شه‌ری رژیمی داگیرکاری ئێران له‌گه‌ڵ خه‌لکی کوردستان هه‌بوو. له‌وکاته‌شدا خه‌لکی بێ هیوا له‌ به‌رگری، دوا پاشه‌کشه‌ی پێشمه‌رگه‌ی هه‌ردوو حیزب شاریان بۆ ئه‌رته‌شی داگیرکه‌ری ئێران به‌جێهێشت. ئه‌وه‌ش کاریگه‌ری ده‌مدریژی ده‌روونی ته‌سلیمیه‌ته‌ که له‌گه‌ڵ ناخ و زاتی مرۆفی کورد یه‌ک نییه. له‌ حه‌قیقه‌تی کوردا له‌میژووی هاوچه‌رخیشه‌دا، خۆراگری قاره‌مانانه‌ی ٢١ پوژه‌ی سنه‌ به‌رامبه‌ر سپای پاسداران و ئه‌رته‌شی ئێران، به‌رخۆدانی بێ‌ئینه‌ی کۆبانی و عفرین له‌به‌رامبه‌ر چه‌ته‌کانی ئه‌ردووغان و داعش، شه‌ری خۆسه‌ری شاره‌کانی ئامه‌د، نسێین، جزیر، شه‌رمینان، شیرناخ و ... له‌ باکووری کوردستان و به‌رخۆدانی نزیک نیوسه‌ده‌ی هێزی گه‌ریلا به‌رامبه‌ر ئه‌رته‌شی داگیرکاری ترکیه و هێزه‌کانی هاوپه‌یمانی له‌ ناو‌دا هه‌یه. هیه‌ج کاره‌ساتیک و هیه‌ج سه‌رکوتنیکیش بێ بنه‌ماو بێ ئاماده‌کاری نابێ و نه‌بووه.

له‌ میژووی خۆراگری کوردا، ته‌مه‌نی بزوتنه‌وه‌کانی هزری

هەر له‌ناوی کۆمار و ناو

و ناوه‌رۆکی دامه‌زراوه‌کانی

سیاسی و کولتوری و په‌روه‌رده

و هه‌وڵدانه‌ دیپلۆماسییه‌کانی

کۆماری کوردستان ده‌رده‌که‌وێ که

هیوا و ئامانجی کۆماری کوردستان

نەک بە تاکتیک و بە‌لکۆو له‌رووی

ستراتیژییه‌وه‌ سه‌رجه‌م پانتایی

جوغرافیای کوردستان بوو و

سنووره‌ ده‌ستکرده‌کانی به‌فه‌رمی

نه‌ناسیوه‌. به‌شداربووانی کۆماری

کوردستان له‌ به‌شه‌کانی دیکه‌ی

وڵات قه‌ت وه‌ک میوان و ئاواره

نه‌دیتراون



(که ته‌خمین ده‌کری زياتر له ٩٠ هه‌زار کورد تێیدا کۆمه‌لکۆژ کرابن)، سه‌رده‌میکی تاریکی له‌وبه‌شه‌ی کوردستان ده‌ستپێک‌کردبوو. هه‌مووی ئه‌وانه‌ هاوکاتی ده‌رکه‌وتنی چرای هیوا‌ی کورد بانی کۆماری کوردستان بوون. هه‌بوونی ئه‌و هیزانه‌ وه‌ک خائێکی به‌هیزبوونی کۆمار له‌ موکریان دا دێته‌ ئه‌ژمار به‌لام نه‌بوونی بزوتنه‌وه‌ له‌ به‌شه‌کانی دیکه‌ی کوردستان وای کرد که کۆمار به‌و به‌شه‌ له‌ رۆژه‌لاتی کوردستان قه‌تیس و سنووردار مایه‌وه‌.

هەر له‌ناوی کۆمار و ناو و ناوه‌رۆکی دامه‌زراوه‌کانی سیاسی و کولتوری و په‌روه‌رده‌ و هه‌وڵدانه‌ دیپلۆماسییه‌کانی کۆماری کوردستان ده‌رده‌که‌وێ که هیوا و ئامانجی کۆماری کوردستان نەک بە تاکتیک و بە‌لکۆو له‌رووی ستراتیژییه‌وه‌ سه‌رجه‌م پانتایی جوغرافیای کوردستان بوو و سنووره‌ ده‌ستکرده‌کانی به‌فه‌رمی نه‌ناسیوه‌. به‌شداربووانی کۆماری کوردستان له‌ به‌شه‌کانی دیکه‌ی وڵات قه‌ت وه‌ک میوان و ئاواره‌ نه‌دیتراون. ته‌نانه‌ت له‌ به‌لگه‌ی دادگایی کردنی پێشه‌وا قازی محمه‌د دا به‌ فه‌رمی یه‌کیک له‌ تاوانه‌کانی خسترا‌بوویه‌ پالی، داڵده‌دانی ئه‌و که‌سانه‌یه‌ که له‌ باشور و باکووری کوردستانه‌وه‌ (به‌تایه‌ت مه‌لامسته‌فا بارزانی) روویان له‌ جوغرافیای کۆماری کوردستان کردبوو هه‌یه‌. پێشه‌وا‌ی نه‌مر له‌ به‌رگری کردنی خۆی به‌رامبه‌ر دادگا بو‌یرانه‌ ئاماژه‌به‌وه‌ده‌ده‌کات که ئه‌وان نه‌ میوانن و نه‌ بێگانه‌ و بیانین.

فراوان کردنه‌وه‌ی به‌ به‌رپرسیانی کۆمار نه‌دا.

مانه‌وه‌ی کۆماری کوردستان له‌ جوغرافیای ته‌سکی هه‌ریمه‌کانی ورمی و موکریان (باکووری رۆژه‌لاتی کوردستان) تێچووی تێکدانی کۆماری کوردستانی بۆ ده‌وله‌تی ناوه‌ندی ئێران که‌م کرده‌وه‌. کۆماری کوردستان به‌ پێی هه‌ل و مه‌رجی سیاسی سه‌رده‌م له‌ رۆژه‌لاتی کوردستان له‌ سنووری ئێستای پارێزگای ورمی و له‌ هه‌ریمی موکریان له‌ شاری مه‌هاباد راگه‌یاندرا و به‌داخه‌وه‌ تاکۆتایی ته‌مه‌نی نه‌یتوانی له‌ رووی جوغرافیاوه‌ ئه‌و هه‌ریمه‌ تێپه‌ر بکات. بۆ ئه‌وه‌ش چه‌ند هۆکار هه‌ن.

کۆماری کوردستان له‌ناوچه‌ی ژێر ده‌سه‌لاتی روسیه‌ و به‌ پالپشتی ناراسته‌ووخۆی ئه‌وان دامه‌زرا‌بوو و سنووری داگیرکارییه‌که‌ی رووسییه‌ش تاوه‌کوو کۆتایی موکریان بوو و باشووری رۆژه‌لاتی کوردستان له‌ ژێر داگیرکاری ئینگلیسه‌کاندا بوو. هاوکات هه‌ل و مه‌رجی سیاسی و نێزامی له‌ باشووری کوردستان ئه‌وه‌نده‌ ته‌سک بویه‌وه‌ که نه‌ته‌نیا ده‌رفه‌تی په‌له‌او‌پۆی بۆ کۆمار نه‌ده‌هێشته‌وه‌ به‌لکۆو که‌سانێک که به‌ سه‌رکردایه‌تی مه‌لامسته‌فا بارزانی له‌وبه‌شه‌ له‌ کوردستان ئالا‌هه‌لگری خه‌باتی کورد بوون روویان له‌ موکریان کردبوو و له‌وێ نیشه‌تج‌ ببون. شکانی سه‌ره‌ه‌ڵدانه‌ یه‌ک له‌ دوای یه‌که‌کانی کورد له‌ باکووری کوردستان و کۆمه‌لکۆژییه‌کانی ده‌وله‌تی ترکیه‌ به‌رامبه‌ر به‌کورد به‌تایه‌تی له‌ دێرسیم

ئېرە كوردستانە و مالى ھەموو كوردانە.

سەرھەتاي مانەوہى پەيوەندىيەكانى نيوان مەھاباد و تەوريز و پىراي ئەوہى ھاوپەيمانيان پىكھيتابوو پىگرېبوو لە فرياكەوتنى ئەو دوو دەستە خوشكە. يەكك لە پىشنگدارترين خالە بەھيزەكانى كۆمارى كوردستان و كۆمارى ئازەربايجان دروست بوونى ھاوپەيمائيتتى لە نيوانياندا بوو كە تاوہكوو ئەورۇكەش دەرگاي پىكەوہ ژيانى لە نيوان ھەردووگەلى كورد و ئازەرى دا بە ئاوەلايى ھىشتۆتەوہ. بەدەيان سالە ھەولئى تىكدانى ئەو تەبايىە لەلایەن دەولەتانى ترکيە و ئيران دەدرىت و بەدەيان پلانى نەگريسيان پىكھيتا كەچى ھەردوو گەل و نەتەوہ لەسەر بەردى بناغەى ھەردوو كۆمار، پىكەوہ ژيانيان بە ئەساس وەرگرتووہ و پىگەى قول بوونەوہى پىلانگىرپەكانيان نەداوہ. بەلام تىكچوونى ھەردوو كۆمار پىي سەلماندىن تەنيا تەبايى لەنيوان ھەردوو گەلدا ناتائىت چارەنووسيان بگۆرپت بەلكوو دەكر بە يەكگرتوويى و پىشتيوانى لەشكرى و زانيارى لە يەكترى، بە دوو قۇلئى بەرەنگارى ئەرتەشى لاواز و پەككەوتە بەلام شۆوين و رەگەزبەرەستى دەولەتى ناوہندى ئيران ببنەوہ.

دەكرئ لەسەر چۆنەتى دروست بوونى كۆمارى كوردستان لە مەھاباد و تەمەنى كورتى پر لەئەزمونى بە دەيان پەرتووك بنووسرى. بەداخەوہ شاہتەحلالانى كۆمار زۆر بەكەمى ھەولئى نووسىنەوہى ميژوووى كۆماريان داوہ و زلھيزان و بەتايبەت ھەردوو دەولەتى رووسىيە و ئىنگليسيش دەكرئ ھەندئ بەلگەيان ھىشتا روونەكردبئ و لەوانەيە زۆرىشيان بە ئەنقەست فەوتاندبئ. ئەوہش كە نووسراوہتەوہ جىي بايخە. پىويستە كۆمارى كوردستان لە درىزەى تەقەلاى كورد بۆ گەپشت بە مافە زەوتكراوہكانى و ئازاد كردنى خاكى داگيركراوى بديترى كە سەدان سالە بن پسانەوہ بەردەوام دەكات و تاوہكوو كورد ھەبئ مەگەر بە گەپشت بە مافەكانى دەنا قەت ئەو شەرە كۆتايى نايەت. پىيەر ئاپۆ دەلئ:" گەر لەسەر داواى خۆت سووربى و ئەوہش بەحەقىقەت مافى تۆ بئ و شەرى بۆ بكەى گەر تەواوى دونياش دژايەتت بکەن، ناشكئى و سەرکەوتن مسۆگەر دەكەى". ماف و داواى كورد پەوايە و حەقە و ئەوہش حاشا كردنى تاوہكوو ئىستا بەقازانجى كەس نەبووہ و نىيە. ميژوووى كۆمارى كوردستان گەر خاوەندارىتتى لىبكرئ، خويئندەوہبەكى زانستيانە و دوور لە دەمارگىزى و ھەستيارى بۆ بكرىت ئەزمونىكى بە بايخە و دەكرئ بىتتە دەستكەوتى مەزن. بە تەسك كردنەوہ و لىكدانەوہى كۆمار تەنيا وەك ناوچەى جوغرافى تەسكى ژىر دەسەلاتى، بەداخەوہ چكۆلەى دەكەينەوہ. جارى واش ھەيە بە پىئەلاكوتن ئەوہندەى گەورە دەكەينەوہ كە ئەو دەم لەژىر بارى گرانايى و كىشى شكستەكەى دەرناكەوين و جگە لە داخ و كەسەر

ھىچمان پىنامىنئ. ھەردووكى ئەو رىيازە ھەلەن. ھەرچۆرە دەمارگىزىيەك (كەم كووتن يا پىئەلاكوتن) تەنيا و تەنيا لە بابەتى سەرەكى كە دەرس وەرگرتنە لە خالە بەھيزەكان و دووپات نەكردنەوہى لاوازييەكان و ھەلەكانىيەتى دوورمان دەخاتەوہ.

ھەنگاوى دواى خەسارناسى قولئى سياسى-ميژوووي- كۆمەلايەتى كۆمارى كوردستان دەكرئ ھەنگاوى بونىدانى شۆرپ و خەباتى نوئ بىت بۆ ئەوہى ئاواتى شەھيدانى كۆمارى كوردستان و ھەموو ئەو شەھيدانەى پىگەى ئازادى بىئىنە دى و بىكەين بە ھەرزى واقع و كۆتايى بە نەھامەتى و ژىردەستيمان بىت.

تەفگەرى ئاپۆيى وەك تاقانە تەفگەرىكى شۆرشگىرى كورد (لە ھەموو بوارەكانەوہ) بە دبىتى ئەو بۆشايە لە خەسارناسى جولانەوہى كورد دا لە كۆنەوہ ئارپۆزى ئەورپۆمان بە پىشەنگابەتى رىيەر ئاپۆ دەستى دايبە خەسارناسى سەرجم سەرھەلئانەكان و شۆرشەكانى ئازادى كوردستان و رۆژھەلاتى ناوہراستىش بە كۆمارى كوردستانىشەوہ. پەكەكە و پەژاك و سەرجم تەفگەرى ئاپۆيى وەك تاقانە دەستكەوتى كوردان خۆى بە ميرانگى ھەموو خالە بەھيز و لاوازەكانى سەرجم بزوتتەوہ و سەرھەلئانە ئازادىخوازانەكان دادەنئ. رىيەر ئاپۆ بە رىزەوہ يادى شەھيدانى كۆمارى كوردستان دەكاتەوہ و بەدەستىشان كردنى لاوازييەكانى و خستنەگەرى ھيز و تواناي لەبن نەھاتووئى كۆمەلگە و لەسەر بونىدادى خالە بەھيزەكان، سەرجم سنورە مادى و ھزرىيەكانى نيوان كوردانى تىپەراند و بە ھەولئان بۆ يەكخستەوہى جەستەى پارچەكراوى كەسايەتى كورد و خاكى كوردستان لە سەر ھەرزى واقع، بەرەو سەرکەوتن ھەنگا و دەنيت.

گەورەترين تۆلە بۆ روحي پاكى شەھيدانى كۆمارى كوردستان و ھەموو شەھيدانى پىگەى ئازادى كۆدەنگى و پتەوكردنى ھزرى نىشتمانپەرورەرى و بەدپهيتاننى شەرى گەلى شۆرشگىرپىيە. شەرىك كە ئەنجامى كۆتايى سەرھەلئان و بزوتنەوكانى كورد ديارى دەكات. بە دلئايى، بەردەوامى و پىداگىرئى لەسەر پىچكەى ئەو شەھيدانە سەرکەوتنى مەزنت بەدواى خۆيدا دەھىتت. بۆ ئەوہش پىويستە گەلى كورد جارپك بۆ ھەمىشە بە بنپركردنى خەتى خيانەتى نىوخۆيى كورد -كە ئىستا پارتى خىلەكى ديموكراتى كوردستانى ئىراق و بەتايبەتى بنەمالەى مەلامستەفا بارزانى سەرگردايەتى دەكات و بۆتە كەواسوورى بەر لەشكرى داگيركار لە كوردستان - ھەنگاوى مەزن بۆ سەرکەوتن بىتت.

لەسەر ئەو رىيازە وەك رىيەر ئاپۆ دەلئ:" كوردى ئازاد ناسنامە و شووناسى نوئى رۆژھەلاتى ناوہراستە" بەدپىت.

پرسی ژن سەرچاوهی بنه‌ره‌تی هه‌موو کیشه کۆمه‌لایه‌تیه‌کانه

میترا کورد

پرسی ژن، سەرچاوهی هه‌موو کیشه
کۆمه‌لایه‌تیه‌کانه، له‌و واتایه‌دایه‌ که رۆڵ
و بێگه‌ی ژنان له‌به‌کۆمه‌لگه‌بووندا
ئه‌وه‌نله‌ گرنگه‌ که کەس ناتوانی‌ت
ئه‌مه ئینکار بکات



بۆ ئه‌وه‌ی هه‌رچی گووت؛ به‌بێ گفتوگۆ په‌سه‌ندی
بکات. واتا پیاو له‌خه‌یالدا نیی، خۆی به‌نوێنه‌ری
ده‌ولت و ده‌سه‌لات له‌نیو خانه‌واده‌دا ده‌بینیت. نابیت
که‌س دژایه‌تی گووته‌کانی بکات، ئه‌گه‌ر ژن، منداڵ یا
هه‌ر ئه‌ندامێکی تری خانه‌واده‌ دژایه‌تی گووته‌کانی
پیاوه‌که‌ی کرد، ئه‌وا غه‌زه‌بی خوا "توو‌په‌ی" به‌سه‌ریدا
ده‌باریت و سزای ده‌دات.

له‌ بنه‌ره‌تدا سزادان، ده‌ست به‌رزکردنه‌وه، ووتنی
ئاخاوتنی ناشایسته و بێ رێزیکردن، سوکایه‌تی کردن،
شکاندن و بچووک خسته‌وه و رێزیکردن له‌پێکه‌یتانی
ویست و داواکاریه‌کانی ژن له‌ئه‌نجامی ئه‌و لۆژیکه‌وه
سه‌رچاوه‌ ده‌گریت. پیاو به‌مافیکی ره‌وای خۆی ده‌زانیت
و داب و نه‌ریته‌ کۆمه‌لایه‌تیه‌کانیش له‌وه‌دا هاوکاریه‌تی،
سیسته‌می سیاسی، یاسایی و حقوقی ده‌ولت و
ده‌سه‌لاتیش به‌هه‌مانشیوه‌ ته‌واوکه‌ری هه‌لسوکه‌وته‌کانی
پیاوه.

له‌بنه‌ره‌تدا ئه‌و رێسایانه‌ی له‌ژێر ناوی گووته‌ی
خواداوه‌ندی به‌سه‌ر ژناندا ده‌سه‌پێندریت، گووته‌ و
کرداره‌کانی پیاوه. پیاو خۆی له‌سه‌ر ئه‌رز "زه‌وی" خۆی
به‌نوێنه‌ری بێ چه‌ند و چونی خواوه‌ند ده‌بینیت و ئه‌و
مافه‌ش به‌خۆی ده‌دات که سزا و پاداشتی مرۆفی تر
بدات.

پیاوی ده‌سه‌لاتدار له‌نیوخانه‌واده‌دا به‌ده‌سه‌لاتداریه‌تی
خۆی، منداڵانیش له‌بار ده‌بات. له‌رێگه‌ی حه‌قیقه‌ت و

ناکۆکی و ئالۆزیه‌کانی نیوان ژن و می‌رد سەرچاوه‌ی
هه‌موو کیشه‌ کۆمه‌لایه‌تیه‌کانه. تا شیکار و شیته‌لکردنیکی
راست و دروست له‌بابه‌تی پرسای ژن و پیاو و ئه‌و
دامه‌زراره‌ی به‌ناوی بنه‌ماله "خانه‌واده" له‌ده‌وروبه‌ریدا
بۆیادناوه، شی نه‌کریته‌وه، ئه‌وا ناتوانیت هیچ یه‌ک
له‌کیشه‌ کۆمه‌لایه‌تیه‌کان که ئه‌م‌رۆکه‌ وه‌کو کانگریسیان
لێهاوتوه، چاره‌سه‌ر بکه‌ین. واتا تا ئه‌و باره‌ لاسه‌نگه‌ی
له‌نیوان پیاو و ژندا دروست بووه، راست نه‌کریته‌وه و
سیسته‌می پێنج هه‌زار ساڵه‌ی پیاوسالاری دان به‌هه‌له‌
و که‌م و کورپه‌کانی خۆیدا نه‌یت، ناتوانین باس
له‌چاره‌سه‌ریه‌کی دیموکراتیکه‌ و هاوسه‌نگ بکه‌ین.

ژبانی دیموکراتیکه‌ و هاوسه‌نگ پێویستی
به‌ که‌سایه‌تیه‌کی دیموکراتیک و خاوه‌ن باوه‌ری و
به‌جسه‌رته‌ هه‌یه. یه‌ک له‌تایبه‌تمه‌ندییه‌کانی پیاو
ئه‌وه‌یه‌ که له‌ ژێکی زانا و تێگه‌یشتوو، ده‌ترسیت و
ناتوانیت بویرانه‌ له‌گه‌ییدا مامه‌له‌ بکات. هه‌میشه
له‌شوی ئه‌وه‌یه‌ که ژێکی بێ ده‌نگ، بێ زمان
و بێچاره‌ و گوێپرایه‌ل له‌به‌رامبه‌ری خۆیدا ببینیته‌وه،



دهادات، هرچه نده له کونیشدا ژن هم سهراچاوهی
 ئافراندنی نرخه ماددیه کان و هم ئالوگۆرکردنی ئه و
 شته مادیانهش له دهستی خوئی دا بوو. به لام ئیستاکه
 به لاریدا بردنی زهنیهت و مومامله کردن و کیپرکی
 له نیوان ههردوو چاند و زهنیهتدا ئیدی رهپوهی ژیان
 گۆردراوه و شیوهیه که له لادانی تیدا دروست بووه.

کاتیک پیاویک به ژنیک ده لیت نابیت قسه له سهر
 قسهی پیاوه کهت" یاخود باوکت یا برا گه وره کهت
 بکهی" ئەمه به و واتایه دیت که قسه و ئاخوتنی
 ئهوان راست و قسهی تو چی و چه ندهش نرخه
 هه بیته، هه ره له یه و نرخیکی نابیت. له راستیدا
 ده بیته وه ها سه ره بکریت، پیاو ئیراده بوونی ژنان
 په سهند ناکات. کاتیک پیاو ژن به خاوهن ئیرادهی
 خوئی هه وه قه بول ناکات، ئه و ناتوانیت له گه لئی دا
 به شیوهیه کی ئازادانه و دیموکراتیانه بژیت و ریز بو
 بیروبوچوون و ده برینه کانی دانیت.

هاوبه شیتهی ژیان یاخود هاوژیان ئازاد له یه کهم
 قوناخدا پشت به قه بول کردن و دان پینان به ئیرادهی
 ئازادانه به رامبه ر ژن ده کات. تا ئیستاکه ش ئه وهی که
 مافی هاوسه رگیری هه یه، به پیاوان ره وای بینه و. واتا
 ژن ناتوانیت داوای هاوسه رگیری له که سیک بکات. واتا
 له هاوسه رگیریدا ماف به ژنان نه دراوه. پیاوه که ئه و
 مافه ی پیدراوه که وای بیت، به شیوهیه کی ئۆتوماتیکه ی
 مافی ته لاق و جیا بونه وه ش هه ره له دهستی پیاودا
 ده بیته و یاسا کانی ده ولت و ده سه لاتیش له سه ره ئه م
 بنه مایانه دارپژراون. دام و ده زگا مه ده نیه کان ئه رکیان
 ئه وه یه که ئەمه بو ژنان شی بکه نه وه. ده بیته به باشی
 ئه و قه فه سه ئاسنینه ی شی ره که یان بو روون بکه نه وه.

ژن بو ئه وهی خوئی له ده ست نزیک بونه وه کانی
 باوک و برا و کهس و کاره که ی رزگار بکات، هه ول
 ده دات خوئی له ده می مار رزگار بکات، به لام نازانیت
 و له وه بی ناگایه که به دهستی خوئی، خوئی ده خاته
 نیو ده می شیریکی برسی له نیو قه فه سیک ئاسنیدا
 که رزگار بوونی هیچ بو نیه. هاوسه رگیری ئه و
 ته له یه که بو ژنان دانراوه. چه ندهش بیه ویت و

ژیانی راست دووریان ده خاته وه و به بی ئه وهی هه ست
 به و لادانانه ش بکات، به بی راوه ستان به روژ و به شه و،
 له بیست و چوار کات می ره ی ژیاندا په ره به و زهنیه ته
 ده دا و له هه موو کوپ و کوپه بند و کوپونه وه کاند
 ده یه ویت ره وایه تی به کرده وه کانی خوئی بدات. سه ره
 کهن، گوته ی قسه له ده می پیاوه وه ده ره که ویت،
 که له کو مه لگه دا وه ئاخوتنیکی ساده و ساکار
 ده کریت، بریتیه له وهی که خو ژن قسه ی نه کرده،
 پیاو قسه کردنی ژنیشی به لاهه په سهند نیه، چی بگات
 به وهی که قسه کانی راست بن. پیاو له بنه مادا به چاوی
 مروفه وه سه یری ژن ناکات. ئەگه ره هاوشی وهی مروف
 یاخود هاوته رازی خوئی ببینی، ئه و وه ها هه ل سوکه وتی
 نه ده کرد. به بی ئه وهی هه ست و واتا به قسه کانی خوئی
 بدات به ئاسانی ده ریان ده بریت و ده یان بویت.

پیاو به سمیله کانی وه جوانه و سمیل نیشانه ی
 پیاویه تیه. ئەدی که ژن سمیلی نیه، چی بکات، ئایا
 ئه و شیوه له پیناسه کردانه ده توانیت ژیان بخولقینن.
 پیاو به م قسه و ئاخوتن و ده سه ته واژانه ده یه ویت
 ناسنامه بو خوئی داتاشیت، چونکه باش ده زانیت که
 ئەگه ره ئه و ده سه ته واژانه له ژیاندا وه ک داب و نه ریت و
 چاند لی نه کات و نه یسه پینیت، ئه و ناتوانیت دژایه تی
 چاندی دایک بکات. چاندی پیاو، چاندیکی زۆردارانه
 و له نه نجامی ره تکرده وهی به شیکی کو مه لگه که ژن
 - دایکه پیش ده که ویت و ده خزیندرپته نیو کایه ی
 ژیان ه وه.

چه نده چاندی پیاوسالاری، پیش ده که ویت به و
 نه دازه یه ش چاندی دایکه - خودا وه ند پاشه کشی ده کات.
 ئەم ملامتیه له نیوان ژن - دایک و پیاو - ده سه لات و
 فیلباز به هه زاران ساله درپزه ده کیشیت. کاتیک پیاویک
 ده لیت؛ تو مامه لته له گه ل پیاودا کرده، ئه و به واتای
 ئه وه دیت که پیاو مافی مامه لته کردن به کهل و په ل
 و ده خل و دان و نرخه مادیه کانه وه هه یه و ژن له و
 مافه بی به شه. به و واتایه دیت که ژن ره نجی له و
 شته مادیه دا نیه، بویه ناتوانیت مامه لته ی پیوه بکات.
 پیاوه که بریار له سه ره کرین و فروشتنی شته کان

له روژی ئەمڕۆدا پیاو وای لی کراوه لەزەنیه‌تی هاوشانی و یه‌کسانی و دیموکراسی بە‌دووهره. ئە‌مه‌ بابە‌تیکه‌ دژە‌ کۆمه‌لگه‌یی بوونه، به‌لام به‌هۆی ئە‌وه‌ی به‌دامه‌زراوه بووه، به‌ئاسانی له‌ناوبردنی و راستکردنه‌وه‌ی ئاسان نابیت. ئە‌م ئە‌قلیه‌ته‌ پێ‌ویستی به‌تیکۆشانی به‌رده‌وام و هه‌میشه‌یی هه‌یه



بیرکردنه‌وه‌ی ئازاد راکیش ده‌کات. پیاوان ئە‌مه‌یان نه‌ به‌ئاسانی بۆ هه‌رس ده‌کریت و نه‌ رینگه‌ به‌وه‌ ده‌ده‌ن که زەنیه‌تی دایک - خوداوه‌ند جێگیر بیت. دایک هه‌میشه‌ له‌به‌رامبەر به‌بێ مافی و ناعه‌داله‌تی و زۆرداری وه‌ک قه‌لایه‌ک وایه‌ و به‌هه‌موو شێوه‌یه‌ک له‌به‌رامبهری دا ده‌وه‌ستیتته‌وه‌. به‌لام پیاو به‌خۆی ئە‌و که‌سایه‌تیه‌یه‌ که‌ سه‌رچاوه‌ی ناعه‌داله‌تی و زۆلم و زۆردارییه‌ و له‌سه‌ر ئە‌و ئە‌قلیه‌ته‌وه‌یه‌ که‌ ژن به‌بچووک و خۆی به‌سه‌روه‌ر ده‌بینی. که‌ ده‌لێین پرسێ ژن، سه‌رچاوه‌ی هه‌موو کیشه‌ کۆمه‌لایه‌تیه‌کانه‌، له‌ واته‌یه‌دا به‌رۆک و پینگه‌ی ژنان له‌به‌کۆمه‌لگه‌بووندا ئە‌وه‌نده‌ گرنگه‌ که‌ که‌س ناتوانیت ئە‌مه‌ ئینکار بکات. یه‌ک له‌که‌م و کورتیه‌ بنه‌رته‌یه‌کانی کۆمه‌لناسی هاوچه‌رخیش هه‌ر ئە‌وه‌یه‌ که‌ کۆمه‌لناسی ته‌نیا له‌چاوی پیاوه‌وه‌، بنه‌ماله‌ و په‌یوه‌نده‌یه‌کانی تاکه‌کانی خانه‌واده‌ و په‌یوه‌ندی له‌گه‌ڵ کۆمه‌لگه‌ هه‌لسه‌نگاندوه‌. زانستی کۆمه‌لناسی هاوچه‌رخیش ده‌بیت پشت به‌تێگه‌یشتنی هاوبه‌ش ژن و پیاو به‌سه‌تیت، واته‌ ده‌بیت کۆمه‌لناسیه‌کی ئازادانه‌ و ئازاد بیت. له‌ پێناسه‌کردنی ئە‌و کۆمه‌لناسیه‌ش رای ژن و زانستی ژن که‌ خۆی له‌ژنۆلۆژیا‌دا ده‌بینیتته‌وه‌ گرنگه‌یه‌کی ژیا‌نی هه‌یه‌.

هه‌ول ب‌دات له‌چنگی ئە‌و شپه‌ره‌ زگاری بیت ئە‌وه‌نده‌ ئێسقانه‌کانیشی ورد و خاش ده‌کرین. پیاو وه‌ها فێرکراوه‌ که‌ ژن هه‌میشه‌ بچووکه‌؛ سه‌یرکه‌ له‌ولاته‌ به‌ناو ئاینی - ئە‌و و لاتانه‌ی یاسا و رێسا‌کانیان له‌سه‌ر بنه‌مای ئاین - دارشتوووه‌ مافی شاهیدی و میراتیشیان به‌پێی ره‌گه‌ز جیا‌کردۆته‌وه‌ و جیا‌کاریه‌کی زۆر به‌رچاو له‌نیوان ژن و پیاو‌دا دانراوه‌. ئە‌وه‌ له‌حالتیکدا که‌ کاتیک ره‌وايه‌تی سیسته‌م ده‌که‌وتته‌ ژێر پرسپاره‌وه‌، ژنانیش وه‌ک پیاوان یه‌ک ده‌نگیان هه‌یه‌؛ له‌م ده‌نگدا‌نه‌دا به‌رژه‌وه‌ندی پیاوه‌که‌ و ده‌سه‌لاته‌که‌ی له‌مه‌ترسی دایه‌ بۆیه‌ روژیکێ وه‌هایان بۆ ژنان پێناسه‌ کردوه‌ و ئە‌مه‌شیان وه‌ک ماف به‌ناو کردوه‌. کاتیک پیاو به‌چاوێکی بچووک سه‌یری ژنی کرد، ئە‌وا ناتوانیت نه‌ به‌هاوبه‌شی کاروخه‌باتیک به‌ریوه‌ به‌رن و نه‌ ده‌توانیت پێشه‌نگایه‌تی له‌کاردا وه‌ک روژیکێ پۆزه‌تیف و ئە‌رێنی سه‌یر بکه‌ن. له‌ روژی ئە‌مڕۆدا پیاو وای لی کراوه‌ له‌زەنیه‌تی هاوشانی و یه‌کسانی و دیموکراسی بە‌دووهره‌. ئە‌مه‌ بابە‌تیکه‌ دژە‌ کۆمه‌لگه‌یی بوونه، به‌لام به‌هۆی ئە‌وه‌ی به‌دامه‌زراوه‌ بووه، به‌ئاسانی له‌ناوبردنی و راستکردنه‌وه‌ی ئاسان نابیت. ئە‌م ئە‌قلیه‌ته‌ پێ‌ویستی به‌تیکۆشانی به‌رده‌وام و هه‌میشه‌یی هه‌یه‌. ده‌سته‌به‌رداریبوون و دا‌بران له‌زەنیه‌تی بنه‌ماله‌گه‌راییی، به‌شپوه‌یه‌ک له‌شپوه‌کان تاک به‌ره‌و

شەھید گۆلستان

پاریزەریکی راستەقینەى نرخەکان

رێبەر ئاپۆ، شەھیدان و گەل لەریکخستنی ئاپۆیی دا نرخى هەرە مەزنن



هه‌یوا ئەحمەد

بادینان، موسڵ، بەغداد و کەرکوک و سالی ۲۰۰۷ و لەگەرمەى تیکۆشانى ریکخستنی و بەگەلبوونى پەژاک دیتە نێو خەباتى پەژاک "پارتى ژيانى ئازادى کوردستان" و لەویۆهشەو بەئامانجى بەریکخستى کردنى کۆمەلگە و ژنان و گەنجانى رۆژەلات و پیکهاتهکانى تری ئێران لەبەهارى سالی ۲۰۰۸ دەچیتە هەریمی "کەلەرەش، ماکو، سەلماس، خۆی، ورمى و ئەسەندەرە" و لەهەمان سال و لەئەنجامى کەمینی هێزە سەرکوتکارەکانى رژیمی داگیرکەرى ئێران لەبەروارى ۲۰۰۸/۱۵/۲۱ لەهەریمی سۆما لەگەل پینج هەقال و هاوسەنگەرى دەگەنە پلەى بەرزى شەها دەت.

رۆح و هەستى و لا تپاریزی و کوردپەرورەرى گەلەکەمان لەرۆژئاواى کوردستان و لەهەریمی کۆچەراتى جەزیرە بەدریژایى دامەزراندنى دەولەت - نەتەووە داگیرکەرەکانى سەر کوردستان لەئاستیکى بەرزدا خۆى پاراستوو و لەزۆربەى شوپش و لەتێو سەرھەلدان

هەقال "گۆلستان فەقى"، ناسراو بە "گۆلستان کۆچەر" لەدایکوو سالی ۱۹۸۲ز و لەهەریمی کۆچەرات لەشارۆچکەى دێرکى رۆژئاواى کوردستان لەبنەمالەیهکی و لا تپاریز و نیشتمانپەوەر لەدایکوو. لەبنەمالەکیاندا دوو کورمام و دوو کچ مامى لەریزەکانى گەریلادا شەھید و بەلایەنى کەمەو بە دەیان کەس لەبنەمالەکەى لەنێو تیکۆشانى بزوتنەوہى ئازادىخوای کوردستاندا جى دەگرن.

هەقال گۆلستان لە سالی ۱۹۹۹ و لەکانى پیلانگێرى نێونەتەوہیى لەبەرەمبەر بەرێبەر ئاپۆ، بریارى بەشداربوون بۆ نێو ریزەکانى گەریلا دەدات و هاوشان لەگەل پۆلیک لەژنان و هاوریان و کورانی هەریمەکیان بەشدارى ریزەکانى گەریلاکانى ئازادى کوردستان دەبن. سەرەتای کاروخەباتى ریکخستنی هەقال گۆلستان لەرۆژئاواى کوردستان و لەنێو خەباتى کۆمەلایەتى و ژنان و چاند دا دەبیت و پاشان دەچیتە هەریمەکانى

و راپه پینه کوردیه کان رۆلی پێشهنگایه تیان گیراوه. ههڤال گۆلستانیش له ئێو چاندیکی وهها له دایکبووه. ئهو ههسته و لاچارپزی و نیشتمانیه پهره پیه مه زنه ی گه لی کورد له هه ریمی کۆچه رات وا ده کات ژماره یه کی به چاو له خه لکی ناوچه که به شداری ریزه کانی گه ریل و بزووتنه وه ی نازاد یخوازی کوردستان بن و له پێشکته وتن و گه شه سه نندن و گه و ره بوونی هه یکه لی ریکه ستنی دا خاوه ن رۆل و کاریگه ری مه زن بن و ده بنه سه رچاوه ی وزه به خشین و بلا بوونه وه ی شوپش. له لایه کی تر، چوونی ریه ر ئاپۆ بۆ رۆژئاوا ی کوردستان و مانه وه ی له وه به شه ی کوردستان، گه لی رۆژئاوا به گه و ره و بچووک، پیر و مندال، ژن و پیاو و گه نجه وه به شداریه کی کارایان له خه بات دا به دوادا هات. کاریگه ری راسته وخۆی ریه ر ئاپۆ له تیکۆشانی نازاد یخوازی گه له که مان له رۆژئاوا ی کوردستان و شوین په نجه ی له ئاستیکدایه که رۆژئاوا ی کوردستان له نیوسه ده ی خه باتی په که که دا رۆلی کارایان گیراوه. ههڤال گۆلستان دیرک یه که له و ژنه تیکۆشه ر و گه نجانیه ی ئهو هه ریمه یه که راسته وخۆ به نزیکه بوونی ریه ر ئاپۆ بۆ گه ل و نرخه ماددی و مه عنه وه یه کانی به کاریگه ر ده بییت. ئه مه ش هانده ریکی تره له ناسینی ریه ر ئاپۆ بۆ ههڤال گۆلستان. ریز و خۆشه ویستی ریه ر ئاپۆ بۆ گه ل وا ده کات، کوردان به تیکرا ئامیز بۆ ریه ر ئاپۆ بکه نه وه و گه و ره و بچووک عاشقی بینین و مانه وه و بینینی خوله کانی په ره و ده له لای ریه ر ئاپۆ و جیگرتن له خه باتی ریکه ستنی گه ل ده بن و وه هاش ده سه ده سه ت بۆ بینینی ریه رابه تی به شداری خوله کانی په ره و ده ده بن و ئه مه ش ده نگدانه وه یه کی مه زن له ئێو ئاپۆرای گه لدا درووست ده کات.

ههڤال گۆلستان له که شه یکی وهها به شداری ریزه کانی ریکه ستنی گه ل و گه ریل ده بییت. له ئاوێته بوون و نزیکه بوون و نرخ دانی ریه رابه تی به گه ل و نرخه کانی و به ریکه ستنبوون؛ بریاردار ی خۆی بۆ ئێو ریزی گه ریل ده دات. له راستیدا ههڤال گۆلستان، به ره مه می به یه که گه یشتنی ریه ر ئاپۆ، گه ل و به ریکه ستنبوون و بونیادنان و تیکۆشانی نازاد یخوازی نه ته وه یی و ژن بوو. ههڤال گۆلستان به که ده وه نزیکه بوونی ریه ر ئاپۆ بۆ گه ل ده بینن و ئهو ریز و خۆشه ویستی ه ی ریه ر ئاپۆ به گه ل و چین و توێژه جیاوازه کانی نیو کۆمه لگه ی ده دا، وا ده کات زیاتر به ره و نیو شوپش هه نگاو هه لگرت. له لایه کی تر شه هاده تی که س و کار و گه نجان و

ژنانی هه ریمه که بیان له ئێو بزوتنه وه ی مافخوازانه ی گه ریلادا و خاوه نداریه تی گه ل له ته رمی شه هیدان و به رزکردنه وه ی ئالای به رخوۆدان و وینه ی شه هیدان و یاد و بیره پێنانه وه یان و به نمونه و سه رچاوه ی وزه به خشی له خه باتدا، وه ک هیزیکی مه عنه وه ی، هه ستی تۆله و هه لگرتنی چه کی شه هیدان زیاتر هه ستی به رپرسیاریه تی نه ته وه یی و هه لگرتنی ئه رکی نیشتمانی خسته به رده م ههڤال گۆلستان بۆ ئه وه ی ئه و په یمان و به ئێنانه ی به شه هیدانی دابوو، جینه جییان بکات. بۆیه ش رۆژه رۆژ ئه وه هه ست و جۆش و هه یه جانه ی له که سایه تی خۆیدا به رجه سه تر ده کرد.

ههڤال گۆلستان ئیدی ده زانیت که کاتی ئه وه یه وته کان و کرده وه کانی بکاته یه ک و له چوارچیه ی هه لۆیستیکی مه زنتر و به کاریگه رتر و به ریکه ستن تر بیگه یه ئێته ئاستی چالاک ی و وهها به شداری له خه باتی نازاد یخوازی گه لی کوردستان بکات. له ئه نجامدا به و ههسته به ریکه ستن کراوانه ی له که سایه تی خۆیدا بونیادی نابوو، به شداری ریزه کانی گه ریل ده بییت. وه ک ریه ر ئاپۆش ده ئیت: "شۆرشگێر که سایه تیه کی به ریکه ستن کراوه که به شه یه یه کی زانستی خۆی و ژیا نی ده گه یه ئێته ئاستی چالاک ی" ئه مه به و واتایه دیت که ووته و کرداری شۆرشگێر یه که بگرنه وه و له نیو هاوئا هه نگیه کدا بن و ئه و بانگه شانه ی پێی باوه رپه بیگه یه ئێته ئاستی چالاک ی. چالاک ی شۆرشگێر یکه ئه و رۆح و باوه ری و ئیراده یه یه که به ریکه ستن کراوه، هه ر ئه مه یه که رۆحی دیموکراسی بوونی کۆمه لگه یه ک پێشده خات، رۆح دووباره به به ر کۆمه لگه دا ده کاته وه.

بوونی گه ل سه رچاوه ی سه ره کی تیکۆشانی نازادی

تیکۆشه ریکه

یه که له تاییه تمه ندییبه به هیزه کانی ههڤال گۆلستان، باوه رپوونی به هیز ی بوو به هزر و فه لسه فه و ژیا نی ریه ر ئاپۆ. باوه ری خالی بنه ره تی که سایه تیه کی شۆرشگێر. که سایه تیه کی شۆرشگێر، که سایه تیه کی باوه رپه نده. که سایه تیه که هاوشیوه ی مرۆفه دینداره کان چرکه ساتیک له پارز و نیاز بۆ مه عشوقه که ی غافل نابیت. به عه شقیکی نا کۆتاوه به ره و پیری هزره که وه ده چن و هاوشیوه ی ئاوێنه یه که که سایه تی خۆی تیدا ده بینیته وه. ریه ر ئاپۆ ئه و ئاوێنه روون و خاوین و بیگه رده بوو که ههڤال گۆلستان خۆی تیدا بینیبوو یه وه.

هه ځال گولستان؛ بهو په روه رده نه ی
له تهمه نه ی بچووکى دا له لای ریبه راپو
بینی بووی، خاوه ن ده رکیکی قوول له
هزر و ئایدولوژی و فله سه فه ی ژنی
ئازاد و خاوه ن هه ستی به هیز له ناسینی
هه ځالیتی بوو. له یه که م نزیک بوونه وه دا
ده رکی به وه ده کرد که نه و که سه ی
له به رامبه ریته ی به کام پیوان و چه مک
ده جو لپته وه و پیوانه کانی رده و قه بولی
له ژیاندا پشت به کام لایه نی هزری
ده به ستیت



له زانایی که شیوه گرتنی که سایه تیه کی شورش گپری
له نزیک بوونه وه بو گهل و شه هیدان هه لده سه نگاند و
به و شیوه یه ش واتای ژیانى هه ځالانه و خو شه ویستی
هه ځالیتی و گه لیشی له که سایه تی خویدا به ژیانى ده کرد.
یه کیك له پی شه نگانی فله سه فه ی ئازادی ژنی
ئازاد بوو و به و هه ست و تیگه بشت و جه ساره ت و
خونه ویستی هه ځالانى پی شه نگى بزوتنه وه ی ئاپو یی
وه ریگرتبوو. جو ش و خرؤش و ماته وزه یه کی بن
نه دازه ی له ناخ و وجودی خویدا خولقاندبوو.

هه ځال گولستان دیرك؛ هیما یه ك له جو ش و موړال
یه کیکی تر له تابه تمه ندیه سه ره کیه کانی هه ځال
گولستان، به جو ش بوون و به هه یه جان بوونی
له ژیانى شورش گپری دا بوو. یه کیك له تابه تمه ندیه کانی
که سایه تیه کی شورش گپری هه ر نه و جو ش و موړاله یه
له ژیانى شورش گپرییدا وه ك ناسنامه یه ك هه لیگرتووه.
هه یه جان و موړاله که له سه خترین و دژوارترین
دوخه کانی ژیاندا وره و جه ساره ت و هیز به موړو ف
ده به خشی ت و قه له مازی نوئ له ژیان دینتته ئاراهه.
ژیان به خو ی دؤخی که له زیندوویته ی و به به رکردنی روچه
به جه سته دا بو له سه ری و ه ستانده وه و خوړاگری. هه ر
نه و جو ش و موړاله ی، جو شى به ده وروربه ر ده به خشی،
رو حى هه ځالیتی به هیز تر ده کرد و هانی ده دا بو
نه وه ی به رووی کی شه ریكخسته تیه کان و که سیتیه کاند
زال بیت. وه ك ئاو یك له روو بار یكدا ده چیت، ناوه ستیت
و هه رده چیت روو باره کانی تر له گه لیدا كوده بنه وه و

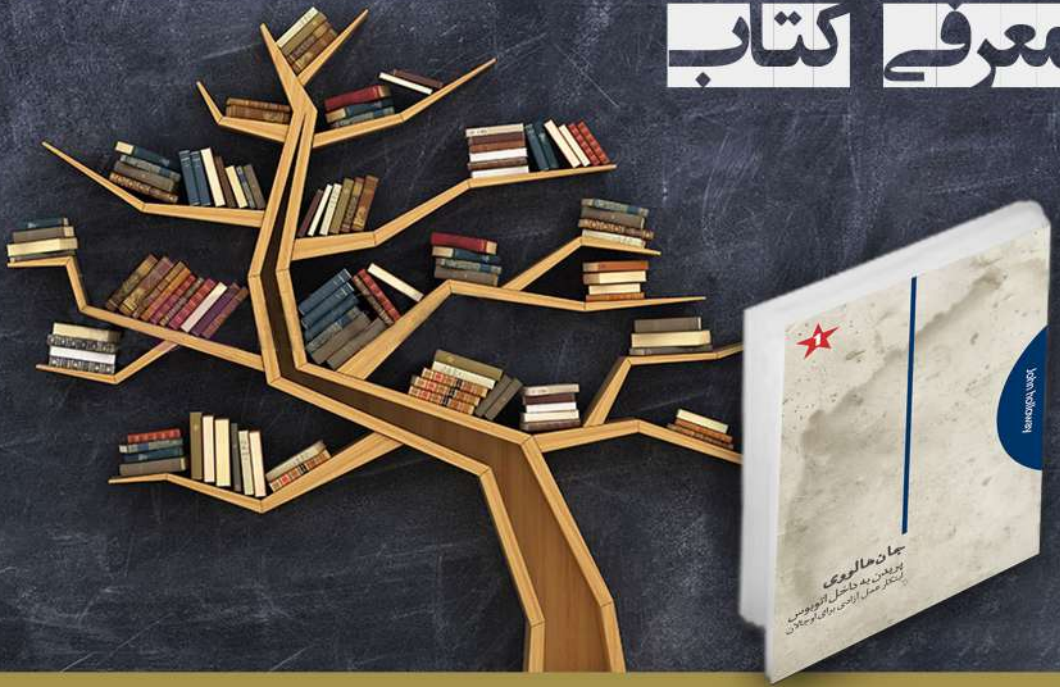
هه ځال گولستان كوچه ر راسته به تهمه ن گه نج
بوو. به لام زیره ك و چاو كراه و به جه ساره ت بوو.
هه ر نزیک بوونه وه یه ك که زیان به ریزه کانی شوړش و
هه ځالیتی و ژیانى ریكخسته تى بدابا و ببوبا به مایه ی
لاوازخسته تى ریزه کانی ژیانى گه ریلایه تی، ده بووه خاوه ن
هه لو یست و به و ئیمان و باوه رپه پته وه ی که له ریبه ر
ئاپو وه وه ریگرتبوو، وه كو گری ناگر تینی لن هه لده ستا
و له دژى ده وه سته یه وه. ریگه ی نه ده دا چه مکی
هه لپه رست و قو سته وه ی ده رفته ریكخسته تیه کان
له به رژه وه ندی تا که که سی دا به کار بین و به که یفی خو یان
بژین. نه گه ر ژیان یك هه بیت، یان به ئازادی ده بوو
پرا زیندر پته وه، یانیش باهه رنه بیت، چونکه ژیان یکی
وه ها، ژیان یکی ته سلیم بووه. نه مه نه و فله سه فه یه بوو
هه ځال گولستان باوه رى پښ هینا بوو. نه م و ته ی ریبه ر
ئاپو هه میشه له سه ر زمان و بن زمانى هه ځال گولستان
بوو و ژیان یکی به ده رله وه ش، ژیان یکی خیانه تکارانه و
ته سلیم بوو به دا گیر که ران و نه یارانى گهل و شوړش و
شه هیدانه.

هه ځال گولستان؛ بهو په روه رده نه ی له تهمه نه ی
بچووکى دا له لای ریبه ر ئاپو بینى بووی، خاوه ن
ده رکیکی قوول له هزر و ئایدولوژی و فله سه فه ی
ژنی ئازاد و خاوه ن هه ستی به هیز له ناسینی هه ځالیتی
بوو. له یه که م نزیک بوونه وه دا ده رکی به وه ده کرد که
نه و که سه ی له به رامبه ریته ی به کام پیوان و چه مک
ده جو لپته وه و پیوانه کانی رده و قه بولی له ژیاندا پشت
به کام لایه نی هزری ده به ستیت. گه یشتبووه ناستیک

شههید گولستان دێرك به زهنیه تێکی وه ها گه وره ببوو وهك دار به روو له روژه لاتى كوردستان و ئيراندا ريشه كوتا و به وهش ده يووست ژنان و گه نجانى روژه لات و ئيران بگه يه نيته ئاستيك كه ئه مپرو شوړشى ژن، ژيان، ئازادى پيگه يشتوو. بۆيه رېبه ر ئاپو ده ئيت؛ شه هيدان خاوه نى راسته قينه ي ئه م ولاته ن

هاوشیوهی ده ریا شه پۆل شه پۆل کۆمه لگه ده ته نیته وه. شه هید گولستان دێرك سیمبۆلیك له وه هه زاران شوړشگێژه ی فه لسه فه ی ژنی ئازاده كه له شه پۆلدان ناوه ستیت و هه رچی ده چیت گه وره و به هیتر ده بیته. هه قال گولستان له كاتیکدا هاته نیو خه باتی به ریکخستنی په ژاکه وه كه په ژاك له دۆخی به ریکخستن کردنی گه ل و خو ناساندنی به ریزه كانی گه ل بوو. رژی می داگیرکهری ئیران هه رزوو كه وته پینگه ی دژایه تی کردن و به پیلانگێری و ره شه كوژی كه وهك رییازی میژوو یی سیسته می ده سه لاتداریه تی په نای بۆ بردوه و ریکخستنبوونی خۆی بونیادناوه له به رامبه ر به كادره پیتشه نگه كانی په ژاك وه ستایه وه؛ چونكه له قوولایی هزری په ژاك تیگه یشتبوو كه په ژاك هاوشیوه ی پارته كانی تر نیسه. ئه م پارته خاوه ن فه لسه فه ی ئازادی ژنه، خاوه ن چه مکیکی راسته قینه ی دیموكراسی رادیکاله، لۆژیکی ئیکۆلۆژیانه ی له پیتشه، به ریکخستن کردنی گه ل کاری له پیتشینیه تی، گه نجان وهك ئیراده ی وه رچه رخان و گۆرانکاری دیموكراتی ده بی نیته، بونیادنانی ئاكادیمیای زانسته كۆمه لایه تیه كان و ئابوری كۆمینال له چوارچێوه ی بونیادنانی كۆپراتیف و یه كه به ریکخستنكراوه كان ده گریته ده ست. مالی ژن وهك شوینی دیالۆگ و چاره سه ری پرسه كانی په یوه ست به ژنان و كۆمه لگه داده مه زریئن. پارکی تایه ت به ژنان بونیاد ده نریت. گرنگی به زمانی دا یکی و په ره ورده ده دریت. پیتخشستی خه باتی هاوبه شی ژنانی روژه لاتى كوردستان له چوارچێوه ی یه كگرتن و پیتشه نگابه تی کردن بۆ هه موو ژنانی ئیران له پیتشه هه موو ئه ركه ریکخستنیه كانی خۆپانه وه داناوه. كار بۆ بونیادنانی ئاكادیمیای زانستی ئیلاهیات ده دات. خاوه ن زهنیه تێکی جیاواز و تیگه بشتنیکی جیاوازه له سه یرکردن بۆ پرسه كۆمه لایه تیه كان. گه ل به سه رچاوه ی شوړش سه یر ده كات. ئه مه ش روانگه یه کی نوئی رېبه ر ئاپو ببوو بۆ كۆمه لگه كه په ژاك و شه هیدانێك وهك هه قال گولستان ئالا هه لگرانی ئه وه فه لسه فه یه بوون. شه هید گولستان دێرك به زهنیه تێکی وه ها گه وره ببوو وهك دار به روو له روژه لاتى كوردستان و ئیراندا ریشه ی كوتا و به وهش ده یووست ژنان و گه نجانی روژه لات و ئیران بگه یه نیته ئاستيك كه ئه مپرو شوړشى ژن، ژیان، ئازادى پيگه يشتوو. بۆيه رېبه ر ئاپو ده ئيت؛ شه هيدان خاوه نى راسته قينه ي ئه م ولاته ن.





ابتکار عمل بین‌الملل « آزادی برای عبدالله اوجالان - صلح برای کردستان »، یک کمپین فراملیتی صلح، برای آزادی رهبر آپو و راه حلی مسالمت آمیز برای مسأله کورد می‌باشد. این [کمپین] فوراً پس از ربوده شدن رهبر آپو و استرداد وی به جمهوری ترکیه در نتیجه همکاری سرویس‌های اطلاعاتی در ۱۵ فوریه ۱۹۹۹، تأسیس شد. بخشی از فعالیت‌های این کمپین به انتشار آثار رهبر آپو اختصاص یافته است.

کتابچه‌ی «پرویدن به داخل اتوبوس» نوشته‌ی جان هالووی یکی از کتابچه‌های مجموعه «برساخت حیات آزاد: دیالوگ‌هایی با اوجالان» می‌باشد که همگی این مجموعه در یک کتاب جمع شده‌اند، این کتاب حاوی مجموعه مقالاتی از نویسندگان، متفکران و انقلابیون جهانی است تا در مورد افکار رهبر آپو نظرات خود را بیان دارند تا فضای دیالوگی حول اندیشه‌ی رهبر آپو شکل بگیرد. این مقالات برای نخستین بار، واکنش‌های مکتوب به نوشته‌های زندان رهبر آپو را گردآوری نموده و شماری از آکادمیسین‌ها، نویسندگان، و انقلابیون را که به اندیشه‌های وی علاقه‌مند هستند یا از تفکرات وی الهام گرفته‌اند، دور هم جمع کرده است. ترجمه این مجموعه به زبان‌های مختلف، تلاشی است برای گسترش و ژرفا بخشی هر چه بیشتر به دیالوگ موجود. امید است که اثر حاضر، دیوارهای زندان را نیز درنوردد، چرا که حصر و انزوای شدید اعمال شده بر زندان جزیره امرالی، اندک مجال برای دیالوگ با ایشان بر جای گذاشته است. با توجه به اینکه نوشتن به وسیله‌ای برای رهبر آپو بدل شده، تا به واسطه آن بر انزوا و حصر غلبه نموده و با طیف گسترده‌تری از مخاطبان ارتباط برقرار نماید، امیدواریم مجموعه‌ی مذکور بتواند راهگشای مخاطبان گردد تا از این طریق در تلاش‌های وقفه ناپذیر و فزاینده رهبر آپو جهت برساخت جهانی بهتر، سهم گردند.

جهت دریافت فایل این کتاب به سایت رسمی پژاک مراجعه نمایید

شهیدان مهزنترين نرخى ئيمەن



شههيد ئافارەش ناگرى



شههيد نامارا فورات



شههيد دورشيين حەبەش



شههيد فازل ماردین



شههيد سەرەد بىياسان



شههيد تىكۆشيين شۆرش

آزادی پیروز خواهد شد

وہمیر آپ



Alternative 26